

مباحثی درباره

شام خداوند

طبق آیین کلیسای شرق

سطح عالی

مباحثی درباره

شام خداوند

طبق آیین کلیسای شرق

عنوان : مباحثی درباره شام خداوند، طبق آیین کلیسای شرق

فهرست مندرجات

- ۱ : نظامنامه آیین نیایش مقدس ۱
- ۲ : رموز و نشانه‌های کتاب مقدس
در قسمتهای قبل و بعد از نیایش قربانی مقدس سریانی مالاباری ۲۴
- ۳ : برگزاری آیین نیایش و مأموریت کلیسا ۴۵
- ۴ : برخی ملاحظات درباره دعای طلب روح القدس ۵۳
- ۵ : انسان‌شناسی الهیاتی در قربانی مقدس سریانی مالاباری ۶۸

نظامنامه آیین نیایش مقدس

طبق مجمع واتیکان دوم

مقدمه

۱- هدف شورای دوم واتیکان تجدید حیات مسیحی در جهت هماهنگی ساختارهای کلیسایی در حد لزوم و تشویق آنچه که به یگانگی مسیحیان منجر می شود و همه مردم را اعضای خانواده مسیح می نماید، خواهد بود. بنابراین شورا دلایلی کافی برای اصلاح و تغییر نمازنامه ها و عبادت مسیحیان دارد.

۲- زیرا از طریق آیین نیایش و به ویژه عشای ربانی (شام خداوند) ایمانداران می توانند در زندگی خود راز مسیح و ماهیت راستین کلیسا را درک نموده و به دیگران اعلام نمایند. طبیعت اساسی و دوگانه کلیسا ایجاب می نماید که بشری و در عین حال الهی، آشکارا و در عین حال پوشیده و پنهان، فعال و در عین حال خاموش و همچنین در جهان حاضر و در عین حال نسبت به آن بیگانه باشد. کلیسای خدا به طریقی که بشریت را به آسمان، ظاهر را به باطن، عمل را به سکوت، و این جهان خاکی را به شهر آسمانی پیوند می دهد واجد همه این خصیصه ها هست (عبر ۱۳: ۱۴).

آیین نیایش در عین حال که ایمانداران را معبد خدا می سازد، محل سکونت روح القدس، به شباهت مسیح، به آنها قدرت می دهد تا مسیح را موعظه نمایند (افس ۲: ۲۱-۲۲). بدین ترتیب کتب نیایش کلیسا را مانند الگویی که به نجات رهبری شود به تمامی جهان می نمایاند.

۳- بنابراین شورا اصول اصلاح نیایش و کاربرد عملی آن را ارائه می نماید. برخی از این اصول به تمام حوزه های کلیسای کاتولیک مربوط می شود اما بعضی دیگر تنها مختص کلیسای کاتولیک رومی است.

۴- بالأخره کلیسا همه شاخه ها و خانواده های کلیسایی را دارای ارزش و اهمیت یکسان و همانند می داند. اراده شورا بر آن است که کلیه شاخه ها و خانواده ها را حمایت و تعدیل نموده و در صورت لزوم اصلاحاتی انجام دهد و آنها را برای پاسخگویی به نیازهای امروز تقویت نماید.

اصول کلی برای برقراری صلح و آرامش

سرشت آیین نیایش و اهمیت آن در زندگی کلیسا

۵- خدا دوست دارد همه نجات یابند (۱- تیمو ۲: ۴)، از این رو وقتی زمان به کمال رسید او پسر خود را چون واسطه ای فرستاد که سرشت بشری او طریق نجات ما گردید. در مسیح بشر با خدا مصالحه داده شده و از طریق این مصالحه کاملیت در پرستش را یافتیم. همه آنچه که خدا در عهدعتیق انجام داد در کار مسیح، که با نجات ما پدر را جلال داد کامل گردید. عیسی عمدتاً از راه رنج صلیب، رستاخیز، و صعود خود این وظیفه را به انجام رسانید. «او با مرگ خود مرگ ما را نابود ساخت و با رستاخیز خود زندگی ما را نجات بخشید، (مقدمه مربوط به عید قیام) و از طریق این مرگ قربانی گونه کلیسا، همچون راز شگفت آوری متولد گردید.

۶- مسیح درست به همان شیوه ای که خود توسط خدای پدر فرستاده شد، رسولان خود را به قدرت روح خود فرستاد. مأموریت آنها اعلام این خبر بود که عیسی مسیح با مرگ و رستاخیز خویش ما را نجات داد. همچنین وظیفه آنان این بود که نجاتی را که موعظه کرده اند از طریق شام خداوند و رازهای مقدس که آیین نیایش بر محور آنها می چرخد گسترش دهند. بنابراین از طریق راز تعمید ما در راز رستاخیز مسیح سهیم می شویم، در مسیح می میریم، با او دفن می شویم، و با او نیز برمی خیزیم (روم ۶: ۴)، به فرزند خواندگی خدا خوانده شده و پرستندگان حقیقی او می شویم. به همین طریق در راز قربانی مقدس، ما مرگ مسیح را تا بازگشت ثانوی او یادآوری می کنیم (۱- قرن ۱۱: ۲۶). بنابراین پس از نخستین تجربه پنتیکاست (عید پنجاهه) همه آنان که کلام مسیح را دریافت کرده اند تعمید یافته و همواره قربانی مقدس را برگزار می نمایند (اع ۲: ۴۱). کلیسا نیز همواره گرد هم آمده با مطالعه کتب مقدسه، و با سهیم شدن در راز قربانی مقدس، از طریق مسیح و با قدرزت روح القدس خدا را برای عطیه ای که به ما داده است سپاس می گوید.

۷- در جهت انجام این وظیفه مسیح همواره در کلیسا حاضر است، مخصوصاً در برگزاری آیین نیایش. او در مراسم شام خداوند، هم در شخص کشیش و هم در نان و شراب تقدیس شده حضور دارد. او به قدرت خود در رازهای مقدس حضور دارد. بنابراین وقتی کسی تعمید می یابد این مسیح است که او را تعمید می دهد؛ هنگامی که کلام خدا

در کلیسا قرائت می شود این مسیح است که سخن می گوید زیرا او در کلام خود حضور دارد. به هنگام نیایش و سرود جماعت در کلیسا نیز مسیح، همچنانکه وعده داده است، در میان آنان حضور دارد (مت ۱۸: ۲۰).

آین نیایش خدا را به کمال جلال داده و انسان را مقدس می گرداند و مسیح نیز در این عمل مهم کلیسا را با خود پیوند می بخشد. از طریق مسیح است که کلیسا پدر را پرستش می کند.

از این رو کار کاهنانه مسیح در آیین نیایش تداوم می یابد. رازهای مقدس همراه با بسیاری نشانه های دیگر ما را مقدس می گردانند. خدا توسط مسیح به همراهی ما پرستش می شود.

در نور این نیایش ما کاری مقدس تر از برگزاری آیین نیایش نمی توانیم انجام دهیم، زیرا این عمل مسیح و بدن او، کلیسا، است.

۸- آیین نیایش تجربه کوچکی است از طریق پرستش خدا در آسمان، که ما به سوی آن سفر می کنیم. در آیین نیایش ما از مقدسین و فرشتگان دعوت می کنیم تا با ما در پرستش خدا متحد شوند و ما در انتظار بازگشت ثانوی مسیح هستیم تا در جلال او سهیم گردیم (فی ۳: ۲۰؛ کول ۳: ۴).

۹- آیین نیایش فعالیت کلیسا را محدود نمی نماید. دعوت ایمان که دگرگونی قلبهاست پیش از نیایش فرا می رسد.

مأموریت کلیسا دعوت بی ایمانان به مژده نجات و راهنمایی آنان به سوی توبه است. اما این مأموریت به همین اندازه نیز در مورد ایمانداران اهمیت دارد (اع ۲: ۳۸). ایمانداران بایستی برای تقدس آماده شده و در مورد محبت مسیحی و پیام رسولان آموزش یابند. بنابراین پیروان مسیح بایستی نور عالم بوده و جلال دادن به خدا در زندگی ایشان دیده شود.

۱۰- از این جهت آیین نیایش به مثابه عالی ترین فعالیت کلیسایی به شمار آمده و چشمه جوشان قدرت آن نیز هست. زیرا هدف رسولان آن است که همه آنانی که تعمید یافته و ایمان آورده اند برای پرستش خدا گرد آیند و در قربانی سهیم گشته و شام خداوند را دریافت دارند.

به نوبه خود آیین نیایش ایمانداران را به هنگام دریافت عناصر مقدس در قدوسیته یگانه شریک می سازد. دعای کلیسا آن است که روش زندگانی ایمانداران با ایمان آنها هم سو

شود و از این طریق پیمان میان انسان و خدا تجدید گردد، و همه ایمانداران به محبت خدا رهبری شوند. از طریق نیایش و بخصوص در قربانی مقدس است که: خدا جلال می یابد، ایماندار با قوت در مسیح تقدیس می شود، حیات خدا در ما جاری می گردد.

۱۱- برای آنکه تأثیر نیایش کامل باشد ایمانداران باید صمیمانه و با آگاهی در این آیین شرکت جویند تا در آنها ثمر آورد. بنابراین کشیشان باید آگاه باشند که برگزاری آیین نیایش چیزی بیش از فقط اطاعت کامل و بی نقص از قوانین و سنتهاست. آنها باید مطمئن شوند که ایمانداران نقش فعال حقیقی همراه با آگاهی از آنچه انجام می دهند داشته باشند تا ثمرات روحانی برای آنان بار آورد.

۱۲- زندگی روحانی چیزی بیشتر از شرکت در آیین نیایش است. مسیحیان باید نه فقط در جماعت بلکه به صورت انفرادی نیز دعا کنند و دعای آنها باید مداوم باشد. مسیحیان همواره باید مرگ عیسی را به یاد آورند به طوری که زندگی عیسی در زندگی آنها جلوه گر شود (۲- قرن ۴: ۱۰-۱۱). از این روست که ما در آیین قربانی مقدس از خدا می خواهیم قربانی روحانی ما را بپذیرد و چنان در ما کار کند که خود را به عنوان قربانی جاودانی به او تقدیم کنیم.

۱۳- شورا آرای عمومی را تا زمانی که با روح و متن ایمان کلیسای جامع همگام و یا مستقیماً از اسقفان محلی و یا رم نتیجه شده باشد محترم می شمارد. در غیر این صورت چنین تصمیماتی می بایست بر اساس فصول نیایشی و برگرفته از آیین نیایش باشد و بنوبه خود به این آیین بازگشت نماید. اصول آیین نیایش هرگز نمی توانند با آرای عمومی مقایسه گردند.

شیوه اجرا و ساختار و پیامدهای آیین نیایش

۱۴- کلیسا از ایمانداران می خواهد به گونه ای مستمر، فعال و کامل در آیین نیایش شرکت کنند. این سرشت آیین نیایش و حق اولیه و وظیفه مسیحیان است که از راز تعمید ریشه می گیرد.

در هر گفتگویی درباره تجدید نظر در آیین نیایش این موضوع باید در اولویت قرار گیرد. کشیشان بایستی با تمامی توان خود در آیین نیایش شرکت جویند. روشن است که چنین موفقیتی هرگز به دست نخواهد آمد مگر آنکه آنان خود از روح و قدرت آیین نیایش پر شده باشند. کشیشان خود نیازمند اجرای نیایشهای مخصوص

هستند. از این رو شورا تصمیمات زیر را اتخاذ نموده است:

۱۵- همهٔ معلمین کانونهای مذهبی و کلاسهای الهیاتی و دانشکده‌های علوم الهی باید به طور خاص برای این هدف تربیت شده باشند.

۱۶- آیین نیایش در مؤسسات مذهبی و کلاسهای الهیاتی باید با اهمیت و از نظر تدریس مهم تلقی گردد، و در دانشکده‌های الهیات به عنوان یکی از مطالب اصلی و مهم مطالعاتی در نظر گرفته شود. اساتید، بخصوص معلمین مذهبی و مدرسین متون مقدسه، بایستی راز مسیح و تاریخچهٔ نجات را تعلیم داده، ارتباط عمیق آن با آیین نیایش را روشن نموده و یگانگی ایمانداران را از طریق ساختار خادم سازی فراهم سازند.

۱۷- در کلاسهای الهیات و مدارس مذهبی، شاگردان باید اصول اساسی نیایش را در زندگی روحانی خود بیاموزند. آنها برای درک رازها و شراکت کامل در آیین نیایش بدان نیازمند هستند. آنها باید نه تنها در مراسم نیایشی بلکه در جلسات عمومی که خصیصهٔ نیایشی دارند نیز شرکت جویند. در حقیقت در چنین کانونهایی شیوه زندگی باید تحت نفوذ اصول آیین نیایش قرار گیرد.

۱۸- کشیشهای مذهبی و کسانی که مستقیماً با مردم عادی کار می‌کنند باید به درک عمیق‌تر آنچه در نیایش انجام می‌دهند دست یابند. آنها باید در زندگی روحانی یاری شوند و این زندگی را با بقیهٔ مردم شریک شوند.

۱۹- کشیشان باید دقت و توجه کافی در یاری به مردمی که برای آنها کار می‌کنند برای درک آیین نیایشی و شرکت در آن مبذول دارند، در عین حال باید به ظرفیتهای متفاوت مردم توجه نمایند. بدین سان آنان در انجام این وظیفه، یکی از وظایف اولیهٔ مسئولیت خویش را کامل می‌نمایند و بایستی در این موضوع هم در سطح کلام و هم بعنوان نمونهٔ اخلاقی هدایت گردند.

۲۰- ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی مخصوص نیایش بخصوص برای مردم بایستی در نظر گرفته شوند و این کار باید زیر نظر افراد تأیید شدهٔ اسقفان انجام پذیرد.

اصلاح آیین نیایش

۲۱- اصلاح آیین نیایش در کلیسا به نفع مسیحیان است. آنچه که از الهام آسمانی

در این آیین وارد شده نمی تواند تغییر یابد اما آنچه که سرشت الهی ندارد می تواند و باید به هنگام لزوم تغییر نماید. هدف این اصلاحات اطمینان یافتن از وضوح و روشنی کلام آیین نیایش است به گونه ای که مسیحیان به کاملترین شکلی در آیین نیایش شرکت نمایند. به این منظور شورا قوانین ذیل را پیشنهاد نموده است:

الف) قوانین کلی

- a-۲۲- ترتیب آیین نیایش به اقتدار پاپ، و برطبق قانون، به اقتدار اسقفان بستگی دارد.
- b- در محدوده ای تعیین شده، همچنین به اقتدار شوراهای اسقفان محلی بستگی دارد.
- c- هیچکس دیگری حق ندارد کمترین تغییر، افزایش و یا کاهش در محتویات آیین نیایش به وجود آورد.

۲۳- تجدید نظر در هر قسمت از آیین نیایش بستگی به مطالعات شبانی، الهیاتی و تاریخی داشته و در این راه آخرین اصلاحات و تجربیات نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این اصلاحات در صورتی که نیاز به پیشرفت باشد لازمند و آنچه مفید باشد باقی خواهد ماند. علاوه بر این، هیچ چیز تازه ای نباید در این اصلاحات وارد شود مگر مصلحت کلیسا ایجاب نماید، و تا حد امکان الگوهای جدید باید از درون آنچه موجود است بیاید.

در صورت امکان باید از اختلاف بین شیوه های اجرایی در کلیساهای همجوار در یک منطقه خاص جلوگیری شود.

۲۴- کلام خدا در برگزاری آیین نیایش اهمیت حیاتی دارد، زیرا قرائتها از کلام برگزیده می شوند و همین کلام در موعظه توضیح داده می شود و مزامیر سروده می شوند. جمع آوری هدایا، نیایشها، و سرودها از طریق کلام الهام می شوند. اعمال و نمادهای نیایشی مفهوم خود را از کلام می گیرند. پس اگر در آیین نیایش تغییری لازم باشد این تغییر بایستی به گونه ای باشد که محبت زنده و فعال مسیحایی را ترغیب نمایند، محبتی که در آیین نیایش چه در شرق و چه در غرب یافت می شود.

۲۵- تجدید نظر در کتب آیین نیایش هرچه سریعتر باید انجام پذیرد. در انجام این وظیفه متخصصین بایستی با مشاوره اسقفان نظرات خود را ابراز نمایند.

ب) قوانین استخراج شده از سرشت آیین نیایش

۲۶- خدمات نیایشی اموری شخصی نیستند. این خدمات به کلیسا، که متشکل از اعضا و اسقفان آنهاست، تعلق دارند. اما در رابطه انفرادی این خدمات از فرد به فرد متفاوت هستند و این تفاوتها به نقش هر فرد در نماز و پرستش بستگی دارد.

۲۷- هر مراسمی که شرکت همگانی در آن مجاز است کم و بیش از امور فردی و شخصی به حساب می آید که شامل عشای ربانی و رازهای مقدس نیز می گردد.

۲۸- در هر یک از مراسم نیایشی تمام کسانی که نقش خاصی دارند، نباید از محدوده وظایف خود فراتر روند.

۲۹- خادمان مذبح، قرائت کنندگان کلام، مفسرین و سرایندگان نقش نیایشی ویژه ای دارند. آنها باید نقش خود را دریافته در چهارچوب آن عمل نمایند. همچنین بایستی برای انجام وظایف خویش تعلیم لازم را ببینند.

۳۰- جماعت بایستی به مشارکت در دعا و سرود و نیایش همراه با اعمال و رفتار شایسته و مناسب و حتی رعایت سکوت و احترام تشویق شوند.

۳۱- در تجدید نظر آتی در آیین نیایش بایستی مواردی برای مشارکت بیشتر مردم در نظر گرفته شود.

۳۲- رهنموهای ویژه ای برای تطابق موقعیت شخص و وضعیت اجتماعی او با آیین نیایش در نظر گرفته شده است، لیکن در مورد هیچ شخص یا اشخاصی نباید افتخارات یا امتیازات استثنایی قائل شد.

ج) قوانین ناشی از سرشت شبانی آیین نیایش

۳۳- آیین نیایش قبل از هر چیز پرستش خداست، لیکن همچنین دستورالعملی است برای مردم، زیرا خدا با آنان در نیایش سخن می گوید و آنان به او پاسخ می دهند.

دعاهای کشیش به خدا و به خاطر حاضرین، یعنی کل کلیسا، انجام می شود. بنابراین نیایش، سرایش، عمل کلیسا موجب تقویت ایمانداران شده ذهن آنها را متوجه خدا می سازد تا او را بهتر خدمت نمایند و همواره آماده دریافت عطایای او باشند. بنابراین در مرور بر آیین نیایش موارد ذیل باید مورد توجه واقع گردند:

۳۴- مراسم نیایشی باید کوتاه و روشن، اصیل و ساده، و بدون نیاز به توضیح زیاد قابل درک باشند.

۳۵- قرائتها باید متنوع تر و مناسب تر از آنچه در حال حاضر موجود است باشند. چنین حالتی به نشان دادن ارتباط بین گفتار و عمل در نیایش کمک خواهد نمود. موعظه قسمتی از آیین نیایش است و باید از جایگاه مناسبی در پرستش برخوردار گردد. کشیشان بایستی در موعظه خود دقیق و وفادار باشند. موعظه های آنان بایستی اعلامگر اعمال خدا در تاریخ نجات یا در راز مسیح باشد. دستورالعمل مستقیم نیایشی باید برای جماعت در نظر گرفته شود و در صورت لزوم در مواقع مقتضی در مراسم نماز برای ایشان اعلام گردد. خدمات علم کلام برای موقعیتهای مختلف در سال نیایشی باید مورد تشویق قرار گیرد خصوصاً زمانی که کشیشی در دسترس نیست. که در این صورت این خدمات توسط خادم یا هر کسی که اسقف تعیین کرده است انجام گیرد.

۳۶- a- زبان لاتین باید برای مراسم لاتینی حفظ شود هر چند قسمتهای موجود اجباراً حفظ خواهند شد.

b- از آنجایی که استفاده از زبان مادری به جماعت سود می رساند، این ممکن است در نماز، در برگزاری رازهای مقدس، و در نیایش به طور کلی از این زبان استفاده شود. مخصوصاً در مورد قرائتها و سرایش سرودها و انجام بعضی نیایشها.

c- بر این اساس بر عهده اسقفان محلی است که در شورا تصمیم بگیرند که چگونه و تا چه حدی زبان محلی آنها باید استفاده شود. پس از آن پاپ تصمیم آنها را تأیید خواهد نمود. این شوراهای اسقفان ممکن است دومورد استفاده اعضای آنها از یک زبان مشترک به مشاوره با یکدیگر نیاز داشته باشند.

d- متونی که به منظور استفاده در نیایش به زبان مادری نوشته شده، بایستی توسط اسقفان محلی تأیید شوند.

د) قوانین تطبیق با فرهنگها و سنتهای مختلف

۳۷- کلیسا نمی خواهد نیایش متحدالشکلی را تحمیل نماید. بلکه ترجیح می دهد که فردیت انسانی اقوام و ملل مختلف را تشویق نماید، و اجازه می دهد که عناصر فرهنگی و سنتی آنها به نیایش واقعی وارد شود با این شرط که با نیایش هماهنگی داشته باشند.

۳۸- هنگام تجدید نظر در کتب نیایشی، هدف بایستی تطبیق ارزشمند و تفاوتها باشد، مشروط بر این که به اصالت نمازنامه رومی صدمه نزنند. این مطلب خصوصاً در مورد مناطقی که بشارت انجام می پذیرد مصداق دارد.

۳۹- وظیفه شوراهای اسقفان محلی است که تطابق‌ها در زبان نیایشی، در موسیقی و هنر، در آداب و سنن نیایشی، و بالاتر از همه در ارائه رازهای مقدس را تصریح نمایند. هر انطباقی می‌باید از اصول این سند اطاعت نماید.

۴۰- هنگامی که به اقتضای زمان و مکان تطابق‌های بیشتری مورد نیاز باشد شورای اسقفان محلی باید عناصری از زندگی و فرهنگ را که می‌توان برگزید بدقت در نظر گیرند.

پیشنهادات آنها باید برای تصویب به مقام رهبری کلیسا، و برای کسب تجربه عملی در میان بعضی مردم، فرستاده شود. تطبیق آیین نیایش، بخصوص در نواحی مورد بشارت، کار ساده‌ای نیست و باید توسط افراد متخصص انجام پذیرد.

شیوه زندگی عبادتی خادمان و شوراهای کوچک

۴۱- اسقف باید به عنوان کاهن اعظم جماعت در نظر گرفته شود که به تعبیری زندگی روحانی جماعت وابسته است.

بنابراین همگان باید زندگی نیایشی حوزه کلیسایی خود را که بر محور زندگی اسقف بنا گردیده است ارج نهند. آنها باید بدانند که کلیسا زمانی به درستی شناخته خواهد شد که همه ایمانداران فعالانه در نیایشها و عبادات، بخصوص در مراسم قربانی مقدس زیر نظر اسقف خود، شرکت داشته باشند.

۴۲- از آنجا که اسقف نمی‌تواند همیشه در جمع کلیسای خود حضور داشته باشد باید گروههای کوچکتری تشکیل دهد. از میان این گروهها کلیساهای محلی در درجه اول اهمیت قرار دارند در بعضی موارد کلیسای محلی به عنوان کلیسای منطقه در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین کشیشان و اعضا باید تلاش نمایند تا روابط عمیقی با اسقف خود برقرار نمایند، زندگی نیایشی کلیسای محلی را عمق ببخشند، و زندگی در نوعی حس اتحاد را، بخصوص برای نیایش یکشنبه، تقویت نمایند.

شیوه زندگی شبانی در عمل

۴۳- علاقه به حفظ آیین نیایش در حقیقت به الهام روح القدس به دست می‌آید. این نشانه بارز کلیسای امروز و در واقع تفکر مذهبی معاصر است.

۴۴- در نور چنین قانونی شورا مقرر می‌دارد که کنفرانسهای اسقفان محلی باید کمیسیونهایی در رابطه با آیین نیایش، موسیقی و هنر کلیسایی، و تمرین شبانی ترتیب دهند. افراد این کمیسیونها بایستی توسط متخصصین، خواه روحانی یا عوام، و احتمالاً توسط بعضی نهادهای نیایش شبانی حمایت شوند. تحت رهبری اسقفان این گروهها هدایت خدمت شبانی را به عهده گرفته مطالعات و تجربیات را ارتقا داده و تطبیقهای مناسب را به مقام رهبری کلیسا پیشنهاد می‌دهند.

۴۵- به همین شکل هر اسقف بایستی یک کمیسیون نیایشی در حوزه اسقفی خود مقرر نموده و هدایت کند. مگر اینکه مفید باشد که چندین حوزه کلیسایی با هم یک کمیسیون نیایشی ترتیب دهند.

۴۶- هر یک از حوزه کلیسایی نیز باید، در صورت امکان، کمیسیونهای هنر و موسیقی کلیسایی را ترتیب دهند. این کمیسیونها باید چنان هماهنگ عمل کنند که بتوانند با هم ادغام شده و یک کمیسیون واحد تشکیل دهند.

راز شام خداوند

۴۷- در شام آخر بود که عیسی مراسم قربانی مقدس را برقرار نمود. او این کار را برای گسترش عمل فدیة دادن در طول تاریخ تا بازگشت ثانوی خداوند انجام داد. او یادگاری از مرگ و رستاخیز خویش به کلیسا بخشید، رازی از محبت و اتحاد، غذای گذری که در آن او خوراک ماست و ما را حیات می‌بخشد.

۴۸- از این جهت کلیسا از ایمانداران می‌خواهد که نه مانند بیگانگان بلکه در محبت و کاملیت در این خوان شرکت نموده، کلام و مراسم آن را دریابند و بدانند چه می‌کنند. ما باید از طریق آموختن از کلام خدا، و تغذیه از بدن مسیح، از خدا توسط تقدیم پسر او نه تنها در دستهای کشیش بلکه تقدیم خودمان با او، تشکر نموده و از طریق او، واسطه، بیشتر با خدا با یکدیگر متحد گردیم.

۴۹- شورا به منظور هر چه مفیدتر نمودن شام خداوند، حتی در کلام و اعمال آن، برای مردم تصمیمات زیر را اتخاذ می‌نماید:

۵۰- مراسم شام خداوند بایستی در جهت آشکار کردن سرشت و هدف اصلی آن و برای ساده تر شدن شرکت مردم در آن مورد تجدید نظر قرار گیرد.

برای رسیدن به این هدف مراسم باید ساده گردد، عناصر کم ارزش آن حذف، و عناصر فراموش شده که به نظر مفید می‌آیند به آن اضافه گردند.

۵۱- در مراسم شام خداوند ایمانداران بایستی با استفاده کامل از کتاب مقدس، از کلام خدا بیشتر بشنوند.

۵۲- کلیسا نوشتجات مقدس را برای نشان دادن زندگی مسیحی موعظه می‌نماید. این قسمتی از نیایش است و به عنوان یک قاعده کلی باید در نیایشهای عمومی در روزهای مخصوص و یکشنبه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۵۳- در این روزها دعاهای ویژه‌ای باید ترتیب داده شوند، دعاهایی که برای کلیسا، برای رهبران مملکتی، برای نیازمندان، و برای همه بشریت شفاعت می‌کنند.

۵۴- در این نیایشها درمورد قرائت از کتاب مقدس، نیایشهای ویژه، و نیز در نیایش عام زبان بومی و محلی باید مورد استفاده باشد. درعین حال افراد باید قسمتهایی از نماز را که به زبان لاتین خواهد بود بدانند. برای استفاده گسترده‌تر از زبان مادری در نظامنامه تجدید نظرهایی انجام گرفته است.

۵۵- شورا ایمانداران را به شرکت فعال و کامل در مراسم شام خداوند با دریافت نمادهای روحانی در قربانی مقدس، دعوت و تشویق می‌نماید. اسقفان بایستی نمادهای نان و شراب را نه فقط به کشیشان و ایمانداران بلکه، در تطابق با تصمیم رم، به مردم عادی بدهند. به عنوان نمونه به یک ایماندار تازه تعمید یافته در اولین مراسم قربانی مقدس پس از تعمید او.

۵۶- دو قسمت آیین نیایشی قربانی مقدس، موعظه کلام خدا و قسمت شکرگزاری، چنان به هم مربوط هستند که در عمل یک پرستش واحد را تشکیل می‌دهند. بنابراین شورا کشیشان را ترغیب می‌نماید تا مردم را تعلیم دهند تا در کل مراسم شام خداوند شرکت جویند.

۵۷- a - برگزاری مشترک قربانی مقدس،

که نشانه اتحاد کهنانتی می‌باشد در کلیساهای شرق و کلیساهای غرب مشترکاً معمول بوده است. شورا انجام چنین نیایشهای مشترک را برای پنج شنبه قبل از جمعه مقدس (جمعه نیک) و همچنین در هر نیایش دیگری در کنفرانسهای

اسقفان، شوراهای کلیسایی و کلاسهای مختلف و مراسم تقدیس یک کشیش مجاز و مناسب می‌دانند. بر اساس اجازه اسقفان محلی این مراسم همچنین می‌تواند در مراسم عادی، پرستش عمومی کلیسایی و در گردهمایی کشیشان نیز انجام گردد.

b- اجرا و اعلام قوانین چنین مراسمی بر عهده اسقفان در حوزه اسقفی خودشان است. با این همه هر کشیشی حق دارد چنین مراسمی را جداگانه و همزمان در هر جا که صلاح بدانند و در هر زمان غیر از پنج شبه مقدس اجرا نماید.

۵۸- روش نیایشی جدیدی در دست تدوین است و به نمازنامه کلیسا افزوده خواهد شد.

رازهای مقدس و رازگونه‌ها

۵۹- رازهای مقدس برای تقدیس مؤمنین، برای تشکیل بدن مسیح، و برای پرستش خدا برگزار می‌گردند. به عنوان نشانه‌های روحانی آنها انسانها را تعلیم می‌دهند؛ آنها ایمان را عمیق‌تر نموده آن را بیان می‌دارند؛ آنها قدرت بخشش حیات از خدا را دارند. اینک این حیات الهی در انسانها تقویت می‌شود، و آنها خودشان رازهای مقدس را دریافت می‌دارند.

بنابراین لازم است که مؤمنین این نشانه‌های رازگونه را به درستی درک کرده و برای گسترش حیات مسیحی خود آنها را مکرراً دریافت نمایند.

۶۰- علاوه بر رازهای مقدس، کلیسا مقدس کننده‌های دیگری نیز دارد که نمادهای روحانی هستند که باید از طریق نیایش کلیسا به دست آیند. این نمادهای روحانی مؤمنین را قادر می‌سازند تا رازهای مقدس را به گونه‌ای مناسب دریافت دارند و موقعیتهای گوناگون زندگی را نیز تقدیس می‌نمایند.

۶۱- بنابراین رازهای مقدس و رازگونه‌ها تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی را تقدیس می‌نمایند. آنها به ایمانداران افزونی برکات حیات را که از مرگ و رستاخیز مسیح منشأ می‌گیرند می‌بخشند. بنابراین استفاده از مظاهر قابل رؤیت مادی می‌تواند در جهت پرستش خدا و تقدیس ایمانداران بکار گرفته شود.

۶۲- امروزه مراسم رازهای مقدس و رازگونه‌ها بایستی متناسب با نیازهای جاری کلیسا تغییر یابند زیرا در طول زمان معانی آنها کم‌رنگ می‌شوند بنابراین شورا به شرح ذیل تصمیم می‌گیرد:

۶۳- از آنجایی که ایمانداران به زبان مادری تربیت و تعلیم می‌یابند ارائه رازهای مقدس و رازگونه‌ها باید با استفاده از زبان بومی و بر طبق آنچه در جای دیگری در این سند تذکر داده می‌شود انجام گردد.

کنفرانسهای محلی اسقفان باید مستقیماً در تطبیق مصوبه رم با نیازهای محلی، منجمله نیازهای زبانی، اقدام نمایند. این ترتیبات باید سپس معرفی و اعلام گردند. این تغییرات بایستی در تطابق با کتاب شعائر اصلاحی کاتولیک رومی باشند.

این کتاب حاوی مقدمه‌ای برای هر یک از مراسم مذهبی (شعائر) اعم از دستورالعمل شبانی یا تعلیم درباره سرفصلها یا اهمیت اجتماعی هر یک از آنها می‌باشد. مفاد این دستورالعمل‌ها باید در هر یک از مراسم محلی در نظر گرفته شود.

۶۴- کلاسهای آموزش الهیاتی برای افراد بالغ باید اصلاح و تجدید نظر شوند. دستورالعمل برای افراد جدید‌الایمان شامل چندین مرحله است. اینها با یک سری مراسم نیایشی که در طول دوران تعلیم برگزار می‌گردند مشخص شده‌اند.

۶۵- عناصر معینی از مراسمی خاص که در کشورهای در حال بشارت یافت می‌شوند بایستی برای اهداف مسیحی تطبیق داده شوند. در چنین حالتی این تطبیق مناسب بومی باید بر اساس آنچه در پاراگرافهای ۳۷-۴۰ در این سند ذکر شده انجام پذیرد.

۶۶- تغییرات و تجدید نظرهایی درباره مناسب روحانی تعمید بزرگسالان اعم از ساده و پیشرفته باید در نظر گرفته شود که مورد اخیر (پیشرفته) برای حق جویان بایستی تجدید نظر گردد. اساس تغییرات لازم در کلاس درس حق جویان باید انجام شود. مراسم تعمید ویژه‌ای باید به نمازنامه رومی افزوده شود.

۶۷- مراسم تعمید کودکان نیز باید تجدید نظر و به طور مناسبی تدوین شوند. آیین تعمید همچنین باید حقوق و وظایف شاهدان تعمید یا والدین تعمیدی را در بر گیرد و ذکر نماید.

۶۸- آیین‌های تعمید باید شامل قسمتهای متنوعی برای موقعیتهای خاص، به عنوان نمونه زمانی که تعدادی با هم تعمید می‌یابند، باشند. علاوه بر این، یک مراسم کوتاه‌تر باید ترتیب داده شود، برای استفاده در تعلیم حق جویان در کشورهای در حال توسعه، و یا استفاده افراد عادی که شخصی را که در خطر مرگ قرار دارد تعمید می‌دهند.

۶۹- مراسم جدیدی نیز باید جایگزین مراسم فعلی گردد که شامل قسمتی برای تعمید سریع و اضطراری باشد. این قسمت باید به روشنی و به شکل مناسب نشان دهد که کودک در کلیسا پذیرفته شده است. علاوه بر این یک مراسم تازه برای تعمید اصولی نوایمانان باید در نظر گرفته و ترتیب داده شود که نشان دهد این افراد کاملاً توسط کلیسا برای مشارکت کامل پذیرفته شده اند.

۷۰- به استثنای عید پاک، آب مورد استفاده برای تعمید باید تقدیس شود، به عنوان قسمتی از مراسم تعمید.

۷۱- آیین تأیید باید اصلاح شود و نشان دهد که این نیایش تاچه حد این راز برای مسیحیت اساسی و مهم است. بنابراین، کسانی که تأیید می شوند باید سوگندهای تعمید خود را قبل از انجام آیین تأیید، تجدید نمایند. عمل تأیید ممکن است در مراسم قربانی مقدس انجام شود، یا، در غیر این صورت این مراسم بایستی با دستورالعمل خاصی معرفی شود.

۷۲- قانون و دستورالعمل برای راز توبه بایستی تجدید نظر شود. به طوری که نشان دهد که چیست و چه می کند.

۷۳- آیین تدهین کامل بهتر است به نام تدهین بیماران معرفی گردد. این آیین تنها برای افراد در حال احتضار (موت) نیست بلکه برای هر ایماننداری که در خطر مرگ قرار دارد اعم از آنکه علت این خطر کهنسالی یا بیماری باشد نیز قابل اجرا و استفاده است.

۷۴- آیین دائمی مخصوص برای تقدیس باید ترتیب داده شود که در آن بیمار اعتراف گناهان را انجام داده، تدهین می شود و سپس قربانی مقدس دریافت می نماید.

۷۵- یک فرد بیمار می تواند، مطابق با شرایط محیط، بارها تدهین شود. بنابراین دعاها و نیایشهای این آیین باید تغییر یابد تا با شرایط فرد شرکت کننده مناسبت بیشتری بیابد.

۷۶- هم در متن و هم در مراسم اجرایی آیین دستگذاری کشیشان باید تغییراتی به وجود آید. سخنان اسقف در اجرای آیین دستگذاری کشیشان و یا تقدیس یک اسقف باید به زبان بومی باشد. درمورد تقدیس یک اسقف عمل دستگذاری که تاکنون توسط همه اسقفان انجام می شد، باید توسط اسقفان حاضر انجام شود.

۷۷- آیین نیایش فعلی کاتولیک رومی در مورد ازدواج باید تجدید نظر شود تا برای هر دو همسر (زن و شوهر)، زندگی الهی که توسط راز ازدواج به آنها عطا شده و وظایفی که هر یک دارند، روشن شود. عادات مناسب و مراسم محلی که هم اکنون استفاده می شوند می توانند حفظ گردند.

علاوه بر این شورای اسقفان محلی می توانند مراسم نیایشی بومی خاص خود را داشته باشند، مشروط بر این که از تصویب رم گذشته باشند. این مراسم نیایشی هر چه باشند باید همیشه بر این موضوع تأکید داشته باشند که کشیش رضایت هر دو طرف ازدواج را دریافت کرده است.

۷۸- مراسم ازدواج معمولاً در طول نماز قربانی مقدس، پس از قرائت انجیل و ایراد موعظه برگزار می گردد. دعایی که در حال حاضر فقط برای عروس قرائت می شود بایستی مورد تجدید نظر قرار گیرد و باید به زبان بومی اجرا شود. این آیین باید به زن و شوهر، هر دو، یادآور شود که هر دوی آنها مجبورند و باید وفادار باشند. هرگاه آیین ازدواج در طول نماز قربانی مقدس اجرا نشود، باید قرائتها و موعظه مخصوص نماز ازدواج استفاده شود و عروس و داماد هر دو باید برکت داده شوند.

۷۹- سوگندنامه ها و مسائل مربوط به آیین های نیایشی باید تجدید نظر شوند و بر اساس قوانین فعلی و نیازهای جاری کلیسا تنظیم شوند. بدین ترتیب ایماندار بسادگی و با آگاهی کامل در آن شرکت می جوید. در بعضی جاها، بعضی آیینهای مقدس (رازگونه ها) می تواند توسط افراد عادی انجام شوند، تحت هدایت اسقف.

۸۰- در آیین تقدیس و دستگذاری باکره ها در کلیسای کاتولیک رومی باید تغییراتی ایجاد گردد.

آیین نیایشی جدیدی برای حرفه های مذهبی و تجدید سوگندها باید ایجاد شود. این آیین باید همشکل بودن متانت و وقار را تقویت نموده و به طور معمول در حین مراسم قربانی مقدس انجام پذیرد.

۸۱- مراسم تدفین مردگان باید به روشنی و با تأکید بیشتری ارتباط بین مرگ ایماندار و رستاخیز و پیروزی مسیح را نشان دهند. این مراسم باید همچنین سنتهای گوناگون ملل مختلف را در نظر گرفته بدون کم کردن رنگ و بوی آیین نیایشی اصلی در این آیین ها استفاده نمایند.

۸۲- بایستی در مراسم تدفین کودکان تجدید نظر اعمال گردد و مراسم مخصوص برای چنین موقعیتهایی در نظر گرفته شود.

خدمات روحانی

۸۳- مسیح کاهن در پرستش خدای پدر بشریت را با خود متحد می گرداند، زیرا او کار خود را از طریق کلیسا، که از تمجید و پرستش خدا و شفاهت برای دنیا باز نمی ایستد، ادامه می دهد. کلیسا این عمل را از طریق قربانی مقدس و نیز از طریق خدمت روحانی در کلیسا انجام می دهد.

۸۴- در سنت کهن کلیسا تمامی ساعات روز و شب با پرستش خدا در خدمت روحانی مقدس گردیده. وقتی این دعا انجام می شود، این صدای راستین کلیسا، عروس مسیح است که با داماد سخن می گوید، و این حقیقتاً دعایی است که مسیح و اعضای بدن او با هم به پدر تقدیم می دارند.

۸۵- بنابراین همه کسانی که در این مراسم شرکت می نمایند در یک وظیفه و یک افتخار شریکند، زیرا آنها در این حال سخنگویان کل کلیسا هستند.

۸۶- خدمت روحانی برای کشیشان لازم و ضروری است زیرا پولس رسول می فرماید: بی وقفه دعا کنید (۱-تسا:۵:۱۷). بدون خدا آنها هیچ کاری نمی توانند بکنند و هرچه انجام دهند بی ثمر خواهد بود (یو:۱۵:۵). لازم بود خویشان را به عبادت و خدمت کلام بسپارند (اع:۶:۴) چنانکه رسولان خادمانی برای کلیسا تعیین کردند.

۸۷- شورا اشتیاق دارد اصلاحات کلیسایی شروع شده را گسترش دهد تا دعای کلیسا روز به روز مؤثرتر گردد.

۸۸- بنابراین شورا تصمیم گرفته است که ترتیب سنتی ساعات، تا آنجا که شرایط موجود اجازه می دهند، تغییر یابد.

۸۹- در اصلاح خدمات روحانی اصول ذیل باید رعایت گردند:

نمازهای صبح و یا ستایشی و نمازهای شام به عنوان ساعات اصلی مناسب برای این خدمت در نظر گرفته شود.

تغییرات مناسبی باید انجام پذیرد تا نیایش پایان روز کاملتر و مؤثرتر گردد.

اگرچه ستایش های بامدادی هنگامی که توسط یک گروه سراییده می شود یک نیایش شامگاهی است، اما باید برای سرایش انفرادی در هر زمان تنظیم شود. اصطلاح خدمت درجه اول (office of prime?) دیگر نباید استفاده شود. ساعات سوم، ششم و نهم در نیایش جماعت باید در نظر گرفته شوند اما افراد به تنهایی می توانند هر یک از این ساعات خدمت را بر اساس وقت روز انتخاب نمایند.

۹۰- از آنجایی که خدمت روحانی مهمترین نیایش عمومی کلیساست، کسانی را که آن را به عهده می گیرند در دعای شخصی امداد می کند. ایشان باید با ذهن و هم با زبان دعا کنند. برای رسیدن به این هدف غایی آنها باید مطالعه کتاب مقدسی خود را عمیق تر کنند و بخصوص از مزامیر بهره بیشتری ببرند. کسانی که مراسم نیایشی را اصلاح می کنند باید آن را ساده تر و مفیدتر کنند تا برای جماعت قابل درک تر گردد.

۹۱- مزامیر، که در حال حاضر یکبار در هفته خوانده می شوند، بایستی زمان بیشتری را به خود اختصاص دهند و تجدید نظرهایی که در دست انجام هستند باید سریعاً به اتمام برسند.

۹۲- قرائتهای کتب سلیمان باید با دقت بیشتری انتخاب شوند و آنها که در مورد زندگی قدیسین هستند باید حقیقت را بیان نمایند و نه افسانه ای را.

۹۳- سرودهای مورد استفاده در نیایش باید تغییر یافته و قسمتهای اضافی و زائد آن حذف گردد تا این سرودها مناسب تر شوند و در صورت لزوم اگر فرصتی بود سرودهای دیگری که مناسب باشند انتخاب شوند.

۹۴- برای تقدیس روز بهتر است در زمانهای کلیسایی برای ساعات روز دعا کنند.

۹۵- راهبان، راهبه ها و همه کسانی که این گونه زندگی می کنند برای خدمت روحانی مسیحیان بطور کلی و کامل باید دعا کنند. سرپرستان دیرها و کلیساهای بزرگ باید در ساعاتی که مقرر شده است این وظیفه را انجام دهند.

همه اعضای چنین جماعتی اعم از کشیش، خادم و یا کسانی که به طور عادی سمتی دارند، موظفند ساعاتی را که در جماعت دعا نمی کنند به تنهایی دعا کنند. این شامل برادران غیرروحانی نمی شود.

۹۶- شماس یاران، شماسان، و کشیشانی که مسؤولیتی در جمع به عهده ندارند موظف به دعا برای خدمت روحانی به صورت روزانه، انفرادی و یا گروهی، هستند.

۹۷- با این وجود، اسقفان ممکن است هر یک از کشیشان خود را از قسمتی یا تمام این خدمت معاف نموده و یا به خدمت دیگری بگمارند.

۹۸- همه کسانی که در قسمتهایی از خدمت را به عهده دارند و دعا می کنند باید به پرستش جمعی در کلیسا بپیوندند.

۹۹- از آنجایی که خدمت روحانی پرستش جمعی در بدن مسیح است کشیشانی که در مسؤولیت‌های خاصی مشغول نیستند دعوت و تشویق به دعای گروهی حداقل در قسمتی از آن می شوند.

شورا توصیه می نماید که این خدمت دعا در صورت امکان سراییده شود.

۱۰۰- کشیشهای محلی باید نیایشهای صبحگاهی و شامگاهی خاص برای پرستش عمومی در نظر بگیرند که در روزهای یکشنبه یا در اعیاد انجام شود. و اعضای معمولی کلیسا نیز دعوت می شوند خواه با کشیشان در جمع یا بطور انفرادی، برای این خدمت مهم دعا نمایند.

۱۰۱- a - کشیشها باید به زبان لاتین دعا نمایند اما اسقف می تواند استفاده از ترجمه ای معتبر را اجازه دهد.

b - سرپرستهای مکانهای مذهبی می توانند به افراد خود چنین اجازه ای بدهند، حتی اگر مراسم به صورت جمعی سراییده شود.

c - اگر کشیشی به زبان بومی و با مردم عادی یا مذهبیون دعا می کند وظیفه خود را در این مورد به انجام می رساند، مشروط بر این که یک ترجمه معتبر را استفاده کند.

سال نیایشی

۱۰۲- در طول سال کار نجات بخش مسیح در روزهایی خاص در کلیسا یادآوری می شود. رستاخیز او بطور هفتگی هر یکشنبه، و به طور سالیانه در عید پاک یادآوری می گردد.

در طول سال کلیسا کل راز مسیح را، از تجسم تا صعود او به آسمان، پنطیکاست، و امید بازگشت ثانوی وی، بیان می نماید.

بدین ترتیب کلیسا دولتمندی قدرت مسیح را به ایمانداران نشان داده و به روشی اسرارآمیز آن را قابل دستیابی برای ایمانداران می‌سازد.

۱۰۳- در چرخه رازهای مسیح، کلیسا ارزش و احترام خاصی برای مریم مقدس، که به طور جدایی ناپذیری در کار مسیح و در نجات جهان سهم دارد، قائل است. در مریم مقدس کلیسا نمونه کامل خود را باز می‌یابد.

۱۰۴- در این چرخه نیایشی، کلیسا همچنین روزهایی را برای جشنها اختصاص داده است که برای قدیسین و شهدا برگزار می‌شود. آنها در آسمان خدا را حمد می‌گویند و برای ما دعا می‌کنند. کلیسا با تجلیل از آنها پیروزی مسیح بر مرگ را اعلام می‌نماید. کلیسا قدیسین را به عنوان نمونه های ایمان و مشتاقان خدا به جماعت معرفی و آنچه را که ثمره زندگیشان بوده است ذکر می‌نماید.

۱۰۵- در طول سال نیایشی کلیسا می‌کوشد تا ایمانداران را از طریق تمرین در دعا، توبه، و اعمال خیر شکل دهد.

۱۰۶- از اولین روزهای کلیسا یکشنبه ها به عنوان روز یادآوری رستاخیز مسیح و مشخص شده و «روز خداوند» نام گرفته است. زیرا در این روز ایمانداران گردهم می‌آیند تا کلام خدا را بشنوند، در قربانی مقدس شرکت نمایند، و رنجهای مسیح و رستاخیز و صعود او را به یاد آورند و خدا را برای حیات تازه ای که به ایشان بخشیده است سپاس گویند. روز خداوند اصلی ترین عید کلیسایی است و باید به عنوان یک روز شادی، روز آزادی و فراغت از کار، تقدیس شود. یکشنبه قلب تمام سال نیایشی است.

۱۰۷- سال نیایشی نیز باید تجدید نظر شود به طوری که با حفظ سنتها به شرایط امروزی نیز جوابگو باشد. تطبیق های معینی می‌تواند با توجه به شرایط محلی انجام پذیرد. این منوط به تصمیم شورای اسقفان است.

۱۰۸- اعیاد اصلی سال آنهایی هستند که رازهای نجات ما را یادآوری کرده برگزار می‌نمایند: این اعیاد همواره باید در اولویت باشند.

۱۰۹- ایام انابت دو جنبه دارد: برای تعمید آماده می‌سازند و یا تعمید را یادآوری می‌کنند و از سوی دیگر به روح توبه و انضباط توجه می‌دهند. این دو جنبه هم در خود آیین نیایش و هم در دستورالعمل آن باید در نظر گرفته شود.

شورا در این ایام بر استفاده گسترده تر از بعضی عناصر آیین تعمید که در حال حاضر به فراموشی سپرده اند، و عناصر یادآور توبه اصرار می ورزد.

ایمانداران بایستی نه تنها در مورد اثرات اجتماعی گناه، بلکه در مورد جوهره واقعی توبه که نفرت از گناه است تعلیم داده شوند و گناه را مخالفت با خدا به شمار آورند.

۱۱۰- توبه در ایام انابت نه فقط بیرونی و اجتماعی بلکه باید درونی و شخصی نیز باشد و این کار باید به شکلی که برای زمانه و دنیای ما مناسب و مفید باشد انجام پذیرد.

روزه ایام انابت در هر جا باید در جمعه نیک انجام شود و حتی تا روز عید رستاخیز نیز ادامه یابد.

۱۱۱- هر چند کلیسا قدیسین را محترم داشته و شمایل‌های و یادگارهای آنها را با اهمیت می داند، لیکن مراسم یادبود آنها را کمتر از اعیادی که یادآور رازهای مسیح هستند اهمیت می دهد. علاوه بر این یادبودهای قدیسین در روزهای خاصی در مقیاس محلی انجام می گردد.

موسیقی مقدس

۱۱۲- موسیقی کلیسایی بزرگترین هنر کلیساست و قسمتی اساسی از آیین نیایش را تشکیل می دهد.

بر اهمیت موسیقی در پرستش خدا، در کتب مقدسه (افس ۵: ۱۹؛ کول ۳: ۱۶) و همچنین توسط پدران کلیسا، هنگامی که پاپهای امروزی نقش نیایشی موسیقی را روشن تر بیان نمودند، تأکید شده است.

هرچه ارتباط بین موسیقی و نیایش بیشتر باشد موسیقی بیشتر تقدیس می شود، زیرا کلیسا همه انواع هنر راستین را تأیید نموده از کاربرد آن در نیایش استقبال می نماید. از آنجایی که هدف موسیقی مذهبی جلال دادن خدا و تقدیس جماعت است، شورا بیانیه هایی به شرح ذیل اعلام می دارد:

۱۱۳- نیایش شام خداوند، برگزاری رازهای مقدس، و خدمت روحانی دعا هنگامی به تعالی می رسند که توسط همه افراد فعالانه سرآئیده شوند. زبان مورد استفاده باید از قواعدی که در این سند ذکر شد پیروی نماید.

۱۱۴- میراث موسیقی کلیسایی باید حفظ شده و فعالیت‌های گروه کر بخصوص در کلیساهای بزرگ تقویت شود. اسقفان و مقامات روحانی باید مطمئن شوند که تمامی جماعت می توانند در پرستش و سرایش سرودها شرکت نمایند.

۱۱۵- در آموزشگاههای مذهبی، در مکانهای مطالعه کلام، در مدارس و انستیتوها موسیقی کلیسایی باید توسط استادان مجرب تعلیم داده شود. در صورت امکان بایستی آموزشگاههای موسیقی دایر گردیده و آهنگسازان و خوانندگان تعلیم واقعی روحانی دریافت نمایند.

۱۱۶- سرودهای گریگوری برای نیایش کاتولیک رومی مناسب هستند و، این سرودها و چیزهای مشابه دیگر، باید در اولویت قرار گیرند. اما این بدین معنا نیست که انواع دیگر موسیقی، از جمله موسیقی پولی فونیک (چند صدایی) و مخصوصاً هنگامی که از روح نیایش واقعی برخوردار باشد، کم اهمیت هستند. ۱۱۷- کتابهای نیایشی سرودهای گریگوری باید بازنویسی و اصلاح گردند و به شکل ساده تری نوشته شوند و در دسترس باشند.

۱۱۸- ایمانداران باید برای سرایش سرود تشویق شده و در همه نیایشها و مراسم خاص شرکت نمایند.

۱۱۹- سنتهای موسیقی محلی اهمیت بسزایی داشته و در پرستش باید از جایگاه خاص خود برخوردار باشند. این موضوع بخصوص در مناطقی که بیشترین فعالیت دارند اهمیت بیشتری دارد. بنابراین تعلیم موسیقی برای بیشترین باعث تشویق موسیقی سنتی محلی می شود.

۱۲۰- اگرچه مناسب ترین ساز در کلیسای لاتین ارگ است، اما سازهای دیگر در صورت مناسبت با نیایش و کمک به نیایش جماعت می توانند مورد استفاده قرار گیرد.

۱۲۱- آهنگسازان مسیحی باید اهمیت شغلی خود را درک نمایند. بر عهده آنان است که موسیقی مقدس راستین بسازند و این فعالیت را نه فقط برای گروههای بزرگ کر بلکه برای گروههای کوچکتر و نیز برای اعضای کلیساهای محلی انجام دهند. متون چنین موسیقیها باید اساساً از کلام خدا و نیز از آیین های نیایشی برداشت شوند.

هنر مقدس و تزئینات کلیسایی

۱۲۲- هنرهای ظریفه از ارزشمندترین کارهای بشرند و این موضوع بخصوص در مورد هنر اصیل مذهبی صحت دارد. آثار هنری در طبیعت خود از زیبایی بیکران خدا

سخن می‌گویند. این آثار ذهن ما را متوجه خدا می‌سازند و بنابراین او را می‌ستایند. کلیسا همیشه - و حتی هنوز - در جستجوی کمک هنرمندان و صنعتگران بوده و از آنها خواسته است که کار آنها برای کلیسا بیانگر حقایق ظریف روحانی باشد. پیشرفت تکنولوژی مواد جدید و سبکهای نوین را ایجاد نموده و کلیسا از آنها استفاده می‌کند.

۱۲۳- کلیسا هرگز ادعای مالکیت بر هیچ سبک هنری نداشته است. این به هنرمندان اعصار مختلف و سبکهای گوناگون در کلیسا آزادی عمل داده و بدین ترتیب گنجینه ای هنری گرد آمده است. سبکهای هنری معاصر نیز تا زمانی که در پرستش خدا فعالند باید یک چنین آزادی عمل داشته باشند.

۱۲۴- در تزئین کلیسا، در لباس روحانیون یا هر نوع مبلمان کلیسایی، اسقفان باید در جستجوی سادگی اصیل باشند و از تجمل‌گرایی بپرهیزند. هرگاه آثار هنری آشکارا نامناسب باشند، خواه به دلیل ارزش پایین هنری یا کم اهمیت بودن موضوع، اسقفان باید آنها را کنار بگذارند. همچنین باید در نظر گرفته شود که طرحهای کلیساهای جدید به گونه ای باشند که به آسانی پرستش و شرکت مردم در مراسم کلیسایی کمک نماید.

۱۲۵- بایستی در تعداد شمایلها و مجسمه ها و جایگاه نصب آنها اعتدال رعایت گردد تا مزاحمت برای پرستش و اندیشه ایمانداران ایجاد نگردد.

۱۲۶- در داوری در مورد آثار هنری اسقفان باید نظر متخصصین و اهل فن و همچنین کمیته های هنری و نیایشی حوزه های اسقفی خود را جویا شوند. وظیفه آنان است که اطمینان حاصل نمایند که آثار هنری مورد استفاده در کلیسا برای پرستش خدا بکار رفته و در معرض فروش یا تخریب قرار نمی گیرند.

۱۲۷- اسقف راسا یا توسط یک کشیش آشنا و علاقمند به مسائل هنری باید هنرمندان را به تولید آثار هنری، با الهام روح پرستش، دعوت نماید. در جایی که امکان و مناسبت وجود دارد مدرسه هنری مذهبی باید دایر گردد. هنرمندانی که برای خدمت خدا کار می کنند باید بدانند که از طریقی مشابه و کمی ضعیف تر کار خلاقانه خدا را تکرار و تقلید می کنند و باید در نظر بگیرند که آنچه تولید می کنند با هدف جلب توجه مردم به خدا انجام می گیرد.

۱۲۸- در آینده نزدیک قوانین ناظر بر استفاده از آثار هنری مذهبی در پرستش و چیزهایی از قبیل ساختمان کلیسا، مذبح، خیمه ها، مجسمه ها، و لباس روحانیون تغییراتی خواهند داشت. این قوانین بایستی با نیازها و امکانات پرستشی هماهنگ شوند.

۱۲۹- دانشجویان الهیات باید در مورد تاریخ و پیشرفت هنر مقدس و اصول حاکم بر آن تعلیم بگیرند. در نتیجه، آنها خواهند توانست آثار هنری را ارج نهاده و محافظت نمایند و هنرمندان معاصر را تشویق کنند.

۱۳۰- لباس اسقفان و کلیه متعلقات آن باید تنها توسط اسقفان استفاده شود و یا، با کسب اجازه مخصوص، افرادی حق این استفاده را داشته باشند.

ضمیمه

اصلاح تقویم کلیسایی

شورا به هیچ وجه با یک مراسم عید پاک ثابت از نظر زمانی مخالفتی ندارد و همانند آنچه که کلیساهای شرقی توافق کرده اند موافقت دارد. همچنین با یک تقویم دائمی برای استفاده عمومی و در نظر گرفتن یک هفته هفت روزه که یکشنبه نیز جزء آن باشد موافقت دارد و تا حد امکان هفته های دیگر سال را دست نخورده باقی می گذارد.

برگرفته از:

This is the Liturgy

A Grail Simplified Council Document, p.7-48

متن فوق خلاصه ای است از سند *Sacrosanctum Concilium* از متن رسمی مجمع واتیکان دوم.

۲

رموز و نشانه‌های کتاب مقدس

در قسمتهای قبل و بعد از نیایش قربانی مقدس کلیسای سریانی - مالابار

آیین نیایش به مفهوم برگزاری رازهای پوشیده «کلمه خدا» تلقی می‌شود. متون مقدس شکل نوشتاری همین «کلمه» هستند. این متون به طور مستقیم و غیرمستقیم منبع الهامی ترتیب نیایشی و کارکرد آن می‌باشند. کلیه قسمتهای استخوان بندی آیین نیایش از موضوعات و اشارات مستور در کتاب مقدس تشکیل شده‌اند. از آنجایی که مسیح در متون نیایشی نقش فعال دارد، متون مقدس در آیین نیایش از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. در این ارتباط مفاد تعالیم واتیکان دوم را به یاد می‌آوریم: «متون مقدس، مهمترین قسمت در برگزاری آیین نیایش را تشکیل می‌دهند. زیرا از درون همین متون، قرائتها انتخاب گردیده و در موعظه تشریح می‌شوند، و مزامیر الگوی سرایش هستند؛ دعاها، جمع‌آوری هدایا، و سرودهای نیایشی همه از متون مقدس الهام می‌گیرند، و از طریق همین متون است که اعمال و نمادهای نیایشی مفهوم خود را دریافت می‌کنند». این مطالعه در جستجوی روشن کردن این حقیقت است که قسمتهای نیایشی و پس از نیایش قربانی مقدس سریانی - مالابار به کمک متون مقدس پربار و قوی شده‌اند.

تاریخ نجات

جهان آیین نیایش جهانی سراسر مکاشفه است. این مکاشفه خدا به صورت ابتدایی آن، به شکل تاریخ مقدس جلوه گر می‌شود. این تاریخ، تاریخ دخالت خدا در جهان و در جهت مجذوب نمودن مخلوقات عاقل خدا به سوی خود او و شراکت آنها در حیات آسمانی او و پاسخ آنها به اوست. هنگامی که اعمال خدا در این جهان انجام گردیدند، او از کلمات و اعمال استفاده کرد. کلمات به اعمال معنا می‌بخشند. کتاب مقدس مجموعه گردآوری شده همین کلمات و اعمال ناشی از آن است. آیین نیایش این کلمات و اعمال را از طریق علائم و اعمال خاص نیایش ابراز و ظاهر نموده و بدین سان به دخالت واقعی خدا در زندگی ما منتهی می‌شود.

آیین نیایش باید در متن تاریخ نجات درک گردد که در آن این نیایشی کاملاً فعال می‌شود. ماهیت تمامیت تاریخ مقدس حاوی مفهومی است که تنها خدا به عمق و ژرفای آن آگاه است. حضرت پولس این تاریخ مقدس و مفهوم مستتر در آن را در راز چشمان خدا

خلاصه می‌کند (روم ۱۶:۲۵؛ ۱- قرن ۲:۷؛ افس ۵:۳۲). این تاریخ، این راز در مسیح متمرکز شده و شامل دو قسمت می‌باشد: قبل از مسیح و بعد از مسیح. قبل از مسیح همه چیز به او اشاره می‌کند و پس از مسیح همه چیز از او منشأ می‌گیرد. این راز یک حادثه است که کار نجات بخش مسیح نامیده می‌شود.

مجمع واتیکان دوم آیین نیایش را تجربه کهناتی خدمت و مأموریت عیسی مسیح به شمار می‌آورد. این کار کهناتی مسیح در واقع مهم مرگ و رستاخیز او کامل گردید. بنابراین مجمع چنین ادامه می‌دهد: «او وظیفه خود را اساساً از طریق راز فصیح و رنجهای مسیح، رستاخیز وی از مردگان و صعود پر جلال او به آسمان به انجام رسانید، که در آن از طریق مرگ بر صلیب، قدرت موت را نابود نمود و با رستاخیز خود، حیات ما را نجات بخشید». راز فصیح مسیح قسمت اصلی و تعیین کننده تاریخ نجات است، زیرا این راز مهمترین رویداد مداخله خدا در مجموعه تاریخ مقدس به شمار می‌آید. به این معنا اصطلاح «راز فصیح» می‌تواند دربرگیرنده کلیت مداخله خدا در زندگی انسان و یا تمامیت تاریخ نجات باشد. «فصیح» از ابعاد تاریخی آن و یا از بعد نیایشی آن می‌تواند بررسی گردد. در بعد اخیر و از این دیدگاه رویداد فصیح در قالب نشانه‌ها جلوه‌گر می‌شود و این حوزه وضوح آیین نیایش است.

آیین نیایش، برگزاری راز فصیح مسیح را دربرمی‌گیرد. در اینجا برگزاری با رویدادهای گذشته کار نجات بخش مسیح سروکار دارد اما نه به عنوان کاری که در گذشته به وقوع پیوسته است. هدف آیین نیایشی، وارد کردن فرد پرستش کننده و مرتبط نمودن زندگی انسان با این راز است، که برای همین باید رویداد رازآمیز بازسازی گردد و حضور یابد. آیین نیایش به گذشته می‌نگرد تا قدرت رویداد را اینجا و اکنون برای فرد پرستش کننده روشن سازد تا آنکه فرد بتواند مسیح نجات دهنده را ملاقات نماید. این ملاقات از طریق نشانه‌ها و نمادهای دلالت کننده بر حضور و فعال بودن مسیح، ممکن و میسر می‌گردد. آیین نیایش از طریق نشانه‌ها و نمادها حضور مسیح و راز فصیح او را برای ما زنده می‌نماید و از طریق برگزاری آن ما مسیح را ملاقات می‌نمائیم. آیین نیایش عبارت از برگزاری راز مسیح است که ابتدا در متون مقدس یافت گردیده است. بنابراین بیان آیین نیایش از راز مسیح وابسته به متون مقدس می‌باشد.

از طریق متون مقدس درمی‌یابیم که جهت گیری اولیه و اصلی کلیسای رسولان چنانکه توسط پطرس رسول (اع ۲:۱۴-۳۶، ۳:۱۱-۲۶، ۴:۸-۱۲، ۱۰:۳۴-۴۳) و پولس رسول نیز شهادت داده شده (اع ۱۳:۱۳-۴۱)، اعلام تاریخ نجات بوده که در مسیح متمرکز می‌باشد و بخصوص در زندگی، رنج، مرگ، رستاخیز، صعود و بازگشت ثانوی او تجلی می‌یابد. باید خاطر نشان شود که قربانی مقدس سریانی - مالابار از همان الگوی رسولی پیروی می‌نماید.

آیین نیایشی ما بر اساس وقایع تاریخ نجات طرح ریزی شده است. تاریخ نجات با اقدام خدا، آغاز می شود که در آن او رحمت و محبت خویش را به انسان ظاهر می سازد. این تاریخ از طریق کار نجات بخش مسیح که خود را به خدا تقدیم نمود وارد مرحله جدیدی می شود. مسیح پس از صعود خود، روح القدس را به کلیسا بخشید تا کار نجات بخش او در جهان از طریق روح القدس ادامه یابد. نگاه کلیسا به آینده و به انتها معطوف است، یعنی زمانی که مسیح همه چیز را مطیع پدر نماید (۱- قرن ۱۵: ۲۸). طرح تاریخ نجات، از طریق پسر و در روح القدس به سوی پدر است. همچنین این طرح در آیین نیایشی نیز دیده می شود. هر قسمت از قربانی مقدس، هر چند ممکن است بی اهمیت جلوه کند، نشانه ای از یکی از جنبه های تاریخ نجات است.

قربانی مقدس با عبارت «جلال بر خداوند در اعلی علین» آغاز می شود (لو ۲: ۱۴) که یادآور تن گیری مسیح و رویدادهای مربوط به آن و عهدعتیق است که زمان آماده شدن برای همان رویداد است. مارمیتا زندگی مخفی عیسی و موعظه یحیی تعمید دهنده را به یاد ما می آورد. عبارت «خداوند همه» و باز شدن پرده قربانگاه نمادی از تعمید مسیح در رود اردن و آغاز دوران عمومی زندگی اوست. مهیا کردن عناصر قربانی یادآور رنج و مرگ خداوند است. این عناصر که بر روی مذبح گذاشته می شوند نمادی از مرگ و تدفین مسیح هستند. نیایش بازسازی و نمایش مرگ و رستاخیز مسیح را نشان می دهد. اعمال نیایشی مصالحه (آشتی) نشانه دعوت به پذیرش و دریافت آمرزش گناهان است که نتیجه آزادی در مسیح می باشد. قربانی مقدس به مفهوم رابطه شخص نجات یافته با خدا تلقی می شود. هوتاما (*huttama*) یادآور صعود مسیح و انتظار بازگشت پرجلال او در انتهای کار جهان یعنی زمانی که همه چیز به پدر تعلق می یابد، می باشد.

۲- حلقه اول گهانتا

اکنون بیایید به بررسی وجه نیایشی قربانی مقدس بپردازیم.

قسمت اول *kussapa* درخواست رسیدن به مسیح برای دریافت رحمت و فیض است (عبر ۴: ۱۶) در حضور او هنگامی که در پایان زمان خود را در انسانیت ما که آن را به عهده گرفت، ظاهر می نماید (مت ۲۵: ۳۱، ۲۴: ۲۶-۳۱). دعای اولین گهانتا برای تقویت ما است چنانکه ما بتوانیم با محبت کامل و در ایمان به راستی، هدایایی را که خدا به ما می دهد دریافت نمائیم (۲- تسا ۲: ۱۳). این گهانتا با تشکر از خداوند ما به خاطر فیض بی کرانه ای که تاکنون به ما نشان داده است، آغاز می شود (مکا ۱۱: ۱۷). رحمت مثال خاصی از فیض و محبت اوست. در عهدعتیق یهوه به شکل خدایی پر از رحمت و

فیض معرفی شده است (خروج ۳۴:۶). در هوشع ۱۱:۸-۱۰ و در چند آیه بعدی رحمت صفت خاص طبیعت الهی شمرده شده است. در عهدجدید رحمت خدا در قلب کار نجات بخش او قرار دارد (لو ۱:۵۰، ۵۴، ۷۲، ۷۸).

تمامیت نیایش سرشار از بیان ستایش، شکرگزاری و پرستش است. گهانتای اول با این کلمات آغاز می شود: «ای خداوند خدای ما، تو را به خاطر فیض بی کرانه ات سپاس می گوئیم. گهانتای دوم با بیان «شایسته ستایش از هر دهان (مز ۷۱:۸) و پرستش به هر زبان، (مز ۳۴:۱) و مستحق تمجید و جلال نام تو از هر مخلوقی می باشی» (مز ۱۴۵:۲۱؛ مکا ۴:۱۱) شروع می شود. در کتاب مقدس از قسمتهای مختلف بدن که برای پرستش خدا بکار می روند، مکرراً یاد شده است.

دعاهای بسیاری در کتاب مقدس وجود دارند که از قلب پرشور و ذهن اندوهگین ایمانداران که از خشمگین نمودن خدا تأسف می خورند، برمی خیزند. بنابراین زاری و لایه آنان تدریجاً به دعاهای ستایش و شکرگزاری تبدیل می گردد (مز ۶، ۱۳، ۲۲، ۲۷، ۳۱، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۷۳؛ ۱- سمو ۲:۱-۱۰). این ذهنیت کتاب مقدسی در متن قربانی مقدس بازتاب یافته است. از یک سو دعاهای لایه و زاری که از آگاهی انسان نسبت به گناه خویش برخاسته اند و از سوی دیگر دعاهای مشتمل بر تمجید و جلال نام خداوند نیز وجود دارند که برخاسته از تجربه رحمت و محبت خداوند می باشند. دعاهای توبه و استغاثه و تمجید نیز به گهانتها که اساساً دعاهای شکرگزاری هستند اضافه می شوند. چنین دعاهایی بازتابی از متن زندگی انسانها هستند که با شادی و غم همراه می باشند. محدودیت انسان تا آن حد است که نمی تواند به تنهایی مشکلات خود را حل کند. از این رو او به خدای قادر مطلق پناه می آورد که او را با محبت و رحمت خویش آرامش می بخشد، و بنابراین غم انسان به شادی تبدیل می گردد.

یادآوری

دعا ملاقات و برخوردی بین انسان و خداست که در آن ابتکار عمل در دست خدا می باشد. انسان به این کار خدا، از طریق اعمال ایمان، اطاعت، ستایش، سپاسگزاری و فروتنی پاسخ می دهد. آغاز برخورد انسانها با خدا، خود ابرازی و مکاشفه خدا می باشد که از طریق اعمال قادرانه او دیده می شود. برای ارزشمند شدن دعای فردی، شخص باید این مکاشفه خدا و نتایج آن را به درستی دریافته باشد، چنانکه در مزمو ۱۰۵ می خوانیم:

«یهوه را حمد گوئید

و نام او را بخوانید،

اعمال او را در میان قومها اعلام نمائید
 او را بسرائید و برای او تسبیح بخوانید
 در تمام کارهای عجیب او تفکر نمائید».

گهانتهای نیایش قربانی مقدس به طور عام به نمایش اعمال قدرتمندانه خدا و به طور خاص بیان اعمال او در خلقت، سرنوشت، تقدیس و نیز به شکرگزاری می پردازند.

حضور و تعالی روح

موضوع اصلی خدا در کتاب مقدس مشتمل بر صفات متعال او و حضور او در جهان بر طبق اشعیا ۵۷:۱۵ می باشد:

زیرا که او که عالی و بلند است
 و ساکن در ابدیت می باشد
 و اسم او قدوس است

چنین می گوید: من در مکان عالی و مقدس ساکنم
 و با کسی که روح افسرده و متواضع دارد.

این رؤیا در کتاب مقدس به طور کامل در متن نیایش قربانی مقدس وارد شده است. خدا پدر ما و ما فرزندان او در مسیح می باشیم. لیکن رابطه ما با او صرفاً یک رابطه در سطح انسان و زمین نیست. او عالی و بلند است: «پدر ما که در آسمان است».

مناسک سلامتی

روش سلام دادن که توسط عیسی به دفعات مورد استفاده واقع می شد، شامل عبارت «سلام بر شما باد» می باشد (یو ۱۹:۲۰) هدیه دادن و رد و بدل کردن نشانه سلام با یکدیگر علامت دریافت مصالحه است (مت ۲۳:۵-۲۴). بنابه باور مسلط، این عمل نیایشی از سنت یهودی دعای سلامتی که پیش از صرف غذا انجام می شد (لو ۷:۴۵) ریشه گرفته است. یهودیان معمولاً از طریق در آغوش کشیدن و بوسیدن یکدیگر، سلامتی را به یکدیگر هدیه می دادند (پید ۴۵:۱۴-۱۵؛ مت ۲۶:۴۸-۴۹؛ ۱-قرن ۱۶:۲۰؛ ۲-قرن ۱۳:۱۲؛ ۱-تسا ۵:۲۶؛ طو ۷:۶، ۹:۱۱).

روش تقدیم سلامت و فیض به یکدیگر در جاهای مختلفی در کتاب مقدس یافت می شود (۱-قرن ۱:۴؛ ۲-قرن ۱:۲؛ غلا ۱:۴؛ فی ۱:۲؛ ۲-تسا ۱:۲؛ ۱-تیمو ۱:۲؛ ۲-تیمو ۱:۲؛ ۱-تبط ۱:۴؛ یع ۱:۱؛ ۱-بطر ۲:۱؛ ۲-یو ۱:۳؛ یهو ۱:۲؛ مکا ۱:۵؛ عبر ۱۳:۲۵؛ روم ۱:۷؛ فی ۱:۲۵؛ تبط ۳:۱۵؛ ۲-تیمو ۴:۲۲؛ ۱-تیمو ۶:۲۱؛ ۱-تسا ۳:۱۸؛ غلا ۶:۱۸؛ روم ۱۵:۳۳).

فرشتگانی که تولد عیسی را بشارت دادند نخست با تقدیم درود آغاز کردند (لو: ۲: ۱۴). عیسی با بازگرداندن و بازسازی رابطه گمشده بین انسان و خدا، سلامتی خدا را به انسان هدیه کرد. وی در طول مأموریت خود، گروهی از مردم را که در او سلامتی را یافته بودند برگزیده و تعلیم داد (یو: ۱۶: ۳۳). عیسی که پس از رستاخیز، سلامتی را هدیه داده بود، اکنون همین سلامتی را در مذبح تقدیم می کند. این قسمت نشان دهنده آن است که ما در مسیح سلامتی را یافته ایم، مسیحی که بر مرگ پیروز شده است. او سلامتی خود و زندگی تازه را به ایمانداران خواهد بخشید.

حتی در زمان پولس رسول نیز اتحاد کلیسا به عنوان بدن مسیح از طریق شرکت در نیایش مقدس تحکیم می یافت (۱- قرن ۱۰: ۱۷). رقابت و درگیری های لفظی بین افراد و تعصبات، نابودکننده این اتحاد کلیسایی هستند. بنابراین به عنوان یکی از وظایف کشیش ها و اسقفان، پایان دادن به چنین مسائلی در نظر گرفته می شد. پولس رسول حتی مراجعه ایمانداران را به دادگاه بی ایمانان برای حل اختلافات نکوهش می کند (۱- قرن ۱: ۶-۸). رسولان بوسه محبتانه را تشویق می نمودند (۱- پطرس: ۵: ۱۴؛ ۱- تسالونی: ۵: ۲۶؛ روم: ۱۶: ۱۶).

سلام در قربانی مقدس به مفاهیم درود (۱- سمو: ۲۵: ۶؛ روم: ۱: ۷)، وداع، و آرزوی سعادت (پید: ۴۴: ۱۷؛ خروج: ۱۸: ۴)، مخالف جنگ (داور: ۱۱: ۱۳؛ ۱- پاد: ۲: ۵)، توافق و هم رأیی (اع: ۲۶: ۷؛ افس: ۳: ۴)، هماهنگی (اع: ۲۶: ۷؛ افس: ۳: ۴؛ یح: ۳: ۱۸؛ ۱- پطرس: ۳: ۱۱)، آشتی (افس: ۲: ۱۴-۱۷؛ ۲- قرن ۵: ۱۸-۲۰؛ کول: ۱: ۲۰)، امنیت (۲- سمو: ۱۱: ۷؛ لو: ۱۱: ۲۱)، موفقیت (لاو: ۲۶: ۶؛ اش: ۴۸: ۱۸)، شادکامی (زک: ۸: ۱۹؛ ملا: ۲: ۶؛ امث: ۱۲: ۲۰؛ اع: ۹: ۳۱) و نجات (مز: ۶۸: ۱۹-۲۰) به کار رفته است. استفاده از واژه های فیض، رحمت، همدردی، نجات و آشتی همیشه باید در رابطه با سلامتی بوده و درک گردد.

فیض و سلامتی

فیض تنها با سلامتی استفاده شده است. به عنوان مثال در قسمت *karozutha* پس از قرائت انجیل چنین دعا می کنیم: «ای خداوند ما مسیح، ما را از طریق فیض خود نجات ببخش، باشد که سلامتی و آرامی تو در ما قرار گیرد»، «فیض و سلامتی بر شما باد» در نوشته های پولس رسول یک روش همیشگی افتتاح رساله است (روم: ۱: ۷؛ ۱- قرن ۱: ۳؛ غلا: ۱: ۳). فیض در برگیرنده همه سودمندی هایی است که شخص بدون شایستگی از مسیح دریافت می نماید (۱- قرن ۱: ۱۶: ۲۴). مسیح منبع فیض و سلامتی

می باشد. همچنین فیض آشکار کننده مفهوم راز نجات است (۲-قرن ۶: ۱). فیض اساساً به مفهوم بخشش آزادانه خدا می باشد که در عیسی مسیح آشکار گردید. ما محض فیض نجات یافته ایم (افس ۲: ۵). نجات از گناه نتیجه مستقیم عمل فیض است. (روم ۳: ۲۳-۲۴).

فیض و رحمت

مسیح فیض خود را در قالب کار ویژه مسیح در تاریخ، به ما عطا می نماید و پاسخ ما به این فیض ما را به تجربه نجات بخش و پر از فیض و آرامش هدایت می نماید. آنچه که مسیح برای بشریت انجام داد، فیض نامیده می شود. رحمت و همدردی خداست که این فیض را الهام می بخشد. بنابراین فیض همراه با رحمت و یا همدردی نیز استفاده شده است. رحمت و همدردی خدا همواره همراه با هم هستند (خروج ۳۶: ۶؛ یول ۱۳: ۲؛ یو ۲: ۴) که در بخشایش گناهان تجربه می شوند.

رحمت نیز منبع آشتی در مصالحه است. رحمت مفهومی معادل تجات دارد، در حالی که آشتی و مصالحه نتیجه رحمت است. رحمت مسیح نجات را به عمل می آورد (افس ۱: ۶-۷).

سلامتی و عدالت

مرد عادل کسی است که اطاعت از خدا را در رابطه با برادران خود به کمال می رساند. اعمالی که عهد بین خدا و انسان و یا رابطه بین انسانها را سالم و پایدار نگاه می دارند اعمال عدالت هستند.

مصالحه و عدالت اصطلاحاتی موازی می باشند. رابطه عدالت به مصالحه و فروتنی خواهد انجامید (مز ۷۲). چنانکه اشعیا ۱۷: ۳۲ می گوید مصالحه اثر عمل عدالت است. مصالحه مجموعه سودمندی های اطلاق شده به عدالت را تشکیل می دهد (لاو ۱: ۲۶-۱۳). برطبق اشعیا ۱۸: ۴۸ «سلامتی تو مثل نهر و عدالت تو مثل امواج دریا می بود». در اینجا سلامتی و عدالت به مفهوم تمام آن چیزهایی است که نجات دهنده اسرائیل عطا می فرماید، یعنی: امنیت، شادکامی، نجات و خوشبختی.

سلامتی و نجات

سلامتی به مفهوم نجاتی که توسط مسیح داده شد به کار می رود (لو ۱۴: ۲، ۱: ۷۹). نجات از طریق راز فصیح خداوند و قربانی مقدس از طریق اجرای این راز آشکار می گردد. از طریق قربانی مقدس ما از ثمرات نجات بهره ور می شویم. این ثمرات نجات

در گهانتای سوم روایت می‌شوند: «توانسانیت ما را می‌پوشی تا آن را با سرشت آسمانی زنده سازی و حقارت ما را از میان برداشته ما را برافرازی، که ما را که سقوط کرده ایم برخیزانده، برای حیات جاوید زنده می‌گردانی، خطیای ما را عفو فرموده، گناهان ما را به عدالت تبدیل می‌نمائی، دانایی ما را منور می‌گردانی، دشمنان ما را داوری نموده و سرشت ضعیف انسانی ما را با رحمت‌های بیکرانه و فیض خود تقویت می‌فرمائی: «ثمرات نجات، چنانکه نارسای و یوحنا کی‌ریزوستوم تفسیر نموده‌اند، وضعیت صلح و آشتی را به وجود می‌آورند.

دعای مخصوص تجدید سال برای تقدیس آن و پر شدن آن از رحمت خدا بازتاب اندیشه و احساس مزمورنویس است (مز ۶۵: ۱۱-۱۲). قسمت *karozutha* که پس از آن می‌آید بر نقش شفاعت کشیش تأکید می‌نماید (عز ۹: ۵۰) که دعا می‌کند تا سلامتی در میان ما ثمر آورد (یهو ۲) و هر یک از ما را قادر می‌سازد در قلب خود دعای انفرادی را تجربه نمائیم (۱- قرن ۱۴: ۱۵). سلامتی در اینجا به مفهوم سلامتی درونی و همچنین سلامتی بیرونی [سلامتی روحی و جسمی] به کار رفته است. سلامت روحی ریشه در احساس نیکو بودن و موفقیت دارد که به نوبه خود احساس آشتی با خدا را ایجاد می‌نماید. سلامت جسمی در ارتباط هماهنگ و موافقت با دیگران جلوه‌گر می‌شود. قربانی مقدس به کمک «رازهای شگفت» *karozutha* قابل درک می‌شود. این رازها شگفت هستند، زیرا به نجات ما مربوط می‌شوند. لرزش احساسی مرکب از عشق و ترس است (خروج ۲۳: ۲۷؛ ایوب ۹: ۳۴، ۱۳: ۲۱). کشیش برای همه قربانی می‌گذراند (عبر ۵: ۳). خادم نقش شفاعتی پر قدرت کشیش را اعلام می‌نماید (عبر ۸: ۱). ما در احساس خوف غوطه‌ور می‌شویم زیرا در برابر خدا می‌ایستیم (امث ۱۶: ۱۴؛ عبر ۱۰: ۳۱).

حلقه دوم گهانتا

دعای مکالمه‌ای با قطعه درودیه پولس «فیض خداوند ما عیسی مسیح...» (۲- قرن ۱۳: ۱۴) آغاز می‌شود. چنین عبارات درودیه‌ای همواره پس از بوسه سلام مرسوم بوده است (۲- قرن ۱۳: ۱۲-۱۳؛ ۱- قرن ۱۶: ۲۰-۲۳). پس از قرائت متون مقدس، بوسه محبتانه که پس از قطعه درودیه انجام می‌شد، قرار داشت. این روش کهن کلیساهای پولسی بود. این شیوه درود گفتن با نقش سه گانه مقدس مقایسه می‌شود: فیض خداوند ما عیسی مسیح، محبت خدای پدر و شراکت روح القدس. «دل‌های خود را برافرازید» (مرا ۳: ۴۱؛ یو ۱۱: ۴۱؛ کول ۳: ۱) عکس‌العمل و رفتار خدا-محور و متمرکز بر آسمان جماعت قربانی مقدس را مورد تأکید قرار داده و سرشت روحانی قربانی مقدس را نشان

می دهد. پاسخ جماعت چنین است «به سوی خداوند ابراهیم، اسحاق و اسرائیل (۱-توا ۱۸:۲۹؛ ۱-پاد ۱۸:۳۶-۳۸؛ خروج ۳:۶)، به سوی پادشاه جلال (مز ۴۴، ۷۱، ۹۸، ۲۳). ژوستین قدیس می گوید که این خدایی که بر موسی ظاهر شد (خروج ۳:۶) همان مسیح است. رابطه بین این دعوت و قربانی در اول پادشاهان (۱۸:۳۶-۳۸) چنین آمده است: «در وقت گذراندن هدیه، ایلیای نبی پیش آمده گفت: «ای یهوه خدای ابراهیم، اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی... پس آتش یهوه افتاد و قربانی سوختنی، هیزم، سنگها، و خاک را بلعید». به همین ترتیب کشیش در برابر هدایای قربانگاه جماعت را دعوت می نماید. این دعوت و پاسخ آن در دعایی که از اول تواریخ ایام ۱۸:۲۹ گرفته شده یافت می شود. «یهوه خدا نیاکان ما، خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای اسرائیل، همواره این را در تصور فکرهای دل قوم خود نگاهدار و دل‌های ایشان را به سوی خود ثابت گردان». این دعوت که از عهدعتیق برداشت شده، نشان می دهد که قربانی ابراهیم (پید ۲۲:۱۰ و ۱۳) تصویری از قربانی مسیح بوده است. خدا اجازه نداد که ابراهیم پسر یگانه خود را قربانی کند. با این همه خدای پدر، پسر یگانه خود را به عنوان قربانی برای نجات جهان بخشید (یو ۳:۱۶؛ روم ۵:۸، ۸:۲۲).
قربانی مقدس یادآوری این بخشش و قربانی خداست.

این عقیده که آیین نیایش مسیحی، شراکت در آیین نیایش آسمانی نیز هست ریشه های عمیقی دارد. در عهدعتیق جلال خدا به شکلی خاص در خیمه اجتماع و معبد اورشلیم ظاهر می گردید (خروج ۴۰:۳۴-۳۵؛ اش ۶:۱-۴). پس از تن گیری، مسیح به معبد جلال خدا تبدیل شد (یو ۱:۱۴، ۱۹:۲). آیین نیایش مسیحی، جلال خدا را در معبد بدن او درمی یابد. پس از صعود، اورشلیم آسمانی جایگاه مناسب برای پرستش خدا گردیده که در آن پسر خدا به دست راست پدر در آسمان نشسته است (افس ۱:۲۰-۲۱؛ عبر ۱۰:۱۲). برای ما معبدی جدید در آسمان تدارک دیده شده است (عبر ۹:۲۴، ۱۲:۲۲؛ مکا ۱۱:۱۹، ۸:۱۵).

قربانی مقدس به خداوند خدای همه تقدیم می شود. در متون قربانی مقدس بعضی از کلیساها در جهت نشان دادن سرشت سپاسگزاری قربانی مقدس این عبارت به شکل «بیائید خداوند خود را سپاس گوئیم» درمی آید. «دستورالعمل برگزاری قربانی مقدس سریانی - مالابار، نشان می دهد که کلیسا از طریق قربانی مقدس شکرگزاری می نماید» (فی ۴:۶؛ ۱-تسا ۵:۱۸؛ افس ۵:۱۹-۲۰؛ کول ۳:۱۷؛ ۲-قرن ۱:۱۳).

قسمت *kussapa* دوم جهت اجرای نیایش با شعور آگاه و آزادانه و به شیوه ای پر از تقدس و زنده و جهت دور شدن ارواح شریر و هر گونه ناپاکی، از خدا طلب فیض

می نماید (عبر ۱۰:۲۲). علاوه بر این، این قسمت شامل درخواست عشق و هماهنگی میان تک تک افراد و به صورت همگانی جهت اجرای نیایش به شیوه ای کامل و بی نقص نیز می گردد (۱-تسا ۵:۱۵).

گهانتای دوم با عبارت «شایسته پرستش از هر زبان...» آغاز می گردد. این قسمت ادامه دعای مکالمه ای می باشد: شایسته و سزاوار است. تقریباً در همه متون نیایشی دعایی که پس از قسمت دعای مکالمه ای قرار دارد با کلماتی چون نیکو (مز ۱۱۳:۱، ۲:۹۲)، متبارک (مز ۱۳۴:۳)، شایسته (مز ۳۳:۱)، و مناسب (مز ۱۴۶:۱) آغاز می شود که همه از عهدعتیق گرفته شده اند. کتاب مکاشفه این شیوه بیانی را می پذیرد: «تو خداوند و خدای ما هستی، مستحق جلال و اکرام و توانایی، زیرا تو جهان را آفریدی و تنها به اراده تو بود که همه چیز وجود یافت» (مکا ۴:۱۱، ۵:۱۲). ممکن است به علت الهام از دعوت پولس رسول در کولسیان ۱۷:۳: «به مزامیر و سرودهای روحانی و با حکمت در قلبهای خود، خدا را بسرائید» باشد که شکرگزاری با عبارت «شایسته است» آغاز می شود. هدف آیین نیایش آن است که زندگی ما به پرستش بی وقفه خدا تبدیل گردد. «خداوند یهوه را در تمامی ایام متبارک خواهیم خواند، تمجید او دائماً بر زبان من جاری خواهد بود» (مز ۳۴:۱).

از طریق شکرگزاری و تمجید، ما خدا را جلال می دهیم. اما تمجید و شکرگزاری، شناسایی و اعتراف اعمال عجیب خدا نیز هست (پید ۲۴:۲۷؛ خروج ۱۸:۱۰؛ ۱-سمو ۲۵:۳۲، ۳۹؛ نح ۹:۵-۷). نام خدا محور پرستش را تشکیل می دهد (مز ۱۱۶:۱۲-۱۳؛ نح ۹:۵؛ تث ۲۹:۱۳؛ اش ۱۲:۳، ۱۳:۲۶؛ مز ۷:۱۷ و ۹۲، ۱۸:۴۹، ۴۴:۸، ۵۴:۶، ۶۱:۸، ۶۶:۴، ۶۹:۳۰؛ پید ۱۲:۸، ۱۳:۴، ۲۶:۲۵). خدا در هر جایی که نام او مذکور شود حاضر است (خروج ۲۰:۲۴). مسیح همان نام آسمانی در عهدجدید است (اع ۲:۲۱، ۳:۶؛ روم ۱۰:۱۳؛ ۱-قرن ۱:۲-۱۰ و غیره). اشاره ای که در گهانتا به نام آسمانی شده، از فیلیپیان ۲:۹-۱۱ گرفته شده است. او تمجید و شکرگزاری را از هر مخلوق خود (مز ۱۴۸)، از لشکر آسمانی (مز ۱۴۸:۲)، از اسرائیل (مز ۱۱۳)، از معبد (مز ۱۵۰)، و از امتها (مز ۱۱۷، ۱۴۸:۱۱-۱۲) دریافت نموده می پذیرد. همه مخلوقات به فیلیپیان ۲:۹-۱۱ اشاره می نمایند، «ما در نور مکاشفه ۱۱:۵، آن را «حاضران» تفسیر می نمائیم، او شایسته پرستش همگان است (مز ۱۳۴). پرستش آسمانی، پرستش جهانی است. تمامیت وجود شخص در پرستش شرکت دارد. خدا به خاطر خلقت و رهاننده بودن او در عهدعتیق مورد پرستش واقع شده است. (نح ۹:۵-۷؛ پید ۱۴:۱۹-۲۰؛ مز ۱۳۴:۳). با توجه به عهدعتیق، مسیحیان اولیه خدا را

به خاطر خلقت (مکا: ۴: ۱۱) و رهاندگی (افس: ۱: ۱۰؛ کول: ۱: ۱۲-۲۰) پرستش می کردند. خداوند نامیدن عیسی پاسخی به تجربه عینی عیسی رستاخیز کرده است. از متن اعمال ۲: ۳۶ و فیلیپیان ۲: ۶-۱۱ به روشنی پیداست که رستاخیز، عیسی را خداوند ساخته است. پطرس رسول می گوید: «و همه اسرائیل بدانند و مطمئن باشند که خدا عیسی را که شما کشته و مصلوب نمودید، خداوند و مسیح ساخته است».

گهانته، بازتابی از رکن اساسی آیین نیایش زمینی است و آن را بیعانه ای از نیایش آسمانی می داند که در آنجا مخلوقات آسمانی و زمینی در یک گروه یکپارچه به پرستش آسمانی خواهند پیوست. آسمان مکانی است که نیایش آسمانها در آنجا انجام می گردد. فرشتگان خدا را دائماً جلال می دهند (دان: ۷: ۱۰؛ اش: ۶: ۱-۴؛ عز: ۳: ۵، ۱-پاد: ۲۲: ۱۹). اشاره های مشابهی نیز در جاهای دیگر در کتاب مقدس یافت می شود: (۲-پاد: ۱۹: ۵؛ دان: ۳: ۲۲؛ مز: ۸: ۱، ۱: ۹۹، ۱۹: ۱۰۳، ۱: ۱۲۳؛ عبر: ۹: ۵؛ کول: ۱: ۱۶؛ افس: ۱: ۲۱) که کاری به تعداد فرشتگان ندارند. این دعا از دانیال ۷: ۱۰ (هزارها هزار او را خدمت می کردند و کروورها کروور به حضور او ایستاده بودند) و عبرانیان ۱۲: ۲۲ (اورشلیم آسمانی جائی که لشکر فرشتگان جمع شده اند) و یوشع ۵: ۱۳؛ ۱-پاد: ۲۲: ۱۹ (لشکر روحها) و مزور ۴: ۱۰۴ (خادمان آتش و روح) الهام گرفته شده است. اشعیا تنها درباره سرافین، و عزرا ۱۰ به کروبیان اشاره می نماید؛ خروج ۲۵: ۱۸-۲۲ از تخت رحمت آراسته با پیکره کروبیان که از طلا ساخته شده سخن می گویند. این گهانته تنها از کروبیان و سرافین به نام یاد می کند، «فرشتگان مقدس» و «لشکرهای آسمانی» از عهدعتیق ریشه می گیرند (۱-پاد: ۲۲: ۱۹). اشعیا ۳: ۶ بایستی در زمینه گروه آسمانی که خداوند را خدمت می کنند و در ارتباط با آن درک شود. مزور ۸۲: ۱ چنین می گوید: «خدا در جماعت خدا ایستاده است» ای یهوه جماعت مقدسین در آسمان کارهای عجیب تو را تمجید خواهند نمود (مز: ۸۹: ۵). میکایاه، یهوه را بر تخت خود نشسته دید که با گروه ایستاده در برابر او که بر دست راست و چپ او ایستاده اند مشورت می طلبد (۱-پاد: ۲۲: ۱۹). یکی از اهداف اصلی لشکر آسمانی تقدیم پرستش و جلال به خداوند است (مز: ۲۹: ۱-۲).

«بی وقفه او را تمجید می نمایند (مکا: ۴: ۸) و به یکدیگر اعلام نموده می گویند» (اش: ۳: ۶) با سرود (*sanctus*) که اشعیا ۳: ۶، مکاشفه ۴: ۸ و متی ۲۱: ۹ منشأ کتاب مقدسی آن هستند: «قدوس، قدوس، قدوس، خداوند خدای ما، خدای قادر مطلق (مکا: ۴: ۸)، زمین از جلال او مملو است» (اش: ۳: ۶)، مربوط می باشد. آسمان از جلال او لبریز است (مکا: ۴: ۱-۱۱)، هوشیعانا در اعلی علیین، هوشیعانا پسر داودا

(مت ۹:۲۱). متبارک باد آن که به نام یهوه می آید (مز ۱۱۸:۲۶). این سرود به شیوه پرستش سرافین سروده می شود (اش ۳:۶). این سرود سه گانه که توسط دو گروه همسرا همراهی می گردد بر پایه مزمور ۳:۹۹، ۶، ۹ ساخته شده است. وظیفه سرافین استفاده از اخگری برای تقدیس است. شاید به همین دلیل در اینجا سرافین معرفی شده اند.

«خداوند، یهوه صبايوت» عبارتی است که ۲۶۷ بار در عهدعتیق استفاده شده است. این واژه به معنای قادر مطلق، خدای قوت و عظمت ترجمه شده است. صبا (Saba) در این کلمه صبايوت لشکر اسرائیل است که سر آن خداوند یهوه است، هنگامی که این نام با پیدایش ۲۴:۳ مربوط می شود صبا مفهوم لشکر آسمانی یهوه را می یابد.

حلقه سوم گهانتا

تمامی کارکرد روابط پدری در آسمان و زمین از خدای پدر گرفته می شود (افس ۱۴:۳). همه چیز از طریق پسر ابدی ساخته شد (یو ۱:۱-۳:۱-۱ قرن ۸:۶). دعاهای پس از دعای تقدیس (*sanctus*) تمامی خلقت را به خداوند عیسی پیشکش می کنند. عبرانیان ۱۰:۱ ترجمان مسیح شناختی مزمور ۲۵:۱۰۲ است: «ای خداوند تو زمین را در ابتدا بنیاد نهادی و آسمانها عمل دستهای توست». بنابراین عمل خلقت به خداوند عیسی تقدیم می شود. همه چیز از طریق روح القدس تقدیس می گردد (۱- قرن ۶:۱۱؛ ۱- پتر ۱:۲).

«وای بر من ... چشمان من پادشاه، خدای لشکرها را دیده است» از اشعیا ۵:۶ است. «من خدا را روبه رو دیده ام» (پید ۳۲:۳۰) کلمات یعقوب پس از کشتی گرفتن در یبوق است. پس از رؤیای نردبان یعقوب چنین گفت: این چه مکان ترسناکی است: این نیست جز خانه خداوند (پید ۱۷:۲۸). قسمت بعدی با هدف تقدیس جماعت ترتیب داده شده است. فرشته اخگر را بر لبهای اشعیا گذارده گفت: «عصیان رفیع شده و گناهت کفاره گشته است» (اش ۷:۶). به همین طریق ما می خواهیم تا از آلودگی ها پاک شده و لبهایمان را تقدیس کنیم. «جلال بر تو که خدای رحمتها هستی و همراه با لشکرهای آسمانی، زمین را برکت می بخشی» به مصالحه ای که مسیح از طریق عمل نجات بخش و زندگی خود به ما بخشید اشاره می کند.

دعای مقدمه روایت بنیانگذاری، پس از اولین جمله گهانتای سوم قرار گرفته است. این دعای مقدمه به فیلیپیان ۲:۶-۱۱ اشاره می کند. ثمره مخفی لبهای تو (یو ۱:۱۸؛ مز ۱۲:۷۹) به ریشه الهی «کلمه» تن گرفته و کار نجات بخش او اشاره دارد. در پایان

سومین گهانتا شامل تشکر از خدا به خاطر ثمرات نجات که توسط مسیح به انجام رسید، می باشد. انسان خدا را به خاطر اعمال پر از رحمت او می پرستد. مزمورنویس می فرماید: «خداوند را چه ادا کنم برای همه احسانهایی که به من کرده است. پیاله نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم سرائید (مز ۱۱۶: ۱۲ و ۱۳). پیاله نجات به معنای شکرگزاری آیین نیایشی بخصوص برای آمرزش گناهان و نجات است (مز ۱۱۱: ۹، ۱۰۳: ۱۰۷). در متون مقدس، چنین شکرگزاری هایی به خاطر نجات را به دفعات می توان دید (کول ۱: ۹-۲۳؛ افس ۱: ۳-۱۴، ۱۸-۲۲، ۲: ۱۳-۱۷، ۳: ۲۰-۲۱؛ مکا ۱: ۵-۶ و غیره).

سومین گهانتا می گوید همچنان که به ما فرمان داده شده (لو ۲۲: ۱۹؛ ۱- قرن ۱۱: ۲۵) ما که خادمان ضعیف و غلامان ناچیز او می باشیم (روم ۱: ۱؛ فی ۱: ۱؛ یح ۱: ۱؛ ۲- پطر ۱: ۱؛ یهو ۱: ۱؛ مکا ۱: ۱) به خاطر رحمت های بیکران مسیح که قابل جبران نیست (۲- قرن ۹: ۱۵؛ مز ۱۱۶: ۱۲)، با یکدیگر جمع شده و گرد آمده ایم (مت ۱۷: ۴؛ مز ۸۴: ۱-۱۰)، زیرا که او انسانیت ما را بر خود گرفت تا آنکه ما در انسانیت احیا شده و به سرشت آسمانی او درآئیم (۲- قرن ۵: ۱۹؛ یو ۵: ۲۱؛ ۲- پطر ۱: ۴). انسانیت سقوط کرده ما را برخیزانید (۱- سمو ۲: ۶-۷؛ افس ۵: ۸)، ما را که مرده بودیم زنده گردانید (روم ۷: ۴-۶؛ افس ۲: ۶)، خطایای ما را بخشید و گناهان ما را به عدالت خویش آمرزید (روم ۳: ۲۳-۲۶، ۵: ۱۱)، ذهنهای ما را روشنایی بخشید (افس ۱: ۱۸)، دشمنان ما را رسوا ساخت (کول ۱: ۱۳) و سرشت ضعیف و ناتوان ما را به پیروزی ملبس ساخت (۱- قرن ۱: ۲۶-۳۰، ۱: ۵-۹؛ روم ۸: ۱۷-۲۰؛ ۲- قرن ۳: ۱۸؛ افس ۲: ۵؛ ۱- پطر ۱: ۸؛ ۱- یو ۳: ۱).

حلقه چهارم گهانتا

چهارمین *kussapa* دعایی است برای مشارکت کنندگان تا آنکه فیض آسمانی را درک نموده و امداد یابند. همانند نردبان رؤیای یعقوب (پید ۲۸: ۱۱-۱۲) در این دعا نیز ابعاد صعود و نزول دیده می شود. تمجید و استغاثه به سوی خدا برافراشته و رحمتها و فیضهای آسمانی به پرستش کننده نازل می شوند.

مسیح، کلیسا و سر آن را به گله و شبان تشبیه می نماید (یو ۱۰: ۱۱-۱۴). اگر شبان زده شود، گله پراکنده می گردد (مر ۱۴: ۲۷؛ زک ۱۳: ۷). عیسی برای پطرس دعا می نماید تا ایمان او تباه نشود و همانگونه که یک بار آشکارا گفت، برادران خود را تقویت بخشد (لو ۲۲: ۳۲). در قسمت اول *kussapa* ما برای پاپ و دیگر رهبران کلیسا

دعا می‌کنیم. خدا پر از رحمت است. در قسمت دوم دعا می‌کنیم تا خدا رحمت خود را نشان داده، ما را به خاطر خطاهایمان تنبیه نکند (مکا ۱۶:۷؛ مز ۵۱:۱، ۱۰۳:۱۰). این قسمت از *kussapa* که دعایی برای کلیسا، رهبران آن و مردم است از الگوی دعای عیسی (یوحنا ۱۷) و دعای سلیمان (۱-پاد ۸:۵۴-۶۱) پیروی می‌نماید. حضرت پولس رسول مسیحیان را در دعاهاى خود به یاد می‌آورد (روم ۱:۹؛ افس ۱:۱۶). با معرفی مسیح به عنوان تنها واسطهٔ بین خدا و انسان، کشیش برای دعا دستهای خود را برمی‌افرازد (۱- تیمو ۲:۱-۶).

دعای یادآوری و یادبود نیکوی همه پدران عادل که در حضور خداوند نیکو زیستند، در گهانتای چهارم دعای زکریا را بیاد می‌آورد (لو ۱:۷۲-۷۳). تا رحمت خود را با پدران ما بجا آورد، و عهد مقدس خویش را تذکر فرماید، و سوگندی را که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد به یاد آورد. این یادبود نیکویی کلمات نحمیا را به یاد ما می‌آورد: «ای خدای من مرا به نیکویی به یاد آور»، (نح ۱۳:۳۱، ۱۳:۱۴ و ۲۲). «به یادگاری بدن و خون» نشان می‌دهد که برگزاری قربانی مقدس بهترین وقت یادآوری از مردگان است. «چنانکه به ما تعلیم دادی» که به خدای پدر مربوط می‌شود بایستی در ارتباط با «او خداوند و خدای ماست که آمد و با انجیل حیات بخش خویش ما را تعلیم فرمود، در نظر گرفته و درک شود. متی ۲۸:۱۸-۲۰ شرح تعلیم عیسی می‌باشد. از آنجایی که پدر منبع تعلیم پسر است (یو ۸:۲۶-۲۸، ۳۸-۴۰) تعلیم او می‌تواند و باید هم ارز تعلیم پدر قلمداد شود. به همین مفهوم است که عبارت «چنانکه به ما فرمان دادی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. کلیسا برای آن سلامتی که مسیح می‌بخشد و از آن کلیسای می‌باشد، دعا می‌نماید (یو ۱۴:۲۷؛ کول ۳:۱۵؛ ۱- تیمو ۲:۳؛ افس ۲:۱۴، ۲:۴-۳). این سلامتی با درک عهدعتیق از آن متفاوت است (یوشع ۲۲:۴؛ تث ۳۲:۲۲).

این دعا از متون: لوقا ۱:۶۹-۷۹؛ یوحنا ۱۴:۲۷، ۳:۱۷ و اول پادشاهان ۸:۲۲-۶۱ الهام گرفته شده و بر اساس الگوی دعای سلیمان در اول پادشاهان ۸:۲۲-۶۱ ترتیب داده شده است که در آن سلیمان برای پدران، اسرائیل و همه ساکنان زمین دعا می‌کند. این دعا بر همین اساس و حتی با اهداف آن دنبال می‌شود.

عبارت «مطابق نمونه‌ای که از تو یافتیم» به بنیانگذاری نیایش قربانی مقدس اشاره می‌نماید (مت ۲۶:۲۶-۲۸؛ مر ۱۴:۲۲-۲۵؛ لوقا ۲۲:۱۹-۲۰؛ ۱- قرن ۱۱:۲۳). عبارت «به نام تو گردآمده ایم» فرمانهای مسیح را در (مت ۱۸:۲۰؛ لوقا ۱۹:۲۲؛ ۱- قرن ۱۱:۲۶) به یاد می‌آورد. الگوی تفکر پس‌زمینهٔ دعای طلب روح القدس و عبارت «و ما نیز» در چهارمین گهانتا با ترکیب متی ۱۸:۲۰ و ۱- قرن ۱۱:۲۶ چنین است: رازهای نجات بخش

مسیح با دعای طلب روح القدس و اعلام آن در تطابق با فرمان خداوند برای گردهم آیی ایمانداران در نام او، برگزار می شود تا نام او اعلام و یادآوری گردد. برگزاری یادبود خداوند، ارتباط نزدیکی با تمجید و اعلام نام مسیح و اشتیاق شدید برای حضور روحانی و رازآمیز او دارد، عبارت و در حضور تو ایستاده ایم (مکا ۸: ۲؛ لو ۱: ۱۹) با عبارت «در حضور پسر انسان ایستاده ایم» (لو ۲۲: ۳۶)، مربوط است. عبارت «بر مذبح پاک و مقدس» یادآور قربانی عهد در کوه سیناست، که در آنجا موسی خون برهٔ قربانی را بر مذبح پاشید. مذبح محل عهد خدا نیز هست. از این رو خون قربانی به یاد عهد قربانی گناه بر مذبح پاشیده می شود (خروج ۲۹: ۱۶؛ لاو ۳: ۱۱، ۴: ۶-۷). در عهدعتیق خون و جسم مسیح برای تجدید عهد بر مذبح پاشیده می شود. مذبح مقدس و پاک است زیرا قربانی که خون او بر آن پاشیده می شود مقدس و پاک است.

واژه «یادآوری» (به یادگاری) به ویژگی یادبودی قربانی مقدس توجه دارد. از طریق یادآوری عینی راز فصیح که در آن مسیح ما را به همان گونه که نجات داد تا امروز نیز در آن سهم گردانیده است، این راز و ثمرات آن در زندگی ما بارور می شود (روم ۵: ۸-۱۱، ۴: ۶-۱۴؛ افس ۱: ۷، ۲: ۴-۶). قربانی مقدس تحقق کامل فرمان مسیح است که به یاد او و به همان روش خود او، برگزار می گردد. این مراسم بازسازی رازهای فصیح خداوند ما مسیح است، چنانکه پولس رسول فرمود: «تا آن زمان که خداوند باز آید، هرگاه از این نان بخورید و از این جام بنوشید، مرگ او را اعلام و یادآوری نماید» (۱- قرن ۱۱: ۲۶). کلیسا از طریق تقدیم قربانی مقدس، مرگ خداوند را تا بازگشت ثانوی او به یاد می آورد. «خداوند» عنوان و لقبی است که به مسیح رستاخیز کرده، اطلاق گردید. به همین جهت پولس رسول از قربانی مقدس با عبارات پیالهٔ خداوند، (۱- قرن ۱۰: ۲۱)، خوان خداوند (۱- قرن ۱۰: ۲۲)، شام خداوند (۱- قرن ۱۱: ۲۰) و بدن و خون خداوند (۱- قرن ۱۱: ۲۷) یاد می کند. به زبان ساده تر، ما در قربانی مقدس، مرگ، رستاخیز، صعود و بازگشت ثانوی مسیح را تکرار و یادآوری می نمائیم.

دعای طلب روح القدس (Epiclesis)

قربانی مقدس کار و فعالیت روح القدس است. به این دلیل است که تنها پس از عید پنجاهه برگزاری آن آغاز گردید (اع ۱: ۵-۲: ۴۶). استدعای حضور روح القدس به وعدهٔ مسیح برای فرستادن روح القدس مربوط می گردد (یو ۱۴: ۱۶، ۱۶: ۷). در استغاثهٔ با عبارت «ای خداوند من، باشد که روح القدس تو نازل شود» کلیسا برای نزول روح القدس از طریق نقش شفاعتی مسیح که بر دست راست پدر بر تخت جلال نشسته

است، دعا می کند (عبر ۸: ۱-۲). او پس از صعود خود به منبع روح القدس بدل گشته است (یو ۷: ۳۹). او در دعای خود از پدر خواست تا به نام پدر روح را بفرستد (یو ۱۶: ۷، ۱۵: ۲۶؛ اع ۲: ۳۳). نیاز ما، امروزه بررسی و آزمایش الهیات کلیسای اولیه است تا تشخیص دهیم که آیا «روح مقدس تو» در اصل به معنای حضور خداوند یا روح مسیح است و یا آنکه به معنای شخص سوم تثلیث اقدس می باشد.

تمایز بین خداوند و روح در آن برهه از تاریخ چندان مشخص نبوده است. حتی پولس رسول تفاوتی بین آنها قائل نیست و از این رو می گوید: «خدا روح است و هر جایی که روح خداست در آنجا آزادی هست ... خداوندی که روح است (۲-قرن ۳: ۱۷-۱۸). عدم تمایز بین روح مسیح و روح القدس در بسیاری از متون دیده می شود (اع ۷: ۱۶؛ روم ۸: ۹-۱۱؛ غلا ۴: ۶؛ فی ۱: ۱۹؛ ۱-تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۹: ۱۴؛ ۱-بطر ۳: ۱۸). پس از صعود، مسیح منبع روح القدس گردید و روح القدس به معنای روح مسیح درک می شد، هرچند که این دو به یکسان دارای سرشت همانند الهی در نظر گرفته نمی شدند. این بینش الهیاتی، در نیایش هنگامی که برای نزول روح مسیح دعا می شود، به وضوح قابل درک است. این استدعای حضور روح اساساً می توانست دعای طلب نزول روح القدس مخصوص کلمه (Logos) خدا باشد.

قسمت دوم دعای طلب روح القدس ثمرات دریافت هدایایی را که بدن و خون مسیح شده اند، نشان می دهد، که از طریق نزول روح القدس تحقق می یابد. ارمیای نبی، بخشش گناهان را ثمره عهد جدید می داند (ار ۳۱: ۳۴؛ عبر ۱۰: ۱۷). کلمات روایت بنیانگذاری این نیایش چنین می گویند: «این بدن من است که در راه شما برای آمرزش گناهان داده می شود، این خون من در عهد جدید است که برای بسیاری و بخاطر آمرزش گناهان ریخته می شود» (مت ۲۶: ۲۸). مسیح وعده داده است که ایمانداران در روز واپسین رستاخیز خواهند کرد و حیات جاوید را از طریق برگزاری قربانی مقدس دریافت خواهند داشت (یو ۶: ۵۴).

قسمت *qanona* که پس از دعای طلب نزول روح القدس فرا می رسد، اراده شکوهمند و حکمت بالغه مسیح را با عنوان جوهره عینی خود به همراه دارد، که در نیایش بازسازی و بازآفرینی می شود. از آنجایی که روح القدس همه چیز را تعلیم می دهد و آنچه را که عیسی تعلیم داد، به یاد ما می آورد (یو ۱۴: ۲۶)، اعلام این اراده الهی لزوماً با نزول روح القدس ارتباط مستقیم دارد. عبارت «ما تو را پیوسته در کلیسای تو تمجید خواهیم نمود» بازتاب ذهنیت موجود در دعای پولس رسول در افسسیان ۳: ۲۱ است: «مر او را در کلیسا تا جمیع قرن‌ها تا ابدالآباد جلال باد». همچنانکه اسرائیل از طریق خون عهد کهن به قوم خدا بدل

شد (خروج ۲۴:۶-۸)، به همان شکل، کلیسا، اسرائیل جدید بر پایه خون عهد جدید بنا گردید (مت ۲۸:۲۶؛ مر ۲۴:۱۴؛ لو ۲۲:۲۰؛ ۱-قرن ۱۱:۲۵). اعتراف ما این است که بر حسب نبوت‌های ارمیا (۳۱:۳۱-۳۳، ۳۲:۴۰) و حزقیال (۳۷:۲۶) کلیسا قوم خداست که به خون گرانبهای مسیح نجات یافته است. (۱-پط ۱:۱۸-۱۹؛ اع ۲۰:۲۸). در کتاب مکاشفه آنان که در برابر تخت خدا می‌ایستند، با خون بره شسته شده‌اند (مکا ۷:۱۴). کلیسا به عنوان جامعه‌ای متشکل از آنان که به خون گرانبهای مسیح آزاد شده‌اند، برای پرستش و سپاسگزاری از خداوند بنیاد نهاده شده است. قربانی مقدس نمادی از رویدادی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد. آنانی که به خون گرانبهای بره شسته شده و آزاد گردیده‌اند، در نیایش آسمانی، در حضور خداوند، کاهنان خواهند بود (مکا ۱:۶، ۵:۱۰). کلیسا خدا را با دهانی بسته (مز ۵۰:۱۷) و سیمایی خندان و بشاش (۲-قرن ۳:۱۸) پرستش می‌نماید. این می‌تواند با سرود قدوس سرافین مقایسه شود، که رویهای خود را با بالهایشان پوشانده‌اند (اش ۶:۲-۳). عبارت «تورا سپاس خوانده جلال می‌دهیم» اشاره‌ای به سخن پولس رسول است که ما را تشویق می‌کند تا در تمام عمر خود بی‌وقفه خدا را سپاس گوئیم (افس ۵:۱۹-۲۰؛ کول ۳:۱۶-۱۷؛ ۱-تسا ۵:۱۸). این شکرگزاری بدون وقفه نشانی از آگاهی کلیسا از مقام خویش به عنوان کسانی است که با خون بره شسته شده و قوم خدا گشته‌اند.

اولین آیین توبه

در قسمتهای مختلف متن آیین نیایش قربانی مقدس به انواع مختلف بیانی اعترافات به گناهان، برمی‌خوریم. دعاهایی که برای بخشایش خطاها و آمرزش گناهان به خدا تقدیم می‌شوند. روایت بنیانگذاری آیین، مزمو ۵۱ و خدمت تقدیس در آیین توبه اول و دعای مکالمه‌ای در دومین آیین توبه حاوی چنین درخواستهای آمرزشی هستند. چنین دعاها و اعترافات در کتاب مقدس به وفور یافت می‌شوند: نح ۱:۵-۱۱، ۹:۵-۳۷؛ طو ۳:۱-۶؛ دان ۳:۲۴-۲۵؛ میک ۷:۱۸-۲۰ نمونه‌های آن هستند. کلیسا به این طریق، اشتیاق خود را به نگهداشتن عهد خدا و رابطه خود با خدا که در اثر گناهان از بین رفته و قطع شده بود، نشان می‌دهد.

در دعای «ای مسیح، سلامت آنان که در آسمان هستند» مسیح سلامتی خوانده شده است (افس ۲:۱۴) زیرا او سلامتی شخصیت یافته است. رابطه کامل میان سرشت خدایی و سرشت انسانی در اوست که او را به سلامتی بدل می‌نماید. او سرور سلامتی خوانده شده است (۲-تسا ۳:۱۶)، زیرا او ما را در مسیر رابطه سالم و صحیح با خدا قرار

داد. او همچنین خدای سلامتی نیز خوانده شده است (روم ۱۵:۳۳؛ ۲-قرن ۱۳:۱۱؛ فی ۴:۹؛ عبر ۱۳:۱۵).

این دعا از متن افسسیان ۱:۱۰ الهام گرفته است. انسان به واسطه گناهان سلامتی خود را از دست می‌دهد. تنها مسیح می‌تواند با آزاد کردن ما از زنجیر گناه (افس ۱:۷، ۲:۵-۶)، سلامتی را به ما ببخشد. پولس رسول او را از آن جهت سلامتی می‌خواند که او نشان کاملیت آشتی و مصالحه با خدا بود. مصالحه نگهداشتن رابطه سلامت بین خدا و گناهکاران است. در کولسیان ۱:۲۰ مصالحه «آرام ساختن» (سلامتی) معنا می‌شود و وسیله آن ریختن خون می‌باشد. در افسسیان ۲:۱۶، پولس رسول از مصالحه ای سخن می‌گوید که منجر به ایجاد سلامتی و صلح و پایان دادن به عداوت و دشمنی می‌گردد. قربانی مقدس که قربانی مصالحه است، برای بخشایش خطایا، آمرزش و مصالحه، تقدیم می‌شود. برای آنانی که با مسیح در آسمان هستند، این سلامتی هرگز گسسته نمی‌شود.

مسیحیان زندگانی پر از امید دارند و امیدشان به کاهن اعظم آسمانی (عبر ۸:۱، ۴:۱۴-۱۶) است که خود تجسم مصالحه و صلح است. آنها نزد او برای سلامتی و آرامش جهان و کلیسا دعا می‌کنند. شادی کلیسا به مفهوم سلامتی در نظر گرفته می‌شود (اع ۹:۳۱). سلامتی در بین جانوران (اش ۱۱:۵-۸، ۳۵:۹؛ حزق ۳۴:۲۵؛ هو ۲:۱۸)، انسانها به عنوان افراد (اش ۱۱:۹، ۶۵:۲۵؛ ار ۳۱:۳۱-۳۴؛ زک ۹:۹) و در میان قومها (اش ۲:۲-۴، ۱۹:۲۳-۲۵، ۵۴:۱۳-۱۵؛ میک ۴:۱-۴؛ زک ۸:۲۳) نیز مطلوب است. سلامتی ثمره اطاعت از فرامین خدا می‌باشد (اش ۴۸:۱۸). برای آنانی که با خدا مصالحه داده شده‌اند و احکام او را اطاعت می‌نمایند، خدا سلامتی خود را هدیه می‌دهد (لاو ۳:۲۶-۱۳). خدا وعده داده که احکام او را نگاه دارند سلامتی (صلح) را خواهد بخشید. (لاو ۲۰:۶) سلامتی خدا مجموعه همه عطایای خدا را در بر می‌گیرد (اعد ۶:۲۴-۲۶). آب و هوای مناسب، محصول خوب، و خوشبختی نمونه‌هایی از آثار این سلامت هستند.

پایان گرفتن جنگها برای خوشبختی جهان ضروری بوده و برای کلیسا نیز نیکو می‌باشد (داور ۱۱:۱۳؛ جا ۳:۸؛ مز ۷:۱۲۰؛ ۱-پاد ۲:۵). مسائلی چون آرامش، پایان جنگ‌ها، فقدان آشوب و ناآرامی نیز در این سلامتی دیده می‌شوند. صلح سیاسی نیز یکی از مفاهیم مستتر در آن است. بنابراین، کلیسا برای پاک کردن جنگ و آثار آن از چهره زمین و جلوگیری از پراکنده شدن انسانها به خاطر جنگ، دعا می‌نماید (مز ۴۶:۹، ۶۸:۳۰). آنها که در کلیسا تفرقه و جدایی و تشمت به وجود می‌آورند، بدن مسیح را زخمی می‌کنند (۱-قرن ۱:۱۳). بنابراین پولس رسول خاطر نشان می‌سازد: «لکن ای

برادران، استدعا دارم به نام خداوند ما عیسی مسیح که همه یک سخن گوئید و جدایی در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید» (۱-قرن ۱:۱۱). در اثر بنای صلح و سلامت، می توان در محیطی آرام و صلح آمیز با ترس خدا و احترام کامل زیست (۱- تیمو ۲:۲). سلامت خدا قلبهای ما و افکار ما را در عیسی مسیح (فی ۴:۷) و برای جلال خدا (مز ۱۱۵:۱) حمایت می نماید.

پس از قرائت مزمور ۵۱ و ۱۲۳، نیایش اعتراف به گناه آغاز می شود که در آن «خدای ریشه های خوشبو و بوهای خوش (خروج ۳۰-۳۴-۳۷؛ اعد ۴:۱۶؛ جا ۲۴:۱۵) و مجمر خوشبوی کهنات مقدس، هارون، در خیمه عهد خداوند (خروج ۳۰-۱۰) ذکر شده اند. عبارت شبان نیکو که به جستجوی ما که گمشده بودیم برآمد، از منابع مختلف کتاب مقدس الهام گرفته است (یو ۱۰:۱-۱۸؛ حزق ۳۴:۱-۳۱؛ مز ۲۳:۱-۳؛ اش ۴۹:۹-۱۱).

نقش دستها در نیایش

در دعای با دستهای برافراشته کشیش به نالایی خود اعتراف می نماید. این از رحمت و فیض خداست که ما را به این رازهای مقدس نزدیک می کند (روم ۵:۱۱). دعای «جلال بر نام تو باد» که خلاصه یوحنا ۶:۴۸-۵۸ است، پرستشها و جلال را به مسیح عیسی که در قربانی مقدس حاضر است، تقدیم می نماید. کشیش، سرپرست را بوسیده می گوید «جلال بر تو باد، ای خداوند، برای عطای غیر قابل بیان تو، تا ابدالآباد (۲-قرن ۹:۱۵). پاسخ جماعت به شکل یک *onitha* به یوحنا ۶:۴۸-۵۸ اشاره دارد. این بخش نیایش به دلیل تأکید بر یگانگی نان که جماعت در آن شریک هستند، لازم به نظر می رسد تا بر اتحاد در مسیح ارج نهاده شود (۱-قرن ۱۰:۱۷). به دلیل اهمیت این بخش، قربانی مقدس به مراسم «شکستن نان» معروف شده بود (اع ۲:۴۲، ۴۶، ۷:۲۰، ۱۱، ۳۵:۲۷).

برای گشودن رازهای مستور در *sosappa* کشیش می گوید: «جلال بر تو باد... تو که به رحمتهای خود مرا خادم و واسطه ای گردانیده ای...» در اینجا نام ذکر شده به مسیح اشاره دارد (اع ۹:۴-۱۱؛ ۱-قرن ۵:۴، ۱۱:۶؛ افس ۵:۲۰؛ ۲-تیمو ۱:۱۲؛ فی ۲:۶-۱۱؛ روم ۱۰:۱۳). اشاره به واسطه، یادآور نقش مسیح به عنوان واسطه عهدجدید است (عبر ۶:۸-۱۳، ۹:۱۱-۱۵؛ ۱-قرن ۱۱:۲۵). کشیش در کهنات مسیح، که تنها واسطه بین خدا و انسان است، شریک می شود (۱-تیمو ۲:۵-۶). با تشریح سرشت این نقش واسطه ای، پولس رسول خاطر نشان می کند که آنها خادمان مسیح، و کلای اسرار الهی

هستند (۱- قرن ۴: ۱ = راز داران خدا هستند). خدمت مصالحه بین خدا و انسان اصلی ترین هدف و ذهنیت این واسطه شدن است (۲- قرن ۵: ۱۸-۲۰).

دومین آیین توبه

قسمت *karoazutha* با دعوت به تفتیش در رازهای مسیح به خضوع و احترام آغاز می گردد (یو ۶: ۵۳-۵۴). به یادآوردن رنجها و در نظر گرفتن رستاخیز او (یو ۱۱: ۲۵-۲۶، ۵۴: ۶) با قلبی پاک و ایمان واقعی (۱- تیمو ۱: ۵) به آثار و نتایج قربانی مقدس اشاره می نماید. سپس بخش *karoazutha* تجسم او (لو ۱: ۲۰) و این حقیقت را به یاد ما می آورد که از طریق تعالیم او ما به درک حقیقت نائل گردیدیم (کول ۱: ۱۳؛ ۱- تیمو ۲: ۴). او نوبر سرشت ما شناخته شده است (۱- قرن ۱۵: ۲۰-۲۳؛ روم ۸: ۲۹؛ کول ۱: ۱۸). دعا با ترغیب به دریافت هدیه حیات جاودانی پایان می یابد (روم ۶: ۲۳). مهمترین عمل در اداره پرستش و وظیفه کشیش برگزاری رازهای مقدس است.

در دعای «متبارک باد خداوند» و «باشد که این به داوری و مجازات ما منتهی نگردد» یادآور ۱- قرن ۱۱: ۲۸ می باشد. «برخاستن از مردگان» به افسسیان ۵: ۱۴ اشاره می نماید: «ای تو که خوابیده ای بیدار شده از مردگان برخیز و مسیح در تو خواهد درخشید». مناجات بخشایش گناه که اعتراف عمومی می باشد، می گوید «بیاید هدیه مقدس را دریافت نموده و از روح القدس تقدیس کرده شویم؛ قربانی مقدس در بدن پر از روح القدس مسیح درک و دریافت شده و بخشایش گناهان را ممکن می سازد (یو ۲۰: ۲۲-۲۴).

مشارکت در قربانی مقدس و اعمال نیایشی بعد از آن

شرکت کنندگان در قربانی مقدس با مسیح متحد می شوند (۱- قرن ۱۰: ۱۶). دریافت قربانی مقدس به طرز ناشایسته منجر به مجازات و تنبیه خواهد شد (۱- قرن ۱۱: ۲۷). دعاها و بسیاری به این حقیقت که عیسی قدرت بخشیدن یا مجازات گناهکاران را دارد، اشاره می کنند (مر ۲: ۱۰؛ مت ۹: ۶). در دعای اول که پدر را معرفی می کند، ما دعوت می شویم تا با شادی (۲- قرن ۳: ۱۸) و با قلبی پاک و مطمئن (۱- تیمو ۱: ۵) دعا کنیم. دعای بعدی «سلامتی خود را در میان ما برقرار کن» (کول ۳: ۱۵) با کلمات مقدمه ای: «هنگامی که دعا می کنید» (مت ۶: ۵-۹) آغاز می شود و با این تسبیح: «که ملکوت، قدرت و سلطنت در آسمان و زمین از آن توست» (مکا ۷: ۱۲) خاتمه می یابد. قسمت بدون تغییر این سرود «تو مهیب هستی» ترکیبی از مزمو ۲: ۴۷، ۳۵: ۶۸؛ و حزق ۳: ۱۲

می باشد. دسته سرایندگان *unaya d'bema* نمادی از انبیای عهدعتیق هستند که شادی کامل را در نیافتند (یو ۳:۵) زیرا آنها تمعید نیافتند. با این همه آنها به انتظار روز خداوند شادی کردند (یو ۸:۵۶؛ مت ۱۳:۱۷؛ لو ۱۷:۲۲). *Bathe d'unaya* نشان دهنده تحقق وعده ها و نبوتهایی است که شمعون بدینگونه بیان نمود: «چشمان من نجات را که تو برای مردم مهیا کرده ای، دیده است» (لو ۲:۳۲). کلمه *hyssop* (نوعی گیاه)، در این دعا که کشیش آن را قرائت می نماید به مزمو ۷:۵۱ اشاره می نماید.

اعلام «توای خداوند در اعلی علیین جلال یافته ای» (حزق ۳:۱۲) در دعای شکرگزاری حیات جاوید و جاودانگی مسیح را اعتراف می نماید. «شاه قرون» از اول تیموتائوس ۱:۱۷ برداشت شده است. «ما را شایسته گردان تا هنگام ظهور ثانوی تو با اعتماد تو را ببینیم» می تواند در ارتباط با مثل ده باکره درک شود (مت ۲۵:۶). دعای شکرگزاری با عبارت «ما را برای عطای غیرقابل بیانش جلال باد» (۲-قرن ۱۵:۵) پایان می یابد. در دعای شکرگزاری کشیش عبارات «برخاستن از مردگان» (مر ۱۲:۲۵؛ ۱-قرن ۱۵:۱۲) و «حیات تازه در ملکوت آسمان» (مت ۱۳:۲۴) از کتاب مقدس برداشت شده اند. همه دعاهای قسمت پایانی نیایش ابعاد آخرت شناسی دارند (۱-قرن ۱۱:۲۶). کشیش در قسمت هوتامای یکشنبه ها می گوید: «ای خداوند، تو ما را به همه عطایای روحانی از طریق خداوند ما عیسی مسیح در آسمان تقدیس نموده ای» (افس ۱:۳). او ما را به ملکوت خود دعوت نموده (مت ۶:۳۳) و ما را به جلال خود خوانده است (مت ۶:۱۹-۲۱). وعده مسیح در یوحنا ۶:۵۳ و ۵۶ در کلمه «آمین»: «من به تو آمین، آمین می گویم... تا حیات جاوید» تکرار و تجدید می شود.

قسمت هوتاما برای روزهای عادی آسمان را اورشلیم سماوی در اعلی علیین می نامد (عبر ۱۲:۲۲؛ غلا ۴:۲۶). هوتامای بعدی برای همان مناسبت با دعای «باشد که دست راست خداوند به اراده او بر شما قرار گیرد» (اش ۵۱:۱۶) پایان می پذیرد. هوتاما برای مردگان با قربانی مقدس مرتبط بوده و به قربانی هاییل (پید ۴:۴)، نوح (پید ۷:۲۰-۲۲)، ابراهیم (پید ۱:۲۲-۸)، ایوب (کتاب ایوب) و ایلیا (۱-پاد ۱۸:۳۶-۳۹) اشاره می نماید. این دعا برای قبول شدن قربانی مقدس به عنوان سکه زن بیوه (مر ۱۲:۴۲-۴۳) و برای ورود مردگان به حله آسمانی عروس ترتیب داده شده است.

Dr. Thomas Mannooramparampil,
Christian Orient, June 1997, P.77-91

۳

برگزاری آیین نیایش و مأموریت کلیسا

اخلاق بشارت در جوامع مسیحی

مقدمه

ارتباط بین آیین نیایش و بشارت پرسش جالبی است. این بحث ممکن است برای برخی افراد، بخصوص برای کسانی که در جامعه‌ای با فرهنگهای گوناگون، همانند هندوستان، زندگی می‌کنند بی‌معنا و پوچ باشد. برخی ممکن است مفهوم روحانی را هدف گرفته ادعا کنند که از آیین نیایش الهام گرفته‌اند تا بشارت دهند. همچنین ممکن است گروههای دیگری وجود داشته باشند که تمام بحث را خدا محور، مسیح محور، یا روحانی محور به حساب آورده تقسیم بندی نمایند، زیرا این طرز نگرش به رفتارهای بنیادگرایانه خطرناک منجر شده و مانع از گفتگو با کلیساها و ادیان دیگر می‌شود. این متن ما را در درک الهیاتی از رابطه بین آیین نیایش و مأموریت بشارتی کلیسا یاری می‌دهد. در این من سعی خواهیم کرد که از دیدگاه شرقی و با تکیه بر آیین نیایش کلیسای مالانکارا به این موضوع بپردازیم.

۱- آیین نیایش

من این واژه را به مفهوم وسیع کلمه استفاده نموده و منظور شکل عمومی پرستش در کلیسا می‌باشد.

۱-۱- آیین نیایش برگزاری تمجید خدا

آیین نیایش همان تمجید خداست، و برگزاری آن از طریق نمادها تحقق می‌یابد. نمادها وسایل مکاشفه الهی یا خود ابرازی (= خودکشفی) خدا هستند. برگزاری آیین نیایش به معنای «حاضر ساختن» است. از طریق برگزاری مراسم است که حقایقی را که با هیچ احساسی قابل درک نیستند، به تجربه‌ای در اینجا و اکنون، در فضا و زمان و به شکل حرکات، به علائم و نمادهای خاص تبدیل می‌شوند. برگزاری آیین نیایش همواره یک عمل جمعی می‌باشد. آیین نیایش راهی برای بیان ارتباط و اتحادی است که ما بین شرکت کنندگان در آن وجود دارد. برگزاری نیایش به مثابه تلاشی برای ظاهر کردن نمادین ذهنیت

و اندیشه حاکم بر جماعت است، و به مفهوم عمیق تر کلمه، بازیافت چیزی یا واقعیتی است که جماعت در آن و با آن زندگی، هویت، و ایمان خود را درک می نماید. دلیل منحصر به فرد بودن مسیحیت آن است که آیین نیایش راهی برای زندگی و حتی قلب و محور اصلی زندگی آن به شمار می رود. آیین نیایش پرستشی به مفهوم یک عمل مقدس و یا آیینی برای تقدیس چیزی غیرالهی و نامقدس نیست. «در قلب کلیسا - کهنات ملوکانه امت مقدس، قوم برگزیده - تشخیص میان مقدس و نامقدس که شرط اصلی یک نیایش است بی معنا شده است. کلیسا یک اجتماع معمولی نیست که «از طریق نوعی مناسک یا شعائر یا آیین خاص تقدیس شود».

۱-۲. راز نیایش (برگزاری رازها)

آیین نیایش یک راز برگزار شده است. خدا یک راز است. این راز در عیسی مسیح کشف و آشکار گردیده است. خود ابرازی (خودکشی) خدا که به طور کامل در شخصیت عیسی تعریف شده، از طریق آیین نیایش تداوم می یابد. طبق نظر پاپ پیوس دوازدهم «کلیسا کار کهناتی مسیح را به طور خاص از طریق آیین مقدس نیایش تداوم می بخشد». آیین نیایش تداوم راز تن گیری، گسترده کردن عرصه بازوانی باز بر روی صلیب است. از طریق قدرت روح القدس است که کار نجات بخش مسیح در آیین نیایش تداوم می یابد. نجاتی که توسط مسیح اعطا شده است، در قلب جماعت برگزار کننده آیین نیایش حاضر و زنده می گردد. به این معنا «برگزاری» نیایش «یک ظهور روح آسمانی است». مکاشفه مسیحی داستان دخالت خدا در تاریخ بشر و تداوم این دخالت است. راز نجات که در آیین نیایش برگزار می شود همان وسیله ای است که خدا به کمک آن حضور خود را در میان قوم خویش تداوم می بخشد. می توانیم ادعا کنیم که پرستش مسیحی شراکت در عملی است که یک بار به طرزی منحصر به فرد در تاریخ از عیسی پسر خدا سرزد، که اینک عملاً باز آفریده شده و تا قیامت نهایی ادامه خواهد یافت. بنابراین «آیین نیایش چیزی نیست مگر مرحله ای خاص از مکاشفه، یعنی راهی خاص که از طریق آن مفهوم مکاشفه در ما به تجلی می آید». بنابراین «آیین نیایش مسیحی جستجوی راهی برای ارتباط با خدا نیست، بلکه برعکس برگزاری و یادآوری این حقیقت است که خدا چگونه با ما تماس برقرار کرده و ما را با خود متحد نمود و چگونه همواره با ما حاضر و در ما فعال است. بنابراین، «آیین نیایش فراتر از همه کار تثلیث اقدس بر روی شیوه اجرا و مفهوم آن است». در برگزاری آیین نیایش خدای سه شخصیتی خود را به شراکت می گذارد، و به زبان ساده تر در آیین نیایش خدای سه گانه (سه گانه مقدس) محبت خود را نسبت به انسان برگزار می نماید.

از طریق آیین نیایش «همه مردم و پدیده‌های جهان، در ماهیت زندگی و سه گانگی شخص خدا به شراکت می‌رسند».

۱-۳. آیین نیایش: برگزاری زندگی کلیسا

رستاخیز، صعود و پنطیکاست حوادثی محوری و مهم در قلب و بطن آیین نیایش به نظر می‌رسند. در رستاخیز خود عیسی به آیین نیایش تبدیل می‌شود. از طریق صعود مسیح، بدن این جهانی (کالبد زمینی) مسیح با پدر متحد می‌شود. «از طریق اعطای روح القدس از پدر توسط خداوند برخاسته نیایش آسمانی تا زمین امتداد می‌یابد» و قوم خدا در این نیایش سماوی شریک می‌گردند. «نیایش زمینی تکمیل آیینی نیایش سماوی و بیعانه‌ای از واقعیتی است که در آینده رخ خواهد داد». کلیسا از طریق برگزاری در واقعیت یعنی در ابعاد زمان و مکان حضور می‌یابد. بنابراین «آیین نیایش یکی از کارهای بی‌شماری که کلیسا انجام می‌دهد نیست». آنچه که راز حیات کلیسا را تشکیل می‌دهد، برگزار شده و یا در آیین نیایش به واقعیت تبدیل می‌گردد. «آیین نیایش همواره آیین نیایش کلیساست. این روش بیان خود برای کلیساست که نشانه و دلیل تحقق سرشت واقعی آن است». در برگزاری مراسم است که واقعه مسیح به حادثه‌ای متعلق به کلیسا که اکنون و اینجا گرد آمده است بدل می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که «آیین نیایش جایگزین کلیسا می‌شود» و «آیین نیایش ظهور روح کلیسا به شمار می‌رود». الکساندر شمیمان با عبارت ذیل همین حقیقت را بیان می‌نماید: «بنابراین، آیین نیایش به هیچ رو یک عمل آیینی نیست که در کلیسا یا از سوی آن و یا برای آن انجام می‌شود، بلکه عمل خود کلیساست که به زبان دیگر آن را می‌توان «کلیسا در عمل» نامید، یعنی بیان حقیقت وجودی کلیساست که آیین نیایش نام دارد. این تعبیر به مخالفت با جنبه‌ها و نمونه‌های غیرمذهبی کلیسا نمی‌پردازد، زیرا کلیسا از طریق آیین نیایش و در آن به حیات خود ادامه می‌دهد». برگزاری آیین نیایش، اعلام و تأیید و یا وجود چیزی بیرون از دائره هرگونه تأیید است. از طریق برگزاری آیین نیایش، ارزشهای نیک قلمداد شده اجتماع، بیان می‌شوند و از آنها چون گنجی گرانبها مراقبت می‌شود. از این تعبیر نیز خیلی ساده و به سرعت این عقیده نشأت می‌گیرد که برگزاری آیین نیایش، همچنین یک نوع ایستادگی و مخالفت در برابر همه چیزهایی است که برخلاف و در تضاد با این ارزشها باشند. این بیان و مخالفت ناشی از آن حقایقی هستند که این جامعه را به گروهی بی‌مانند بدل می‌نماید، و یا آنچه که آن را از دیگر جامعه‌ها قابل تشخیص می‌سازد. از برگزاری نیایش می‌توان یک رشته ارتباطی، بین اجراکننده‌ها و ارزشهایی که اعلام نموده‌اند به وجود آورد.

۲- بشارت

بشارت نوعی اعلان است. اعلام، از شراکت دادن تجربه یک راز با دیگران زاده می‌شود. جماعت به یک تجربه درونی شهادت می‌دهد و این تجربه اساساً یک بشارت است. تجربه این جامعه به تدریج به وسعت بزرگتری از جامعه دیگر نفوذ می‌نماید.

۲-۱- کلیسا همان بشارت

کلیسا لزوماً جامعه‌ای بشارت دهنده است. فرمان خداوند، «رفته، همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید» (مت ۲۸:۱۹)، کلیسا را به یک جامعه بشارتی بدل می‌کند. بشارت عبارت از فیض و دعوت مخصوصی است که عمیق‌ترین مفهوم وجودی و هویت کلیسا را آشکار می‌سازد. اصل وجود او برای بشارت، یعنی اعلام خبر خوش، است. چنانکه تمامیت زندگی عیسی از بشارت تشکیل یافته است، همه هستی کلیسا نیز در بشارت خلاصه می‌شود. هنگام سخن گفتن از بشارت کلیسا، در واقع به هیچ یک از اعمال انجام شده در کلیسا اشاره نمی‌نمائیم بلکه مقصود ما وجود و جوهره اصلی کلیسا است.

۲-۲- بشارت، برگزاری آیینی در زندگی

بشارت هم معنا با فعالیت‌های مختلف نیست. بشارت نه آنچه که انجام می‌دهید بلکه آنچه که واقعاً هستید، است. فرمان خداوند که نور جهان و نمک جهان باشید (مت ۵:۱۳-۱۶)، جوهره اساسی کلیسا را تشکیل می‌دهد. این یک واقعیت گریزناپذیر و ثمره خودبه‌خودی تجربه یک راز است. شاگردان مسیح، به فعالیت‌های بشارتی دعوت نشدند بلکه دعوت آنها زیستن در شاگردی بشارتی بود. این دعوت شامل اعلام خبر خوش نیز هست. اعلام/بشارت شاگردان مسیح انفرادی نیست بلکه شهادتی جمعی و یک عمل روحانی می‌باشد.

۳- برگزاری آیین نیایش به مثابه بشارت

برگزاری آیین نیایش اجرای یک راز به عمل درآمده در قالب نمادهاست و بشارت خود یک راز است که در زندگی به شیوه‌ای عملی تجلی یافته است. در نتیجه نمی‌توان آیین نیایش و برگزاری آن را از بشارت جدا نموده، آنها را دو پدیده متفاوت و مستقل دانست. در واقع آنها یک واقعیت زنده همانند و هم‌ارز را در زندگی کلیسا تشکیل می‌دهند. به بیان ساده‌تر، راز در قالب و به شکل یک آیین نیایش و زیستن آن راز،

به صورت یکپارچه، در هم آمیخته و به هم مربوط هستند و یکی نمی تواند جدا از دیگری معنا و وجود داشته باشد. شهادت و یا بشارت در هوا (صرفاً در اندیشه و توخالی) وجود ندارد. نقطه حرکت شما تجربه ایمانی شماست که پایه و اساس آن بر برگزاری نیایش استوار است. به شهادت تاریخ آیین های نیایشی متفاوتی در فرهنگهای مختلف جوش خورده اند و این یک حقیقت غیرقابل انکار است. بسیاری با این موضوع به مثابه یک مشکل بزرگ برخورد می کنند و آن را به عنوان یک رویکرد بنیادگرایانه تجزیه و تحلیل نموده و عقیده دارند که یک موعظه خالص، بدون هیچ رویکرد و اشاره ای به نوعی از نیایش، کافی و مطلوب است. لیکن این یک واقعیت ساده برخاسته از زندگی انسان است که هرگونه شهادتی همراه با ایمانی خاص و هر ایمانی به شیوه ای خاص خود در یک جامعه ایمانی خاص برگزار می شود و این حداقل قسمتی از یک تشکل اجتماعی یا بازتاب آن و یا دست کم پایه و بنیاد آن را تشکیل می دهد. در واقع بزرگترین معضلی که کلیسا در دنیای امروزی با آن روبه روست همانا جدایی میان ایمان از زندگی، و بشارت از آیین نیایشی می باشد. این واقعیت از کلمات پاپ ژان پل دوم در سند خود به نام *veritatis splendor* آنجا که درباره جدایی ایمان از زندگی به عنوان یک مشکل بزرگ در کلیسای امروز یاد می کند، روشن می شود. شیوه برگزاری ایمان شما بایستی به زبان زندگی/بشارت شما ترجمه شده و بشارت شما باید شما را به برگزاری ایمان یعنی آیین نیایش هدایت نماید و برگرداند.

۳-۱. بشارت: آیین نیایش در جهان پیرامون

کلیسا از طریق آیین نیایش می تواند به جامعه ای بشارتی بدل شود، و خویشتن را به عنوان جامعه بشارت دهنده شناخته و اعلام نماید. در واقع کلیسا جامعه ای است که از سوی خداوند دعوت شده است که جامعه ای نیایشی را در جهان به نمایش بگذارد. آیین نیایش کلیسا به یک بشارت بدل شده و این بشارت کلیسا قبل از هر چیز باید نیایش جهانی باشد. این بدان معناست که ملکوت خدا همین حالا و اینجا و اکنون حاضر و واقعی شده و در کلیسا تجلی نموده است. کلیسا بهترین و کاملترین شهادت در سطح عملی به سه گانه مقدس است. به عنوان مثال تمامی دعاها در برگزاری قربانی مقدس برطبق آیین نیایش مالانکارا با گفتن «ما ستایش و شکرگزاری خود را به تو و به تنها پسر و روح القدس تو تقدیم می داریم اکنون، همواره و تا ابدالآباد، پایان می گیرند. اشاره به «اکنون، همواره و هر روز» از ارزش آخرتی خاصی برخوردار است. در آیین نیایش مالانکارا اصطلاح «اکنون» اشاره به نیایش زمان حال داشته و «همواره» به تمامیت

زمان زندگی اشاره می‌نماید و «تا ابدالآباد» اشاره‌ای به زمان جاودانی یا زمان آخرتی را می‌رساند. آنان که نیایش را برگزار می‌کنند وارثان ملکوت آسمان و حیات نوین می‌شوند.

۳-۲. بشارت: يك عطيه و يك وظيفه

بشارت کلیسا به این مفهوم، همزمان یک عطیه و یک وظیفه است. بشارت کلیسا به مفهوم خاص کلیسایی یک عطیه است یعنی عمل کلیسا تداوم زندگی عیسی، و تجلی حیات نوین می‌باشد. این پیش از هر چیز مستقیماً کار و فعالیت خداست. او خود کلیسا را برگزیده تا این کار را انجام دهد تا هنگامی که خداوند باز آید. به این معنا این یک عطیه است. اما از سوی دیگر این یک وظیفه نیز هست، به مفهومی که در آن عنصری مربوط به پاسخ انسان وجود دارد، پاسخ کلیسا به دعوت خدا آن است که دریچه رحمت خدا به روی جهان باشد. بشارت کلیسا شراکت و هدایت دنیا به اتحاد با خدا یعنی اتحاد با یک راز است.

۳-۳. جهان نجاتی یافته و خداگونه شده

دیدگاه شرقیان از جهان، جهانی آزاد و نجات یافته و خدایی شده است. اما این خدایی شدن یک کار تمام شده نیست بلکه روندی است که تداوم دارد و پیوسته در حال انجام است. نجاتی که توسط عیسی مسیح از طریق کلیسا و در کلیسا تداوم می‌یابد. کلیسا، عروس مسیح، همواره در آیین نیایش و از طریق آن تازه می‌گردد. و تمامی جهان به سوی آیین نیایش جذب شده و تقدیس می‌شود. برای مثال در قربانی مقدس، به شکل نان و شراب تمامی جهان تبدیل می‌شود.

۴-۱. آیین نیایش: برگزاری و یادآوری اخلاق در جامعه بشارتی

از دیدگاه مسیحیان، آیین نیایش مثالی از هویت و عملکرد کلیسا به این مفهوم است که آیین نیایش آنچه را که انسانها هستند و وضعیتی که جهان به آن منتقل خواهد شد را آشکار می‌سازد. بشارت مسیحی به مثابه زندگی «در مسیح» و «کلیسا» به این ترتیب از این طریق مفهوم می‌یابد.

۴-۱. هویت مسیحی در آیین نیایش آشکار می‌شود

شکل زیستن و بودن «در مسیح»، اخلاق مسیحی در آیین نیایش نشان داده می‌شود. بازیلیوپترا می‌نویسد «ارزش و اهمیت آیین نیایش در سطح اخلاق بسیار اساسی و مهم

است، زیرا از طریق آیین نیایش، ویژگی اخلاق الهی در انسان تجلی نموده و اخلاق انسانی به شباهت اخلاق آسمانیها در می آید و همه آن به مفهوم ذهنی رخ می دهد، زیرا انسانیت جلال یافته و آسمانی مسیح با انسان به مشارکت گذارده شده و انسان به چهره مسیح تغییر وجود می یابد». به این ترتیب، بشارت به معنای موجودیت خالص، و شاهد این انسانیت الهی شده است. تجربه راز، شخص را کمک می کند تا خود و دنیای پیرامون خود را با تجربه نیایشی درک نموده و این تجربه را در اعمال خود انتقال دهد. بر طبق نظر شمیمان «مسیحی کسی است که هر کجا می نگرد مسیح را یافته و در او شادی می نماید. و این شادمانی تمامی نقشه ها و طرحهای انسانی او را تبدیل می کند و برنامه ها، تصمیمات و اعمال او را جهت می دهد، و همه بشارت او به نیایش جهان بدل شده و به سوی او که حیات جهان است باز می گردد».

۴-۲. آیین نیایش مسیحی را به يك مبشر بدل می کند

جامعه پرستشی خداوند را تجربه می نماید و به جامعه ای بدل می شود که شهادت/بشارت از آن می تراود: بشارتی که از عمق زندگی و وجود شخص برمی خیزد. نمونه این جامعه، کلیسای اولیه است. (اع ۲: ۴۴-۴۷). اعلام مسیحیان اولیه و بشارت آنها جامعه ای نیایشی را نمایش می دهد. در واقع نقطه آغاز هر بشارتی، نیایش است. بشارت، جامعه جدید را به تجربه مشارکتی که موعظه می کند هدایت می کند، یعنی جامعه دوباره به آیین نیایش باز می گردد. «خداوند عدد آنان را هر روزه می افزود و ناجیان هر روزه افزوده می شدند» (اع ۲: ۴۷). نمی توان بشارتی را تصور نمود که از نیایش برنخاسته و به نیایش باز نمی گردد. آیین نیایش انسان را در مسیح بنا می کند که دعوت او اعلام تجربه آخرتی است، تا شهادتی به یک راز باشد. آیین نیایش به انسان کمک می کند که هویت خود را در افق دید بشارتی ببیند که در آن تمامی وجود خود را در ابعاد بشارتی باز می یابد. آیین نیایش همچنین انسان را در زندگی همراهی نموده و راههای او را تصحیح می نماید، او را در قدمهایش هدایت نموده و در صورت لغزش او را پاک می سازد و به هدف اصلی برمی گرداند و غیره.

۴-۳. بشارت يك زندگی

بشارت مسیحی تجربه ای از یک راز است که به موقعیت او تبدیل شده و تمامی فضای زیستی او را لمس می نماید. بشارت، واقعی و ملموس شدن تجربه اخلاق مسیحی در زمان و فضا می باشد و هویت مسیحی در آن شناخته می شود. بشارت مسیحی عبارت از

یک حیات تبدیل شده انسانی است که زندگی او «در مسیح» و «در کلیسا» مخفی شده است. اخلاق مسیحی در شکل آیین نیایش به زندگی ترجمه شده و از آنجا به یک نیایش بدل می شود که یک خدمت کامل است که به جهان ارائه می گردد. تمامی جهان به شیوه یک هدیه یا قربانی از طریق نیایش کننده و در وجود او به سوی خدا می آید و بدین سان جهان خدا را جلال می دهد. تجربه یک راز به شکل نیایش، شخص را ملهم می سازد تا همه چیز را از درون منشور این تجربه درک کرده ببیند. این واقعیت درک نیایشی زندگی فردی و زندگی تمامی مسیحیان بوده و به این مفهوم به بشارتی برای جهان تبدیل می شود.

نتیجه گیری

راز تثلیث اقدس در عیسی مسیح آشکار گردید و در کلیسا تداوم یافت و از طریق نیایش در زندگی مسیحی تجربه می شود. همین تجربه است که به او هویت یک مسیحی را می بخشد. این هویت اساساً هویتی روحانی و نیایشی می باشد. مسیحی دعوت شده است تا اعلام/شهادت دهد و این تجربه را در زندگی خود واقعی نماید. این اعلام/شهادت یک بشارت است، از طریق این شهادت/بشارت و در تجربه آن جهان به سوی نیایشگر کلیسا، آیین نیایش و از این طریق به راز/تثلیث هدایت می شود. به این ترتیب تمام زندگی مسیحی به نیایشی و شهادتی برای جهان و پرستشی در خور و لایق برای تثلیث اقدس یعنی یک نیایش، یک بشارت تبدیل می شود.

۴

«ای خداوند باشد که روح القدس تو بیاید»

برخی ملاحظات درباره دعای طلب روح القدس

سال ۱۹۹۸ سی امین سالگرد مقدمه دعای طلب روح القدس در نماز قربانی مقدس کلیسای کاتولیک رم برگزار گردید. در حقیقت، گردهم آیی سنتها و آیین های نیایشی منعقد شده در بیست و سوم مه ۱۹۶۸ توافقنامه ای صادر نمود که بر اساس آن سه دعا و هشت مقدمه تازه از پانزدهم اوت ۱۹۶۸ می تواند مورد استفاده قرار گیرد. این دعاهاى جدید مخصوص قربانی مقدس، که شامل دعای طلب روح القدس در چند قسمت می باشند، در گردهم آیی اسقفان رم به ریاست پاپ پل ششم در سال ۱۹۷۰ مورد تأیید قرار گرفتند، اما دستورالعمل عمومی گردهم آیی اسقفان در رم (نخستین انتشار در سال ۱۹۶۹) که عناصر اساسی دعای قربانی مقدس را بررسی می نمود، در بحث دعای طلب روح القدس از روح القدس به وضوح یاد نمی کند: «در دعای خاص طلب حضور روح القدس کلیسا قدرت خداوند را طلب نموده و برای هدایای قربانی که به دست انسان تقدیم می شود، یعنی برای تبدیل آنها به جسم و خون مسیح، دعای می نماید، تا آنکه قربانی دریافت شده در این مشارکت خاص برای شرکت کنندگان منشأ برکت و منبع نجات گردد». احتمالاً دلیل این موضوع آن است که دعای مخصوص موسوم به دعای اول قربانی مقدس، در نظامنامه مقدس رم، اشاره واضحی به روح القدس ندارد. دستورالعمل عمومی فوق همچنین بر جنبه بسیار مهم دعای طلب روح القدس اشاره نموده است که در دعاهاى جدید در دو بخش مجزا، یکی پیش از روایت بنیانگذاری که اکنون «دعای طلب تقدیس» نامیده می شود و دیگری پس از اعلان مغفرت ارائه می شود که به نام «دعای طلب جمعی» معروف است. در دعاهاى جدیدتر قربانی مقدس اعم از پذیرفته شده و پذیرفته نشده، به اشاره واضح و قاطع درباره روح القدس برمی خوریم. بنابراین آیا ممکن است بتوان درباره *Geistvergeessenheit* (غیبت روح) در چنین مفهوم و جایگاهی سخن گفت؟ آیا آیین نیایش امروزی غربی در همان مسیر سنت شرقی قرار دارد که در آن کار پیوسته روح القدس همواره در برگزاری آیین *koinonia* و در درک تدریجی *Teleiosis* راز شام خداوند و در روند نیایشی *theosis* یادآوری می گردد؟ آیا با چنین شرایطی هر دعایی برای نگرش غربی ویژگی دعای طلب روح القدس را نخواهد یافت؟

۱- ریشه‌ها و روند تکامل دعای طلب روح القدس

دعای طلب روح القدس از واژه یونانی اپی کلز به معنای دعوت یا احضار کردن مشتق گردیده، و عموماً به مفهوم آن است که ما خدا را احضار یا دعوت می‌کنیم تا چیزی یا شخصی را تقدیس نماید. به این مفهوم می‌توانیم بگوئیم که تمام دعای قربانی مقدس دعوت نام خدا یا احضار نام اوست که بر هدایای قربانی و بر جماعت قرار بگیرد. این موضوع بارها در الهیات قربانی مقدس در غرب به دلیل تأکید بیش از حد بر کلمات روایت بنیانگذاری، که در آن کشیش به مدد خدمت خاص خود می‌تواند به صورتی دو سویه مفهوم تقدیس را دریابد، تقدیسی که به معنای تغییر نان و شراب و تبدیل آن به بدن و خون مسیح است، به فراموشی سپرده شده است. هنگامی که دعای طلب روح القدس توسط سرپرست اعلام می‌شود، خود او به عنوان بنده‌ای مطیع و وفادار برای خدا عمل می‌کند و در عین حال ضمن یادآوری آنچه که خداوند در شب شام آخر انجام داد، نقش خود را نیز به یاد می‌آورد. از این رو هنگام سرپرستی مراسم، به نمایندگی از سوی شرکت کنندگان، او خدا را دعوت می‌کند تا هدایا را لمس و تقدیس نموده آنها را از جماعتی که تقدیم این هدایا را انجام می‌دهند بپذیرد و یادبود این مراسم به شایستگی برگزار گردد. این دعوت یا احضار در واقع همواره در نظامنامه نیایشی کهن کاتولیک *Quam oblatione* (دعای احضار) از خدا درخواست می‌شود تا «این قربانی را تماماً مقدس نموده، بپذیرد و مقبول بگرداند، تا آنکه آنها برای ما بدن و خون او باشد که پسر یگانه محبوب تو و خداوند ما یعنی عیسی مسیح است» و همچنین در *Supplices* که در آن شخص درخواست می‌نماید که «تا آنکه همه ما که این هدایا را دریافت می‌کنیم و بدن و خون مقدس پسر تو را می‌خوریم و می‌آشامیم و در این خوان شراکت داریم با برکات آسمانی و فیض تو پوشانده و پر شویم». اگرچه روح القدس در این دعوتها به نام خواننده نشده است، لیکن ما بدون در نظر گرفتن این موضوع آن را «دعای طلب روح القدس» می‌نامیم و به معنای وسیع کلمه مورد استفاده قرار می‌دهیم. هنگامی که در چنین دعاهایی به طرز مؤثرتر روح القدس را دعوت می‌نمائیم تا اجراکننده فیض و رحمت خدا باشد می‌توان از دعای طلب روح القدس به عنوان *stricto sensu* (به مفهوم کامل کلمه) یاد کنیم. اکنون این پرسش فراروی ما مطرح است که آیا چنین «دعای خاص طلب روح القدس» کاملاً لازم بوده و آیا ما باید به استفاده از اصطلاح «دعای طلب روح القدس منقسم شده» ادامه دهیم که به یک معنا یک جنبه از «دعای طلب روح القدس تقدیس کننده» را دربرمی‌گیرد و جنبه دیگر آن در «دعای طلب روح القدس جماعت، مستور است، و این وضعیت همان است که در دعای جدید طلب روح القدس در نظام نیایشی کاتولیک رومی رعایت شده

است. و اگر توافق نمائیم که یک دعای واحد طلب روح القدس داشته باشیم، که دارای دو مضمون و هدف متفاوت باشد، کجا باید آن را در نظر بگیریم: پیش از روایت بنیانگذاری یا پس از آن؟ تاریخ مسیحیت می تواند این مسئله را با نور حقایق سنت کلیسایی روشن نماید که احتمالاً چنانکه پل اودوکیموف در سال ۱۹۶۸ بیان نموده مهمتر از آن خواهد بود که در یک نشست و گفتگوی بین الکلیسایی مطرح گردد.

۱-۱. «دعای طلب جماعت» در روایات هیپولیتوس و آدای و ماری

در حال حاضر قدیمی ترین دعای سنتی مربوط به قربانی مقدس، که به سنت رسولان وفادار است، به هیپولیتوس اهل رم و به تاریخ سال ۲۱۵ میلادی برمی گردد. در اینجا متن مشروحه از دعای طلب روح القدس یافت شده که پس از روایت بنیانگذاری قرار دارد. این دعای طلب روح القدس اساساً یک «دعای تقدیس» نیست بلکه بیشتر «دعای طلب جمعی» می باشد زیرا در متن آن درخواست می شود که آنانی که در این خوان شرکت نموده اند با یکدیگر متحد شده و با روح القدس و در ایمان تقویت شوند تا بتوانند خدا را به بهترین شکل پرستند. متن چنین است:

و ما درخواست می نمایم که تو ای خداوند، روح القدس خود را بفرستی تا بر این هدایا و بر این کلیسا قرار گرفته و آن را متحد ساخته و همه ما را که این هدایای مقدس را دریافت می کنیم پری روح القدس و قوت در ایمان به راستی و حقیقت عطا فرما تا آنکه بتوانیم خدا را جلال داده پرستش نمائیم، از طریق فرزند تو عیسی مسیح ... این دعا متنی از دیدگاه را به یاد ما می آورد که به اواخر قرن اول مسیحی تعلق دارد، که در آن روح القدس به نام ذکر شده است. در این دعا می خوانیم:

چنانکه این نان که پاره می شود و بر کوهها پراکنده می گردد و هنگامی که باز می گردد یک می گردد، باشد که کلیسای تو نیز از اقصای جهان گرد آورده شده و بر روی زمین در ملکوت تو به اتحاد برسند. ای خداوند، به یاد آور کلیسای خود را که آن را از شریر به حیات و محبت خویش فراخوانده ای، و آن را از چهار گوشه جهان گرد آور، تقدیس نما و در ملکوتی که تو برای ما آماده کرده ای داخل ساز.

برخی در متن و دعای ویژه مارانتا چنانکه در اول قرن نهم: ۲۲:۱۶ و در ترجمه یونانی مکاشفه ۲۰:۱۷ و ۲۲:۲۰ می یابیم پیش زمینه این دعا را می بینند که می توان آن «دعای طلب مسیح» نامید. خاطر نشان سازیم که از واژه «بیا» استفاده شده است و همچنین اینکه حتی هنگامی که روح القدس را دعوت می نمائیم و درخواست می کنیم که روح القدس فرستاده شود، برای به انجام رسیدن نجات که مسیح آن را عطا نمود و برای به کمال

رسانیدن آن و نیز برای حضور مسیح در جماعت ایمانداران این درخواست انجام می‌گردد و این نکته حائز اهمیت است زیرا به پیوستن لشکر آسمانها به پرستندگان زمینی مربوط می‌گردد. این خداوند جلال یافته است که اکنون در صورت باد (*en pneumati*) به فعالیت می‌پردازد. این مسیح جلال یافته است که از طریق کار روح القدس در میان جماعت خدا حاضر می‌شود، و روح القدس است که در ما (*koinonia*) همراه با خداوند از طریق شراکت ما در هدایای مقدس کار می‌کند تا آنکه ما بتوانیم شکرگزاری خود را از طریق مسیح، در او و با او و در اتحاد با روح القدس به کمال رسانیده، به خدای پدر تقدیم نماییم و به شکل بدن روحانی مسیح که پر از روح القدس است در خدمت روحانی (*diaconia*) به بشریت و در انتظار ظهور ثانوی مسیح (*parousia*) زیست نمائیم.

این همه ما را به سوی دعای طلب روح القدس در سنت سریانی شرق یعنی نیایش رسولی حضرت آدای و ماری هدایت می‌نماید که در آن اشتیاق برای «آمدن» روح القدس را می‌بینیم. دعای مخصوص قربانی مقدس که در اشکال قدیمی خود فاقد روایت بنیانگذاری است، اگر قدیمی تر نباشد از قرن چهارم جدیدتر نیست. تفاوت اساسی آن با دعای طلب روح القدس منسوب به هیپولیتوس آن است که نویسنده مورد اخیر، آن را برای موقعیت تعیین اسقفان ترتیب داده است، در حالی که اولی از یک جامعه زنده و پویا ریشه گرفته است. این نیایش با نیایش به شیوه مارونی، که به نام سومین نیایش حضرت پطرس یا *sharar* معروف است، وجوه اشتراک زیادی دارد. مقایسه ای میان این دو ما را قادر می‌سازد تا نیایش مشترکی را ترتیب دهیم. *sharar* نیز واژه «آمدن» را در دعای طلب روح القدس خود به کار می‌برد: بنابراین هر دوی آنها به طریقی با ریشه های اشکال قدیمی تر دعاهای طلب روح القدس مربوط می‌شوند. این دعا در نیایش حضرت آدای و ماری چنین است:

ای خداوند، باشد که روح القدس تو آمده بر این هدایا که خادمان تو تقدیم نموده اند
 قرار گیرد و آنها را تقدیس نموده و متبارک فرماید تا برای بخشایش گناهان ما از سوی
 تو مقبول گردد و گناهان ما آمرزیده شود و ما به امید عظیم رستخیز از مردگان دست یافته
 و در ملکوت آسمان با همه آنانی که در حضور اقدس تو می‌ایستند، زیست نمائیم.

این دعای طلب نیز همانند دعای هیپولیتوس پس از یادآوری (*anamnesis*) قرار گرفته است. مخاطب این دعا در نسخه هیپولیتوس خدای پدر است، اما در نیایش آدای و ماری این مخاطب به نظر می‌رسد مسیح باشد. اگر این تعبیر درست باشد دعای طلب روح القدس در آدای و ماری در مقایسه با نمونه هیپولیتوس دارای ویژگی «تقدیسی» کمتری می‌باشد یعنی از این جنبه که در آن به تقدیس هدایا و تبدیل آنها به خون و جسم

مسیح اشاره ای نشده است. البته در حضور مسیح، یک ایمان کامل و درخشان وجود دارد، اما آنچه که مورد تأکید قرار گرفته آن است که با نزول روح القدس ثمرات این نیایش، این یادبود، ضیافت با حضور خداوند جلال یافته، به بخشایش گناهان و آمرزش خطایا منجر گردیده و امید رستاخیز و زندگی نوین در آسمان را نوید می دهد.

۲-۱. دعای تقدیس، در نوشته سیریل اهل اورشلیم

اولین شهادت آشکار درباره «دعای طلب روح القدس تقدیسی» در Mystogical Catecheses (تعلیمات زاهدانه) اسقف سیریل اهل اورشلیم (۳۸۶ میلادی) یافت می شود. در همین جا در اولین از این پنج سخنرانی او به افراد تازه تعمید یافته می گوید: نان و شراب قربانی مقدس پیش از طلب حضور تثلیث اقدس تنها نان و شراب ساده بودند، در حالی که پس از آن، نان به جسم مسیح و شراب به خون مسیح بدل می گردد. او در تعلیم پنجم خود با وضوح بیشتری درباره دعای طلب روح القدس در بحث دعای قربانی مقدس سخن گفته می نویسد:

بنابراین، با تقدیس خویشتن با این سرودهای آسمانی ما از خدا درخواست می نمائیم که به خاطر محبت خود به انسانها، روح القدس را فرستاده بر این هدایا که به او تقدیم می شود قرار دهد، تا آنکه نان را به جسم مسیح و شراب را به خون مسیح تبدیل نماید، زیرا هر آنچه روح القدس لمس نماید تقدیس شده و متبدل می گردد. اگرچه قسمت آخر این نقل قول به نظر می رسد به معنای یک دعای ویژه «تقدیسی» باشد، ولی متن اول در اصل بر این نکته تأکید می نماید که کلیت دعای قربانی مقدس از ویژگی تقدیسی برخوردار است. آنچه ما در متن سیریل درباره دعای قربانی مقدس نمی یابیم همانا احضار یا دعوت روح القدس است یعنی دعای جمعی طلب روح القدس. اما در اینجا نه از روایت بنیانگذاری و نه از یادآوری در آموزشهای دینی وی خبری نیست. آیا این بدان معناست که این دو قسمت نیایشی در زمان و محل زندگی او وجود نداشته است؟ به زعم ما، اندیشه سیریل بر ارائه جزئیات مفصلی از تفسیر هر یک از عناصر آیین نیایشی، معطوف نبوده است. به نظر می رسد آنچه که مورد تأکید وی بوده، لزوم دعا برای روح القدس است تا عناصر قربانی مقدس را تبدیل نماید. اما در این نوشته به وضوح به اینکه این دعا با چه کلماتی و در چه لحظه ای از آیین نیایش باید گفته شود، نشده و حتی به انکار این حقیقت که ما باید برای نزول و قرار گرفتن روح القدس بر جماعت دعا کنیم، اشاره ای نشده است. بنابراین احتمالاً باید نتیجه گرفت که سیریل اهل اورشلیم شهادی بر اهمیت جنبه تقدیسی، دعای طلب روح القدس است.

۳-۱. دعای دوگانه طلب روح القدس، در سنت شرق

در همان حدود زمانی و یا کمی بعد از آن در حدود سال ۳۸۰ میلادی، به نخستین نمونه دعای طلب روح القدس در آیین نیایش سریانی در انطاکیه، که دقیقاً با روایت رسولان همگام است، برمی خوریم که هشت قسمت آن شامل یک آیین نیایش مفصل و دقیق است. این دعا پس از روایت بنیانگذاری و قسمت یادآوری قرار گرفته و چنین است:

ای خدایی که نیازمند هیچ کس و هیچ چیز نیستی، ما از تو درخواست می نمائیم که بر این هدایایی که به تو تقدیم شده نظر لطف بیفکنی و آنها را از ما به نام پرجلال مسیح پذیرفته، روح القدس خود را بفرستی تا بر این هدایا که نشانه ای از رنجهای خداوند ما عیسی است، قرار بگیری. تا آنکه او این نان را به بدن و این جام را به خون مسیح تو تبدیل گرداند، تا آنکه همه کسانی که در این خوان شرکت دارند بر ضعف قوت یافته، آمرزش گناهان را به دست آورده، از شریر و وسوسه های او رهایی یابند، و از روح القدس پر شده، شایسته مسیح تو بگردند و حیات جاودانی را پس از آشتی با تو ای خدای قادر مطلق بیابند.

این دعا درخواست می نماید تا هدایا و نیز شرکت کنندگان به قوت روح القدس متبدل شوند. یا بهتر بگوییم: ما از خداوند درخواست می نمائیم که روح القدس خود را بر هدایا بفرستد تا آنکه روح اعلام نماید که نان و شراب حقیقتاً به بدن و خون مسیح تبدیل شده است تا ما که در آنها شراکت داریم ثمرات قوت در ضعف، بخشایش گناهان، مصالحه و حیات جاوید را بیابیم. بنابراین یک دعای دوگانه طلب روح القدس وجود دارد، یک دعای طلب با دو مفهوم، لیکن توجه به مفهوم اصلی آن هنوز بر مبنای بدن روحانی مسیح معطوف است.

این نوع دعای طلب روح که پس از روایت بنیانگذاری قرائت می شود، وضعیت کلی کلیساهای شرق را که از نمونه آیین نیایشی انطاکیه تبعیت می نمایند، روشن می نماید. ما همین نمونه ها را در نیایشهای قدیسی چون یوحنا کریزوستوم، بازیل، یعقوب، و رسولان دوازده گانه نیز می یابیم. مفهوم «تقدیسی» این دعای دوگانه که پس از روایت بنیانگذاری قرار دارد بعدها تنها پس از بحث و گفتگو با غربیان مورد تأکید واقع شد.

در خانواده نیایشهای اسکندریه ای، می توان دو دعای طلب روح القدس یافت، که یکی پیش و دیگری پس از روایت بنیانگذاری قرار دارد. در آنچه که به آیین نیایش سراپیون، اسقف تمبوس (مصر) موسوم است، و تاریخ آن به ۳۵۰ میلادی نسبت داده می شود، دعای ذیل را که از دعای تقدیس برگرفته شده می بینیم:

آسمان از جلال تو مملو است و زمین نیز، ای خدای قوتها و قدرتها. این قربانی را نیز از قوت خویش و شراکت خود پارساز، زیرا این قربانی زنده، این قربانی بدون خونریزی را به تو تقدیم می داریم.

پس از روایت بنیانگذاری دعای «تقدیسی» دیگری نیز وجود دارد که قسمت کوچکی از آن جنبه شفاعتی دارد:

ای خدای راستی، کلمه مقدس خود را بر این نان بفرست تا آنکه این نان به جسم و کلمه تو بدل شود، و بر این جام نیز تا این جام نیز به خون راستی تبدیل گردد، و ببخشای که همه شرکت کنندگان داروی زندگی را برای شفای هر قسم بیماری دریافت نمایند و در فضیلت و راستی ترقی نمایند، از لعنت دور باشند، و در داوری و تقصیر، ای خدای حقیقت، یافت نشوند.

در این نمونه‌ها هیچ اشاره واضحی در مورد روح القدس وجود ندارد. متن اول از قدرت خدا و از شراکت یا مشارکت او صحبت می‌نماید. دعای دوم که همزمان برای شرکت کنندگان درخواست تقدیس می‌نماید نیز درباره آمدن کلمه (Logos) سخن می‌گوید.

سند چند قسمتی «پاپیروس بالیزه» که متعلق به قرن ششم است حاوی یک دعای مفصل و جامع طلب روح القدس پس از قسمت تقدیس (sanctus) است.

ما را از جلال حضور خود لبریز ساز و روح القدس خود را بفرست تا بر این مخلوقات تو قرار گرفته، این نان را به جسم (خداوند) ما و این جام را نیز به خون خداوند بدل سازد و همچنانکه ذرات این نان که بر کوهها و دره‌ها و دشتها پراکنده بود، به یکدیگر پیوسته یک بدن واحد گردید، و این شراب نیز که از تاک داود برآمده، و این آب نیز که از بره بی‌عیب جاری است، با یکدیگر ممزوج شده و به یک راز بدل گردیدند، کلیسای جامع تو نیز باز آید و متحد گردد.

این دعای طلب، در حقیقت، نه فقط به روشنی از جنبه تقدیسی برخوردار است، بلکه حتی هنوز پیش از روایت بنیانگذاری با کلماتی که از «دیداکه» الهام گرفته شده، درخواست می‌نماید که کلیسا جمع گردیده، متحد شود. پس از یک یادآوری مختصر و فشرده قطعاتی از خطوط مختلف بر روی پاپیروس، پیش از دعای دوم که آخرین سرود پرستشی را معرفی می‌کند، محو شده‌اند. این دعای طلب روح القدس در آن حد که به دست ما رسیده است، تنها برای تقدیس و تبرک شرکت کنندگان درخواست می‌نماید.

نهایتاً شکل نهایی نیایش مرقس منسوب به قرن سیزدهم نیز شامل یک دعای طلب روح القدس است که پس از قسمت تمجید قرار گرفته و از خدا درخواست می‌نماید که «این قربانی را به برکات نزول روح القدس خود متبارک فرما»، لیکن این نمونه به هدف خود از درخواست نزول روح القدس اشاره‌ای نمی‌کند. دعای طلب دوم پس از یادآوری که سرود تمجیدی را ارائه می‌کند، مفصل و به شرح ذیل ادامه می‌یابد:

و ما از تو، که نیکو هستی و انسان را دوست می‌داری، درخواست می‌نمایم و دعا می‌کنیم، که از آغوش پدرانه و پرمهر خود، روح القدس را که خداوند و بخشنده حیات

است و از شریعت تو و از دهان انبیاء و رسولان تو سخن گفته است و در همه جا حاضر بوده و همه چیز را پر می‌سازد، که از توانایی خویش و نه چون یک غلام هر که را بخواهد تقدیس می‌فرماید تا رضایت خاطر تو فراهم آید، که در سرشت یگانه و در اعمال بیکرانه و بی‌پایان است، چشمهٔ برکات بی‌پایان آسمانی و هم سرشت با تو و در تخت جلال با تو و با پسر یگانهٔ تو خداوند و نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح در ملکوت شراکت دارد، بفرستی تا بر ما و بر این قرصهای نان و این جام، قرار گرفته آنها را تقدیس نماید، کامل گرداند و به جسم و خون عهد جدید سرور و خداوند و نجات دهنده و پادشاه تمامی جهان عیسی مسیح تبدیل نماید، تا برای ما که در آنها شراکت می‌نمائیم به جهت ایمان، آرامی دل و شفا، و برای تجدید روح، جسم و جان ما، و برای زیستن در حیات جاوید و جاودانگی، و برای جلال نام مقدس، و برای بخشایش گناهان مفید گردد، تا از این راه نام اقدس و متبارک و پر جلال تو تقدیس کرده شود و همراه با پسر یگانهٔ تو و روح القدس جلال یابد.

این دعای دوم به روشنی درخواست می‌نماید که نان و شراب به بدن و خون پسر خدا، مسیح، بدل می‌شود، اما با این هدف که شرکت کنندگان از اثرات این مراسم مقدس بهره‌مند گردند. جالب توجه است که دعای طلب روح القدس به لحن تمجید کننده می‌گراید: این بدن روحانی مسیح است که به روح القدس زنده شده و می‌تواند خدا را به کمال، جلال دهد.

در حالی که به نظر می‌رسد سند پاپیروس بالیزه تمایل به تغییر دادن دعای اول به دعای تقدیس دارد، نیایش موسوم به مرقس در جهت دیگری گام بر می‌دارد، و به دعای دوم حالت تقدیسی بیشتری می‌بخشد که با کلمات «تقدیس نما»، «کامل گردان»، «تبدیل کن» بیان گردیده‌اند. همچنین این تغییر حالت از نقطه نظر وضوح دادن به لحظهٔ تقدیس حائز اهمیت فراوان است.

۲. دعای طلب نزول روح القدس: استخوان بندی تعمق؟

۲-۱. اهمیت دعوت یا احضار روح القدس در سنت شرق

می‌توان ادعا کرد که دعوت از روح القدس به عنوان برگزار کنندهٔ قربانی مقدس، همانند رازها و آیین‌های دیگر کلیسایی، برای مسیحیان شرقی اهمیت فراوانی دارد. روح، به مثابهٔ چشمهٔ جوشان محبت الهی خدای پدر چنان که در خدای پسر آشکار گردیده است. حیات الهی را با خلقت به شراکت گذارده و آن را به سوی کمال پیش می‌برد. از این رو همهٔ دعاها از دید مسیحیان شرقی در واقع گونه‌ای دعای طلب روح هستند، حتی وقتی که شامل زمان

است و از شریعت تو و از دهان انبیاء و رسولان تو سخن گفته است و در همه جا حاضر بوده و همه چیز را پر می‌سازد، که از توانایی خویش و نه چون یک غلام هر که را بخواهد تقدیس می‌فرماید تا رضایت خاطر تو فراهم آید، که در سرشت یگانه و در اعمال بیکرانه و بی‌پایان است، چشمهٔ برکات بی‌پایان آسمانی و هم سرشت با تو و در تخت جلال با تو و با پسر یگانهٔ تو خداوند و نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح در ملکوت شراکت دارد، بفرستی تا بر ما و بر این قرصهای نان و این جام، قرار گرفته آنها را تقدیس نماید، کامل گرداند و به جسم و خون عهد جدید سرور و خداوند و نجات دهنده و پادشاه تمامی جهان عیسی مسیح تبدیل نماید، تا برای ما که در آنها شراکت می‌نمائیم به جهت ایمان، آرامی دل و شفا، و برای تجدید روح، جسم و جان ما، و برای زیستن در حیات جاوید و جاودانگی، و برای جلال نام مقدس، و برای بخشایش گناهان مفید گردد، تا از این راه نام اقدس و متبارک و پر جلال تو تقدیس کرده شود و همراه با پسر یگانهٔ تو و روح القدس جلال یابد.

این دعای دوم به روشنی درخواست می‌نماید که نان و شراب به بدن و خون پسر خدا، مسیح، بدل می‌شود، اما با این هدف که شرکت کنندگان از اثرات این مراسم مقدس بهره‌مند گردند. جالب توجه است که دعای طلب روح القدس به لحن تمجید کننده می‌گراید: این بدن روحانی مسیح است که به روح القدس زنده شده و می‌تواند خدا را به کمال، جلال دهد.

در حالی که به نظر می‌رسد سند پاپیروس بالیزه تمایل به تغییر دادن دعای اول به دعای تقدیس دارد، نیایش موسوم به مرقس در جهت دیگری گام بر می‌دارد، و به دعای دوم حالت تقدیسی بیشتری می‌بخشد که با کلمات «تقدیس نما»، «کامل گردان»، «تبدیل کن» بیان گردیده‌اند. همچنین این تغییر حالت از نقطه نظر وضوح دادن به لحظهٔ تقدیس حائز اهمیت فراوان است.

۲. دعای طلب نزول روح القدس: استخوان بندی تعمق؟

۲-۱. اهمیت دعوت یا احضار روح القدس در سنت شرق

می‌توان ادعا کرد که دعوت از روح القدس به عنوان برگزار کنندهٔ قربانی مقدس، همانند رازها و آیین‌های دیگر کلیسایی، برای مسیحیان شرقی اهمیت فراوانی دارد. روح، به مثابهٔ چشمهٔ جوشان محبت الهی خدای پدر چنان که در خدای پسر آشکار گردیده است. حیات الهی را با خلقت به شراکت گذارده و آن را به سوی کمال پیش می‌برد. از این رو همهٔ دعاها از دید مسیحیان شرقی در واقع گونه‌ای دعای طلب روح هستند، حتی وقتی که شامل زمان

سؤال اساسی که ذهن الهیدانان قرون وسطی را به خود مشغول ساخته بود این بود که: چگونه می‌توانیم حضور واقعی خداوند را در نیایش قربانی مقدس درک نمائیم؟ انسان دیگر نمی‌توانست راه تفکر نمادگرایانه پدران کلیسا را درک نماید و با تناقض نماد و واقعیت روبه‌رو بود. از آنجایی که مسیح خود فرموده بود «این بدن من است، این خون من است» نمی‌توان از حضوری صرفاً نمادین سخن گفت، بلکه باید به حضوری واقعی، فیزیکی، و ملموس ایمان داشته باشیم. با این همه، مشکل آن است که ما به درک فیزیکی نان و شرب کفایت می‌کنیم. راه حل آنان برای این مسئله آموزه *transubstantiation* (تبدیل فیزیکی) بود: در طول مراسم قربانی مقدس تبدیل خارق العاده‌ای به شکل تغییر درونی نمادهای نان و شراب به عناصر واقعی خون و بدن مسیح اتفاق می‌افتد، در حالی که ظاهر نان و شراب همچنان بی‌تغییر باقی می‌ماند. پرستش بعدی طبعاً این بود: چه وقت این تغییر یا به اصطلاح تقدیس رخ می‌دهد؟ و پاسخ چنین بود: در زمان قرائت روایت بنیانگذاری. این لحظه به عنوان لحظه مقدس، شناخته شد و به این ترتیب ایمانداران روایت بنیانگذاری را با خود تقدیس اشتباه گرفتند. این لحظه سپس در اواخر قرن دوازدهم با برافراشتن نمادها مورد تأکید شدیدتر واقع شد و بعدها نیز در نیایش کاتولیک رومی با چاپ کلمات روایت بنیانگذاری و کلمات تقدیس با حروف درشت‌تر مورد توجه بیشتری قرار گرفت. تمرکز بر روی سودآوری ویژه موهومی درباره نمادهای رازآمیز به ایجاد وضعیتی با حداقل شرایط لازم برای تضمین این سودآوری نمادها منجر گردید. به این ترتیب ایماندار به این باور موهوم دست یافت که برای اعتبار و سلامت نیایشی قربانی مقدس کافی است که کشیش به دلیل خدمت خاص خود کلمات روایت بنیانگذاری را بر نان و شراب به طریقی متفاوت و معتبر بیان نماید: "*prout gerit personam Christi*"[†]. در این لحظه حضور (*realis praesentia*) به *ex opere operato* منتقل می‌شود. واضح است که چنین رویه برخوردی به تهی شدن همه چیز از معنا منجر می‌شود.

۲-۳. علل اصلی نتایج ناشی از جدال بر سر دعای طلب روح القدس

دعای طلب روح القدس در مجادلات آتشین توسط فوتیوس در قرن نهم و یا توسط مایکل سرولاریوس در قرن یازدهم در مرکز توجه قرار نداشت. اما در قرن چهاردهم بعضی مبشرین غربی که تحت تعالیم غربی (اسکولاستیک = مدرسه‌ای) درباره قربانی مقدس رشد کرده بودند، در حین حضورشان در شرق، متوجه ارزش تقدیسی خاصی که به دعای طلب نزول روح در شرق داده می‌شد گردیدند. هنگام برخورد با این بدعت نیکولاس کاباسیلاس (۱۳۹۰-۱۳۲۰) و سپس شمعون اهل تسالونیک (۱۹۲۹+) از مواضع

شرق در این باره دفاع نمودند. کاباسیلاس با این عقیده غربیان که دعای کشیش و تکرار کلمات روایت بنیانگذاری دعای طلب روح القدس را تحت الشعاع قرار می‌دهد، و نیاز مطلق به این دعا را از بین می‌برد، به مخالفت برخاست. او بی‌رحمانه به شیوه نگرش غربی حمله کرد. اما بازخوانی حاصل کار او نشان می‌دهد که این به معنای آن نیست که کاباسیلاس ارزش روایت بنیانگذاری و کلمات آن را نفی کرده است. برای او نیز کلمات روایت بنیانگذاری از نظر جنبه تقدیسی اهمیت دارند، زیرا این کلمات یک بار برای همیشه در شام آخر بیان شده‌اند. اما این کلمات بایستی اینجا و اکنون در دعوت و احضار و دعا کاربرد پیدا کنند. به زبان ساده تر هنگامی که کشیش کلمات دعای طلب روح القدس را بر زبان می‌راند تقدیس کامل می‌گردد.

شرایط تاریخی و قالبهای تفکر فلسفی متفاوت عرصه را بر هر دو سوی جدال در آن دوران تنگ کرده بود. مسیحیان غربی با تأکید بیش از حد خود و تقریباً به حاشیه راندن روایت بنیانگذاری با این ایده که سخنان خود مسیح، کلماتی که توسط کشیش به نام مسیح و به فرمان او بر زبان رانده می‌شوند، برای درک تقدیس ناکافی جلوه می‌کنند به بحران رسیدند. مسیحیان شرقی نیز با ایده درک دوگانه خود از نظام آیین قربانی مقدس و اینکه اعلام روایت بنیانگذاری توسط کشیش، تبدیل نان و شراب به جسم و خون مسیح را نشان داده و آشکار می‌سازد، دچار بحران شده بودند. آنها این اعتقاد را به نوعی، انکار جنبه ایمانی و ارزش دعا در قربانی مقدس تلقی نمودند، در حالیکه کلیسا با دعوت خدا به این شکل، از طریق قدرت او، و به مدد روح القدس، هدایا را کامل نموده و تبدیل آنها به جسم و خون مسیح را اعلام می‌نماید.

به طور خلاصه به نظر می‌رسد که از دید غربیان تنها کلمات روایت بنیانگذاری و برای شرقیان تنها دعای طلب روح القدس برای تقدیس کافی به نظر می‌رسند، که تبدیل نان و شراب به خون و بدن مسیح را نشان می‌دهد. بنابراین از هر دو سو افراد فراموش می‌کنند که تمامیت دعای قربانی مقدس، علاوه بر دعای ستایش و شکرگزاری، اهمیت دیگر نیز به عنوان دعوت خداوند برای کامل کردن هدایا و تبدیل آنها به جسم و خون مسیح و پذیرش آنها و تغییر وجود ما که از آنها بهره‌مند می‌شود به بدن روحانی و زنده مسیح بر روی زمین، دارد. به طور خاص جنبه اخیر از دست رفته و تمامی توجه به خود رویداد منتقل گشته و به لحظه تقدیس اهمیت داده شده است، لیکن شخص ایماندار به طور کامل این دیدگاه را که نه فقط در سنت شرق بلکه حتی در تفکر اولیه غربیان نیز، دعای طلب روح القدس کاملاً و بطور دقیق به گروه شرکت کنندگان معطوف است، از دست داده است.

۳- باز کشف اهمیت «دعای طلب جمعی روح القدس»

تحقیقات نیایشی - تاریخی و الهیاتی در کنار گفتگوهای بین‌الکلیسایی مسائل متعددی را آشکار ساخته است. اکنون که بحث به پایان رسیده و به طور خاص یگانگی دعای قربانی مقدس همچون لزوم مرتبط بودن این دعا با مشارکت از سوی کلیه جماعت برگزارکننده پذیرفته و کشف شده است، آیین نیایشی کاتولیک رم تنها می‌تواند از این نظر بررسی شود که نه در دعای دعوت از روح القدس، نه در دعای تبدیل هدایا و نه حتی در دعای تبدیل و آماده سازی جماعت، وضوح و روشنی ندارد. بنابراین چنانکه در مقدمه بیان کردیم، هنگامی که دستورالعمل عمومی نیایشی کاتولیک رم هردوی این دعاها را یک دعای طلب نزول روح القدس یگانه به حساب آورد گام مهمی به جلو برداشته شد و مخصوصاً وقتی که دعاهای نوین قربانی مقدس در آن آیین نیایش به وضوح از روح القدس نام می‌برند این اهمیت آشکارتر می‌گردد.

دعای طلب روح القدس مخصوص جماعت که در آیین‌های نیایشی کهن مانند نیایش آدای و ماری و نمونه هیپولیتوس وجود داشته است، گنجی با ارزش بوده است. از این رو مسیحیان غربی آموختند تا در دعای دوم قربانی مقدس، که تطبیقی از آیین نیایش هیپولیتوس است، چنین دعا کنند: «باشد که همه ما که در بدن و خون مسیح شراکت می‌یابیم در روح القدس به اتحاد با یکدیگر برسیم». در سومین نیایش چنین دعا می‌کنیم: «و همچنانکه این هدایای مقدس را در حضور ذات اقدس تو می‌خوریم و می‌آشامیم، ما را با رحمت و برکات آسمانی پراساخته، با بدن و خون پسر عزیز خود ما را خوراک بده، تا ما در شباهت او رشد نموده و به مدد روح تو یگانه بگردیم، و معبد زنده جلال مقدس تو باشیم». این کشف دوباره دعای جمعی طلب روح القدس راههای نوینی را در بازتاب دادن مفهوم نیایش قربانی مقدس در کلیسای غربی گشود، تا آنجا که اکنون در سطح جهانی هیچ کس درگیر مسئله «لحظه تقدیس» نیست.

حائز اهمیت است که مفهوم این دعای طلب نزول روح را در آموزشهای دینی خود چنان شرح و بسط دهیم که ایمانداران به درک و تجربه راز حضور خداوند در نیایش قربانی مقدس نائل گردند، به طوری که به شناسایی ما از خداوند منجر گردد، که از طریق زندگی در لباس یک خادم برای نجات همگان از طریق رنج، مرگ، رستاخیز و صعود عمل کرد و اکنون نزد پدر در آسمان زنده است. همان روح که او را زنده گردانید، از همانجا ما را دعوت نموده، تقویت خواهد کرد و ما را به بدن کامل مسیح پیوند خواهد زد و یک خواهد گردانید، ما را که به کلیسا خوانده شده و کثیر و بیشتر خواهیم شد و این راز را با دریافت قربانی مقدس ملموس تر و زنده تر تجربه خواهیم نمود. به این دلیل است که

روح القدس نه فقط هنگامی که گردهم می‌آییم تا راز ایمان را به شکرگزاری و ستایش برگزار نماییم، باید نان و شراب را به بدن و خون مسیح تبدیل نماید، بلکه حتی به طور خاص ما را نیز تغییر داده متبدل سازد تا به رازگاه نجات جهانیان تبدیل گردیم. روح القدس که همه چیز را به ما تعلیم داده، همه آنچه را که عیسی فرمود به یاد ما خواهد آورد (یو ۱۴:۲۶) ما را به نیایش راستین، یادآوری راز فصیح و رستاخیز مسیح هدایت خواهد نمود و به مثابه قدرت کامل کننده‌ای که از بالا نازل می‌شود، ما را برای خدمت راستین، که در حقیقت نتیجه کامل شدن این نیایش است، قوت خواهد بخشید.

۴- مسئله دعای منشعب شده

مطالعه‌ای که در پیش رو دارید ممکن است این سؤال را به وجود آورد که آیا بهتر نبود یک دعا وجود می‌داشت که در حقیقت شامل درخواست ما برای تبدیل نمادهای نان و شراب به بدن و خون مسیح و حضور رازآمیز خداوند در میان ما باشد، که البته چنین دعایی به وضوح در عمل تبدیل ما به بدن روحانی مسیح زنده و متحد، توسط روح القدس تقویت گردد. این جنبه باید به عنوان تکامل مرحله بعدی دعای «دوگانه طلب روح القدس» که آن را در فرم نیایشی انطاکیه‌ای می‌یابیم بررسی گردد.

هنگامی که اولین دعاهای جدید قربانی مقدس در سال ۱۹۶۸ پذیرفته و به کار گرفته شد، ایمانداران سعی در تطبیق آن با نظام نیایشی کاتولیک رومی اصلاح شده داشتند (دعای قربانی مقدس اول) که شامل دعایی دو قسمتی بود (اگرچه بدون استفاده از نام روح القدس) از این رو نه فقط یک قسمت تمجیدی بلکه حتی یک دعای تقدیسی نیز قبل از روایت بنیانگذاری به دعای دوم طلب روح القدس افزوده گردید که بر اساس نظام نیایش هیپولیتوس ترتیب یافته بود، در حالی که این دعا تنها یک دعای طلب روح القدس جمعی داشت که پس از روایت بنیانگذاری قرائت می‌گردید. همین روش برای دعای سوم قربانی مقدس به کار گرفته شد که از نوع دعاهای نظام نیایشی گل (Goul) است. انجمن تصمیم‌گیری که مسوول ترتیب دادن دعاهای نوین برای قربانی مقدس بود نیز قصد داشت یکی از انواع دعاهای شرقی را برگزیند. برنارد بوت ترجمه لاتینی از آیین نیایش قدیس بازیل که از مکتب نیایشی اسکندریه ریشه می‌گرفت، و هنوز هم در مراسم روزانه کاتولیک‌های قبطی و در یونان و بین قبطی‌ها به زبان یونانی و قبطی استفاده می‌شود و مورد قبول رم قرار گرفته است، فراهم کرد. ترجمه بوت مورد استقبال اغلب اعضای این انجمن قرار گرفت. این دعا فاقد دعای طلب روح القدس قبل از روایت بنیانگذاری است، اما یک دعای دو قسمتی پس از این روایت بنیانگذاری دارد: زیرا

قطعاً کسی نمی‌تواند جای دعای طلب روح القدس را در نیایش مورد استفاده در حال حاضر تغییر دهد و از سوی دیگر استفاده آن به همین شکل می‌توانست در کلیساهای کاتولیک مسئله ساز باشد، پس تصمیم گرفته شد که دست کم به شکل: *pro tempore dilata* آن را رد کنند. به زبان ساده تر، در آن زمان یعنی در سال ۱۹۶۸، به دلیل پس زمینه تاریخی بحث و جدل در مورد لحظه خاص تقدیس، بدون مخالفت با نتایج بررسیهای الهیاتی و تاریخی - نیایشی، و پیشرفت گفتگوهای بین‌کلیسایی کسی نمی‌توانست یک دعای واحد را بپذیرد، که در عین حال که هم تقدیس و تبرک و تبدیل قربانیهای نان و شراب و هم تقدیس جماعت را در برمی‌گیرد، پس از روایت بنیانگذاری قرار گرفته باشد. متن جدید بر اساس نیایش انطاکیه ترتیب داده شد، که دعای طلب آن بیش از روایت بنیانگذاری قرار داشت: دعای چهارم مخصوص قربانی مقدس که در نیایش امروزی کاتولیک رومی یافت می‌شود. سؤال ما این است که آیا به دلایلی خاص مقامات روحانی در سال ۱۹۶۸ نتوانسته‌اند با این متن تطابق کنند و یا آنکه زمان مناسب آن فرا نرسیده است که دست کم در برخی موارد این دعای زیبا، «یک نمونه شریف و کامل از سنت شرقی»، در کلیسای غرب مورد استفاده قرار گیرد؟

زمانی که همه مسیحیان دعوت از روح القدس را بیاموزند و یاد بگیرند که زندگی در اثر قدمهای خداوند، خداوندی که راز رستاخیز او را در برگزاری قربانی مقدس به یاد می‌آوریم، تنها با *in virtute spiritus sancti* (از راه روح القدس مبارک) ممکن خواهد شد، زمان آن فرا رسیده است که نه فقط بپرسیم چگونه باید درباره روح سخن گفت، بلکه اینکه چگونه باید به بهترین وجه در دعاهای خود و برگزاری رازها، به طور خاص در برگزاری یادآوری قربانی مقدس، روح را احضار یا دعوت نمائیم. پس این دعا باید هم سو با کهن ترین سنتها دستخوش دگرگونی و وسعت بیشتری شده و احساسات زمان حال را در نظر بگیرد. بنابراین باید توافق نمائیم که هر دو جنبه دعای طلب روح القدس می‌تواند به شیوه بهتری در یک دعا ادغام شود که بر ثمرات روحانی نیایش تأکید خواهد داشت. دعای دوگانه طلب روح القدس به نظر می‌رسد که کار روح القدس را تقسیم نموده است، که یکی مربوط به تقدیس و دیگری مربوط به ثمرات روحانی در زندگی جماعت مشارکت کننده است، و بر روایت بنیانگذاری به عنوان «لحظه تقدیس»، تأکید می‌نماید.

به مجرد باز کشف جنبه تقدیسی در کل دعای قربانی مقدس، بحث و جدل بر سر اینکه کلمات روایت بنیانگذاری یا دعای طلب روح القدس کدامیک نشانه لحظه تقدیس هستند، بیهوده به نظر خواهد رسید. و در نتیجه وضوح لحظه دعوت روح القدس در طول نیایش چندان اهمیتی ندارد. بلکه این حقیقت از اهمیت برخوردار خواهد شد که ما به

وضوح از پاراکلیت (روح مدافع) دعوت می‌کنیم تا حضور داشته باشد. بازکشف دعای طلب روح القدس جماعت همچنین به درک و کشف دوباره حقیقت اتحاد میان روح القدس و مشارکت منجر گردیده است. اما این بدان معنا نیست که در زمان قرائت روایت بنیانگذاری ما نان را می‌شکنیم و در قربانی مقدس مشارکت می‌نمائیم. این دو جنبه مهم و اساسی قربانی مقدس، در لحظه مخصوص دیگری حالت نیایشی به خود می‌گیرد. در طول مشارکت ما همچنین به راه بیان ایمان خود در حضور واقعی خود خداوند دست می‌یابیم. با این همه در بسیاری از کلیساهای غربی، نقش روایت بنیانگذاری تا حد لحظه خاص تقدیس (*le moment supreme*) ادامه یافته و بر آن تأکید می‌شود، که با اعمالی نظیر برافراشتن، به صدا درآوردن ناقوس، سوزاندن بخور، زانو زدن سرپرست، ایستادن همراه با جماعت در این لحظه خاص و غیره نشان داده می‌شود. به این ترتیب گاهی اوقات فاصله زیادی میان دیدگاه و عمل به وجود می‌آید. بنابراین آموزش پیوسته نیایش و نکات دینی آن بنظر می‌رسد ضرورت داشته باشد. برای این آموزش دینی تأکید بر دیدگاههای مطرح در آیین‌ها و سنتهای نیایشی مختلف مسیحی مفید به نظر می‌رسند.

Josef Lamberts,
Ephrem's Theological Journal,
October 1998, Vol.2, No.2, P.99-115

۵

انسان شناسی الهیاتی

در قربانی مقدس سریانی - مالاباری

(۱) مقدمه

این مقاله به کوششی فروتنانه در جهت بررسی و نتیجه گیری‌هایی دربارهٔ عناصر انسان شناسی الهیاتی قربانی مقدس و آیین نیایش سریانی مالاباری می‌پردازد. امید است که در آینده افراد دیگری این موضوع را به گونه‌ای سیستماتیک و عمیق‌گسترش دهند. ما از متن انگلیسی ترتیبی برای نیایش با شکوه و مقدس در کلیسای سریانی-مالاباری به عنوان پایه و اساس این مطالعه استفاده کرده‌ایم. به طور کلی می‌توان گفت که این نگرش انسان شناسی در آیین نیایشی فوق، با الهیات، مسیح شناسی، ماوراء الطبیعه، الهیات تثلیثی، نجات شناسی و کیهان شناسی در هم آمیخته است.

(۲) روایی در پوست گردو

بحث خود را ترجیحاً با قسمت انتهای متن آغاز می‌کنیم، چنین آغازی «از راست به چپ» به شکلی غیرطبیعی و برای هم نوایی با طبیعت سامی آیین نیایشی برگزیده نشده است، بلکه دلیل ارتباط چنین گزینشی ارتباط موضوعی آن است. بنابراین بیائید از منظر نتایج و برکات نهایی آن، *huttama*، به آیین نیایشی بنگریم. سه نوع از این دعاها شناخته شده است که یکی از آنها به روزهای یکشنبه و روزهای جشن، و دوتای دیگر به روزهای معمولی اختصاص یافته‌اند.

دعای برکت یکشنبه‌ها با تأکید بر این حقیقت آغاز می‌شود که خدا «ما را با برکات آسمانی و عطایا از طریق خداوند ما عیسی مسیح پر ساخته و مبارک فرموده است». در اینجا ما با تصویری موجز و خلاصه شده از تمامیت انسان شناسی قربانی مقدس، روبه‌رو هستیم، که ارتباط عمیق و اساسی آن را با حلقهٔ سه گانهٔ مقدس نشان می‌دهد، زیرا هر دعا دارای سه عنصر اساسی است که عبارتند از: **الف**) شیوهٔ فعالیت خدای پدر را که منبع و سرچشمهٔ اصلی عمل نجات بخش است که در ما کار می‌کند بیان می‌نماید؛ او فاعل مختار است، او که ما را برکت می‌دهد؛ **ب**) دعا بر نقش شفاعت و میانجیگری مسیح تأکید می‌نماید؛ نجاتی (عطایای روحانی) که خدا در ما به عمل می‌آورد، او این نجات را از طریق عیسی مسیح به انجام می‌رساند؛ **ج**) دعا، عمل نجات بخش خدا را در اعطای

هدیه های خدا می بیند که همان عطایای روح القدس و حتی خود روح القدس هستند. ارزشمندترین هدیه خدا قبل از هر چیز بخشش وجود خود اوست که همان روح خدا باشد. از این روست که عیسی به ما می گوید: «اگر شما ... می دانید که باید هدیه نیکو را به فرزندان خود بدهید، چقدر زیادتربدر آسمانی شما، روح القدس را به آنان که از او بخواهند عطا خواهد کرد» (لو ۱۱:۱۳؛ ر.ک. غلا ۳:۱۴). دریافتن و اعتراف به این حقیقت که خدا از طریق مسیح ما را با برکتهای روحانی تقدیس و مبارک فرموده است، به کار نجات بخش او دلالت می کند که برطبق نبوت یوئیل (۲:۲۸) به بارش فیض روح القدس در همه افراد منجر گردید. در روز پنطیکاست (عید پنجاهه) رسولان به واسطه روح القدس که عیسی به آنها عطا کرد، الهام یافتند (ر.ک. اع ۲:۳۳).

این دعا سپس با روایت آنچه که عیسی برای ما انجام داد پایان می یابد: او ما را به ملکوت خود و به جلال خویش دعوت نموده است. او ما را به شادی بی زوال و بی پایانی دعوت نموده است. این باور، بر اساس متن دعا با حقیقت تعالیم مسیح درباره نان حیات کاملاً مربوط است (یو ۶:۵۴-۵۶).

قسمت دوم دعا درخواست برکت برای جماعت است. در این قسمت این حقیقت که انسانها با شراکت در رازهای مسیح به سرچشمه شادی دست می یابند، مورد تأکید قرار گرفته است. این موضوع بازتاب واقعی ارزش شراکت فعال در رازهای نیایشی را آشکار می سازد که به نوبه خود منجر به ظهور شادمانی در شرکت کننده می گردد. قربانی مقدس برگزاری شادمانه رازهای مسیح را ارائه می نماید. دعای فوق شامل این درخواست است که شرکت کنندگان «با نشان صلیب مسیح مهر شده و از همه وسوسه های آشکار و پنهان شیطان رها گردند». دعای برکت با ترسیم نشان صلیب بر جماعت تمام می شود. صلیب همانند سپری در نظر گرفته می شود که انسان را از هر گونه خطر اعم از درونی و بیرونی محافظت نموده در امان نگه می دارد. این مفهوم تمام جنبه های روح، ذهن و جسم انسانی را دربرمی گیرد.

یکی از انواع دعای برکت در روزهای عادی هفته شامل درخواست شادمانی آینده ما در حضور فرشتگان از یک سو و طلب رحمت و فیض مسیح برای تمام جهان، از سوی دیگر است. این حقیقت بار دیگر سرشت مقدس بینش روحانی آیین نیایشی قربانی مقدس سریانی را آشکار می سازد.

نوع دوم دعای برکت پرستش و ستایش مسیح، به خاطر بخشش خطایای ما از طریق جسم او و دور انداختن گناه ما از طریق خون او را شامل می شود. این نکته به طور خلاصه تمامیت آموزش مسیح و کار او را برای ما بیان می نماید. دعای برکت جماعت را

«گله‌آغل او» می‌نامد که کشیش، رحمت و فیض مسیح و دست حفاظت، یعنی دست راست خدا را بر جماعت می‌طلبید. رابطه بین مسیح و قوم خدا در اینجا به زیبایی تمام به شکل رابطه گوسفند و شبان ارائه می‌گردد که خود تصویری برگرفته از کتاب مقدس است (یو ۱۰:۱۸-۱۸). این ذهنیت، همچنین در برگزاری دعاها و سرود قبل از تقدیس روزهای یکشنبه و روزهای جشن («ما قوم تو و گله مرتع تو») و دعای برکت مخصوص مذبح بخور («مغفرت گناهان قوم خود را عطا فرما») تکرار می‌گردد. در آیین سلام، ما بار دیگر با همین موضوع، در طول سوزاندن بخور، روبه‌رو می‌شویم. این دعا خدا را به عنوان «شبان نیکو که به جستجوی ما برآمد و ما را هنگامی که گم شده بودیم یافت» معرفی می‌کند. در هر سه موضع تمامیت سه گانه مقدس به عنوان شبان معرفی می‌شود.

نظرگاهی که خدا را همچون شبان و قوم خدا را چون گوسفند در نظر می‌گیرد، تصویر جامعه‌ای را ارائه می‌دهد که در تجربه یگانه و همسانی تحت رهبری و هدایت یک شبان شراکت دارد. همه از حالت و ارزش روحانی یکسانی برخوردارند. در اینجا، در سطح تجربه عملی، تصویر بسیار روشن و قاطع و کاملی از قانون اتحاد منافع و نگرش جمع‌گرایانه در دست داریم. روشن است که بر پایه همین شیوه ادراک جمع‌گرایانه است که تمامی دعاها توسط یک فرد واحد خواه سرپرست اصلی و خواه هر یک از دیگر مسؤولان نیایش، هدایت می‌شوند. دعای فردی سرپرست به عنوان دعای جماعت در نظر گرفته می‌شود، او به نمایندگی تمامی جماعت، دعا می‌کند. این حقیقت در پاسخ جماعت به دعای سرپرستان نیایش که قبل از گهانتای سوم و در واقع پیش از روایت تأسیس قرار گرفته، به روشنی بیان می‌گردد. پاسخ جماعت چنین است: «باشد که مسیح... با این قربانی که شما... به نمایندگی از طرف ما و از سوی تمامی جهان تقدیم می‌کنید خشنود گردد». این موضوع همچنین دلیلی بر تقاضای سرپرست اصلی از جماعت برای دعا برای خود اوست، (دعای انفرادی) و در اینجا او به نمایندگی همه کشیشها عمل می‌کند. این قانون واسطه شدن و نمایندگی اصلی‌ترین قاعده ایمان مسیحی به شمار می‌رود. این قانون نمودی از رابطه مستحکم خانوادگی است که هر عضو کلیسا را با بقیه جماعت و با یکدیگر مرتبط نموده پیوند می‌دهد. بدون چنین ارتباط عمیقی، نمی‌توانیم از ثمرات کار نجات بخش مسیح، آدم دوم، بهره‌مند شویم. در مقابله با چنین زمینه فکری، پولس رسول اثر دعای هر فرد را بر جماعت مورد تأکید قرار می‌دهد (روم ۵:۱۵-۱۹).

۳- رؤیای مقدس

قربانی مقدس از نقطه نظر تقدس و دیدگاه عمومی حائز اهمیت است که در سطوح مختلف و از جنبه‌های گوناگونی به شرح زیر بیان می‌گردد:

الف) کیهان‌شناسی - از جنبه کیهان‌شناسی نظرگاه تقدس در قالب دعا‌هایی متجلی می‌شود که جماعت را متشکل از فرشتگان و آدمیان به حساب می‌آورند. دعای خداوند که هم در آغاز نیایش و هم در انتهای آن خوانده می‌شود فرشتگان و انسانها را نشان می‌دهد که در حال پرستش آواز خود را بلند کرده پیوسته می‌گویند: «قدوس، قدوس، قدوس» و نام خدا را جلال می‌دهند. در دعای قبل از سرود تقدیس مخصوص روزهای یکشنبه و روزهای عادی با این کلمات به این موضوع اشاره می‌شود: «ما، قوم تو... با خیل (هزاران) کروبیانی که هملویاه می‌سرایند و همراه با دهها هزار فرشته‌ای که قدوس‌گویان تو را می‌سرایند، زانو زده... تو را جلال می‌دهیم».

در جشنهای خداوند ما، دعا به این ترتیب ادامه می‌یابد: «در برابر مذبح جلال مهیب تو و در برابر تخت کبریایی تو... که در آنجا کروبیان... بی‌وقفه هملویاه می‌خوانند، و سرافین پیوسته تو را با سرود قدوس جلال می‌دهند، ما با ترس و لرز و خوف عظمت تو، تو را پرستش می‌نمائیم». در سرود رازها در طول آماده کردن هدایای قربانی (نان و شراب) ایمانداران چنین می‌سرایند: «جسم مسیح و خون مقدس او بر مذبح قرار دارد. باشد که ما همه با احترام و محبت به او نزدیک شده... و... او را با جماعت فرشتگان تمجید نمائیم: قدوس، قدوس، قدوس، خداوند». مجدداً در دعای سرپرست (*kussapa*) که بلافاصله پیش از نیایش اصلی خوانده می‌شود، ما درخواست می‌نمائیم که خداوند عیسی مسیح ما را شایسته سرود خواندن و پرستش او «در جماعت فرشتگان او» بگرداند.

بدون تردید با چنین پس‌زمینه و اندیشه‌ای است که سرپرست کلمات اشعیای نبی را از رؤیای او درباره تخت خدا (اش ۵:۶) تکرار می‌کند: «وای بر من که هلاک شده‌ام زیرا... چشمان من یهوه صباوت پادشاه را دیده‌ام،... ای خداوند... لبهای ما را طاهر ساز و صدای ضعیف و عجز بشری را... با پرستش فرشتگان و سرافین در هم بیامیز...». سپس کشیش ادامه می‌دهد: «و همراه با این لشکر آسمانی، ای خداوند ما نیز تو را می‌ستائیم». این جمله افتتاحیه گهانتا درست قبل از اولین کلمات روایت بنیانگذاری، ایده اساسی شراکت ما، که هنوز در زمین زیست می‌کنیم، را در نیایش آسمانی بیان نموده آشکار می‌سازد. این نکته به خوبی و به وضوح در دعای جماعت در پاسخ به سرپرست، پس از انجام تقسیم و تقدیم عناصر قربانی، دیده می‌شود: «خادمان او که اراده او را به انجام می‌رسانند یعنی کروبیان، سرافین و فرشتگان در برابر مذبح با احترام و ترس می‌ایستند و کشیش را که بدن مسیح را پاره می‌کند می‌نگرند».

این اعتقاد که فرشتگان نیز در نیایش ما حضور دارند، نمونه زیبایی از دیدگاه هماهنگی در آیین نیایش سریانی - مالاباری به دست می‌دهد. به همین ترتیب دعای جماعت پس از

نیایش قربانی مقدس نیز از جایگاهی که برای فرشتگان در این نیایش در نظر گرفته شده، و از دیدگاه عمیق آن سخن می‌گوید. مخاطب این دعا مسیح است و در آن از مسیح درخواست می‌شود که همگی ما را برای ملاقات با او آماده و شایسته نماید تا با اعتماد به ظهور و حضور او، همراه با فرشتگان و سرپرست، پرستش خود را به او تقدیم داریم.

دعای برکت پایانی که توسط کشیش خوانده می‌شود، در روزهای عادی همانند همین دعا می‌باشد. دعای برکت با درخواست ما از عیسی مسیح خداوند آغاز می‌شود که او «ما را همراه با فرشتگان او ... شایسته جلال ملکوت خود بگرداند». این عقیده که ما حقیقتاً در نیایش زمینی به همراه فرشتگان شراکت داریم، متعاقباً در دعای کشیش برای روزهای یکشنبه و روزهای عادی، پس از نیایش قربان مقدس مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این دعا خداوند را به خاطر آنکه سرشت ضعیف و ناتوان ما را شایسته «تقدیس نام او به همراه فرشتگان» نموده است سپاس می‌گوئیم. بنابراین ترتیب فضای داخلی کلیسا شامل مذبح، قربانگاه، و محل ایستادن جماعت که نشانه آسمان، زمین و تپه جلیلتا هستند این دیدگاه و ادراک عمیق را بدون استفاده از کلمات بیان می‌نماید.

تصاویر و صحنه‌های بعدی دیدگاه جمع‌گرایانه و باریک بین آیین نیایش سریانی-مالاباری را به همراه درک عمیق آفرینش خدا به عنوان عملی زاینده اتحاد و هماهنگی به ظهور می‌رسانند. امروزه ممکن است کسانی وجود فرشتگان را انکار نمایند، هرچند که متون مقدس و سنت کلیسا وجود آن را تعلیم می‌دهند. نظرگاه ما در اینجا پیش از هر چیز دفاع از واقعی بودن فرشتگان یا هر موجودیت روحانی دیگر نیست، بلکه هدف ما نشان دادن دیدگاه نیایشی و الهیاتی سریانی-مالاباری درباره وحدت تمامی جهان و شراکت و فعالیت نظام فرشتگان در آن است، چنانکه شورای اول واتیکان در تعلیم خود درباره آفرینش در نظامنامه جزمی *Dei Filius* از آن سخن گفته است. از آنجایی که تمامی جهان خلقت توسط خدای واحد سه‌گانه آفریده شده است، همه پدیده‌ها اعم از مادی و روحانی، در یک ریشه واحد مشترکند. از نقطه نظر هدف شناسی نیز می‌توان گفت که میان این دو جنبه رابطه و پیوندی عمیق وجود دارد، زیرا هدف نهایی همه چیز، خداست. در این ارتباط، سخن گفتن از وحدتی در سطح بستر تاریخ نیز به هیچ وجه خارج شدن از موضوع نیست، بلکه برعکس قابل دفاع و تضمین شده است. کتاب مقدس شواهد فراوانی از چنین دیدگاه درک خود از تاریخ نجات به دست می‌دهد.

تیلار دوشاردن و کارل راینر نظریه انسان‌شناسی و مسیح‌شناسی خود را بر بستر همین دیدگاه کتاب مقدسی، الهیاتی درباره وحدت تمامی آفرینش بسط و گسترش داده‌اند. البته، این وحدت همچنین شامل اتحاد با «تمامی مقدسین» که در آسمان هستند نیز

می شود. این موضوع در دعای سرپرست پیش از انجام قربانی مقدس و درخواست فیض «که ما که با بدن و خون مسیح متحد می شویم ... باشد که همراه با مقدسین در ظهور پرجلال و عظیم او بدرخشیم» و همچنین دعای او برای فیض «تا آنکه ما بتوانیم ثمرات جلال خدا را با همه مقدسین در ملکوت او به عمل آوریم»، دیده و تأکید می شود. به همین شکل دعاها سرپرست پس از قربانی مقدس، از تمجید و جلال مسیح توسط ما همراه با عادلان که اراده او را به عمل می آورند و تحقق می بخشند و همراه با دزد نیکو در فردوس، سخن می گوید. در اینجا جامعه ای را می بینم که از انسانها در روی زمین، مقدسین و فرشتگان در آسمان تشکیل شده است که همه با هم در پرستش و ستایش خدا متحد هستند.

ب) نجات شناسی - دیدگاه جمع گرای قربانی مقدس، همچنین در سطح نجات شناسی به ظهور می رسد. نجات به عنوان واقعه ای که تمامیت زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و به جنبه های مختلف زندگی او مربوط می شود، شناخته شده است.

نجاتی که توسط مسیح اعطا می شود، عبارت از تقدیس تمامیت وجود انسان یعنی روح و ذهن و جسم او می باشد. چنین دیدگاه قدسی از انسان در ابعاد جسمانی و روحانی وجود او، در بسیاری از دعاها قربانی مقدس، دیده می شود. تفسیر انجیل (Turgama) تصویری دقیق و عالی از این حقیقت است. قرائت یک قسمت کوچک از کلام خدا که در آن شرح مختصری از کار نجات بخش مسیح یافت می شود: «او بیماران را شفا داده، مردگان را برخیزانید، دیوها را بیرون کرد و مرگ را شکست داد». گهائنتای سوم همگام با یادآوری تجسم کلمه، این حقیقت را آشکار می سازد که «او کاملاً یک انسان شد که دارای روح عقلانی ... و بدنی فناپذیر بود». یکبار دیگر در دعای ستایش با احترام کشیش به همراه گروه همسرایان چنین می سرایند: «روح نازل شده و از اعلی علیین بدن و خون مسیح را تقدیس می کند». پس از دعای اصلی «ای پدر ما» سرپرست برای روزهای عید و جشنهای خداوند دعا می کند که ایمانداران قدرت بیابند تا آنکه «آنان بتوانند رازهای رهایی بخش را که روح و جسم آنها را تقدیس می نمایند به درستی برگزار نمایند». دعای جماعت پس از قربانی مقدس در روزهای جشن شامل درخواست به شرح ذیل از خداوند می گردد: «بدنهایی را که بدن زنده تو را خورده اند برای حیات تازه، از تو تازه فرما». درواقع، دعای فوق تماماً از دستها، لبها، گوشها، چشمها، زبانها، پاها و بالآخره از بدنی سخن می گوید که هر یک به روش خود، در قربانی مقدس، شرکت کرده اند. به روشی مشابه، دعای مقدمه پیش از دومین «ای پدر ما» از زبانها، حالت کلی بدن، دهان و همچنین لبها سخن به میان می آورد.

سرود خداوند برخاسته، به این حقیقت اعتراف می کند که ما او را جلال داده، ستایش می نمائیم زیرا او جانهای ما را حیات و روحهای ما را نجات می بخشد. کاملاً به روشی مشابه، دعای سرپرست پیش از قرائت رساله در روزهای یکشنبه و روزهای عادی و جشنها شامل درخواست ذیل است «عطا فرما ... به ما که گردهم آمده ایم ... ثمرات محبت و امید و نجات را، که برای بدنها و روحهای ما مفیدند».

دعای سرپرست پیش از برداشتن انجیل از خوان مقدس، نمای متحد ذهن-جسم را به شیوه ای مشابه بازتاب می دهد که ناظر بر کار مسیح در مقام نجات دهنده است. به عنوان شرح مختصری از روایت اعمال نجات بخش او، این عمل نشانگر درک مقدسانه وجود انسان و ارتباط آن با نجات است. دعا چنین ادامه می یابد: «ای مسیح ... تو خود را در جسم انسانی همانند ما ظاهر ساخته و با نور انجیل خود تاریکی ذهن ما را به روشنایی بدل ساختی». در ترجمه ای که هم اکنون از انجیل ارائه شده خادمان ایمانداران را دعوت می کنند: «بیائید و کلماتی را بشنوید که جسم را شفا داده و روح را نجات می بخشد». اخیراً در نور حاصل از تفتیش و بررسی نگره کتاب مقدسی، شفای انسان و سلامتی به مثابه جنبه ای مهم از نجات در نظر گرفته می شود.

صحبت درباره شفای جسمی همراه با زندگی روح، از ارزش بیانی فوق العاده ای در تشریح انسان شناسی قربانی مقدس سریانی-مالابار برخوردار است. این نکته همچنین در اولین *karozutha*، که شماس برای سلامتی پاپ دعا می نماید، و در دعای *kussapa* توسط سرپرست «برای همه ماتمیان و کسانی که رنج می کشند و همه فقرا و ضعفا، همه بیماران و کسانی که ذهناً رنج می برند» نیز دیده می شود. دعای سرپرست پس از انجام قربانی مقدس همین دیدگاه را در ابعاد جسمانی انسان ارائه می نماید، با این تفاوت که در اینجا نگاه معطوف به رهایی از لعنت است. این دعا از مسیح درخواست می کند تا اجازه ندهد که بدن و خون او «به داوری و مجازات ما و ضعف و سستی ما» مبدل شود. مقصود قسمت آخر این دعا به وضوح روشن است یعنی، قربانی مقدس که بدون قداست کامل برگزار شود تأثیر معکوس خود را بر جسم و روح نشان خواهد داد (ر.ک. ۱-قرن ۱۱: ۲۷-۳۰).

قسمت *karozutha* که شماس برگزار می کند و دعاهای آن «برای هوای خوب، محصول خوب و فراوانی میوه ها و خوشبختی تمام جهان» و «برای صلح و ثبات و هماهنگی جهان و تمام کلیساها» نیز مثالهای دیگری از این نگرش هستند. نگره مشابهی در دعاهای خادم «برای زندگی ما و برای صلح جهانی و برای سال جدید و برکت و فراوانی آن» دیده می شود. در مقابل این نگرش تقدس جهان، همچنین مفهوم و ارزشی برای «روزه، دعا و

صفای دل» برای دستیابی به رضای خاطر مسیح و پدر او و روح القدس در دعاها مستتر است. تصویر «ضیافت سلام شاهانه و جشن آن» و اینکه ما به عنوان «میهمانان» آن در نظر گرفته می شویم و در ضیافت «داماد آسمانی» شرکت داریم، نشانی از جنبه های اجتماعی و جسمی نجات دارد. جنبه های مادی (زمینی) و روحانی انسان، بدین ترتیب در اعمال خادم و درخواست او برای برافراشتن صداها و پرستش خدای زنده جلوه گر می شوند. انسان می باید به جسم و ذهن خدا را پرستش نماید. تأکید بر در نظر گرفتن وظیفه دشوار کهنانتی کشیش «در ذهنها و قلبها» باز هم نمونه دیگری از ابعاد مختلف نگرش تقدس درباره انسان را جلوه گر می نماید، زیرا او از هر دو جنبه احساسی و عقلانی مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین دعای سرپرست در آغاز عمل تقسیم و تقدیم، حاوی جنبه ای از جمع گرایی دو وجه زمینی و روحانی است که در آن او برای اتحاد «کشیش و صاحبان قدرت» دعا می کند. در قالب دعای کهن هندی برای نجات که از غیرواقعی بودن به سمت ملموس بودن، از تاریکی به نور، و از مرگ به فناپذیری هدایت می نماید در آیین نیایش اعلان خاصی داریم که انجام عمل نجات را توسط مسیح و ارتباط آن را با تمامی وجوه زندگی ما مورد تأکید قرار می دهد. بنابراین، کشیش در دعای خود پس از عمل تقدیم و تقسیم ما را دعوت می نماید تا در ذهن خود به یاد آوریم که مسیح با احکام حیاتبخش خود، و با جنبه تقدس خویش «ما را از خطاها به دریافت حقیقت کامل رهبری نموده است». عبارت «دانایی حقیقت» (دانش راستی) به متون عهد جدید برمی گردد و در اول تیموتائوس ۲:۴ و عبرانیان ۱۰:۲۶ به کار رفته و در آنجا معنای این عبارت حقیقت (*epignosis*) مسیح است که با مفهوم تقریباً فلسفی داشتن (*gnosis*) که توسط گنوستیها به کار برده می شد تفاوت عمده ای دارد. چنانکه در دعای *karozutha* فوق الذکر اشاره می شود، ما به حقیقتی که بتوان آن را به طرزی ساده انگارانه غیرشخصی نامید هدایت نشده ایم، بلکه به حقیقتی نجات بخش که کاملاً شخصی است و مسیح نام دارد. به همین ترتیب روشن شدن «تاریکی ذهن ما در نور انجیل» توسط مسیح که «نور جهان و حیات همه» است نیز یکی از جنبه های نجات به شمار می رود.

مطابق تفسیر انجیل سرایش گروه همسرایان از نجات ما از گناهان توسط مسیح خبر می دهد. مفهوم نجات با تعبیر گذر «از مرگ به حیات جاودانی» در دعای برکت یکشنبه که هم اکنون از آن سخن گفتیم در ارتباط با وعده مسیح، ارائه می شود. این نکته در دعای سرپرست بلافاصله پس از عمل برافراشتن و در پاسخ جماعت به این دعا مورد تأکید قرار می گیرد. همه ابعاد مختلف نجات همچنین در دعای سرپرست پس از روایت بنیانگذاری نیز مورد تأکید قرار می گیرد. این روایت مثال زنده و تکان دهنده ای از الطاف مسیح را در

حق ما نشان می دهد. این قسمت اعلام شادمانه این حقیقت است که مسیح انسانیت ما را از طریق سرشت الهی خود زنده گردانیده، ما را که سقوط کرده ایم، برخیزانید، و از مرگ به جاودانگی هدایت نموده، گناهان و خطایای ما را آمرزیده ما را عادل گردانید، ذهنهای ما را روشن ساخته، دشمنان ما را شکست داد و سرشت ضعیف ما را پیروزی بخشید.

رویاری با سرشت ضعیف و ناتوان انسان موضوع تکرار شونده (بندگردان) قربانی مقدس است. در روزهای یکشنبه و در اعیاد، دعای تقدیس که توسط سرپرست در آغاز نیایش برگزار می شود، شامل این درک فروتنانه است: «به رحمتهای خود، ای خداوند من، تو ما را برغم حقارت و سرشت ضعیفمان رهایی بخشیده ای، و لایق دانستی که اعضای کلیسای جامع و مقدس تو به حساب آییم». به همین ترتیب در آغاز نیایش آدای و ماری دعای افتتاح اولین گهانتا شامل کلماتی تشکرآمیز خطاب به خداست: «اگرچه ما گناهکار و ضعیف هستیم، تو ای خداوند، از راه رحمت خویش ما را شایسته گردانیده ای تا برگزار کننده بدن و خون مسیح تو باشیم». تأکید بر ضعف سرشت انسانی در قسمت سلام این نیایش و در دعای پس از آن و نیز در قسمت انتهایی گهانتای چهارم مجدداً تکرار می گردد. دعای پیش از دعای برکت شامل تشکر از خداست به خاطر آنکه سرشت ناتوان و ضعیف ما را شایسته گردانیده است تا با فرشتگان نام او را بسرائیم و جلال دهیم.

ج) از دیدگاه روحانی - در قربانی مقدس به عنصر دیگری در ارتباط با دیدگاه این نیایش در مورد کلیسا برمی خوریم. در دعاهای سرپرست بلافاصله قبل از «سرود خداوند برخاسته» و پس از دعای طلب روح القدس، کلیسا به عنوان مکانی ممتاز و «جایگاه» مناسبی معرفی می شود که در آن می توان خدا را جلال داد و شکرگزاری و سپاس را به او تقدیم نمود. در این جا دیدگاه اجتماعی و بعد جامعه شناسی وجود انسان در نظر گرفته می شود. ما قبل از هر چیز یک خانواده هستیم که خداوند دعوت نموده تا در روح القدس شراکت داشته باشیم، و خداوند با آنان عهدی در خون پسر خویش استوار نموده است. به عنوان افراد مجزا ما قادر نیستیم جلال و پرستش راستین را به خدا تقدیم کنیم. بلکه برعکس ما این نقش را در یک جامعه که کلیسا نامیده می شود به انجام می رسانیم. آیین نیایش برگزاری جمعی این نقش است و بنابراین دعاها بازتاب این نگرش جمع گرا می باشند. بنابراین ما در آیین نیایشی موجود با قانون ایمان نیقیه - قسطنطنیه که بجای به اصطلاح قانون ایمان رسولان (که حاوی اعتراف انفرادی ایمان در آیین نیایشی کاتولیک رومی در نماز تعمید است) در اینجا قرار گرفته است.

کلیسا و به اقتدار دست گذاری یک اسقف است که یک کشیش اجازه می یابد تا به نمایندگی اسقف مراسم نیایش را برگزار نماید. این واقعیت مهم درباره آیین نیایش به کمک اصول توافق بر سر منصب کشیشی، چنانکه در دعای کشیش پس از نماز تقدیس با این کلمات بیان می شود: «جلال بر تو باد، ای خداوند ما مسیح، زیرا اگر چه نالایق هستم، به فیض خود مرا برگزیده ای تا واسطه ای در برگزاری رازهای آسمانی و مقدس ... باشم»، به روشنی بیان شده است. این به آن معناست که هیچ منصب کشیشی خود-برگزیده وجود ندارد و تمام مناصب بایستی توسط سلسله مراتب اقتدار تأیید شده باشند. در این کلمات دعای تقدیس در روزهای یکشنبه و اعیاد نیز به این نکته اشاره می گردد: «و از راه فیض روح القدس ... و از طریق برکت گذاردن دستها نظام کشیشی برقرار می گردد». سنت دستگذاری به روشنی بر تقدس نظام تأیید شده توسط اسقف اشاره می نماید. بنابراین کشیش مجاز نیست که آیین نیایش و رازهای مقدس را به عنوان بازیچه احساسات شخصی و الهیات خود ساخته خویش به کار برد، و نظام ها و فرامین صادره از اقتدارهای روحانی بالاتر از خود را نادیده انگارد.

همچنین شایان توجه است که دعای دستگذاری در پایان به «قومی که تو برای خویشتن برگزیده ای» اشاره می کند. این عبارت به موقعیت کهناتی قوم خدا اشاره دارد، چنانکه در اول پطرس ۲: ۹ از «قبیله برگزیده، کهنات ملوکانه، امت مقدس، قومی که ملک خاص خدا است» صحبت می کند. از این روست که چنانکه در دعای سرپرست پیش از نیایش قربانی مقدس می بینیم، آنها مقدس خوانده می شوند: «چیزهای مقدس از آن مقدسین است». در واقع این نشان می دهد که دعای دستگذاری پس از شرح چگونگی منصب کشیشی، همچنین از مردمی سخن می گوید که در این خدمت شراکت داشته و به واسطه تعمید یافتن در مسیح به کهنات فراخوانده شده اند. چنین نگرشی که ایمانداران را به مثابه کاهنان و قوم برگزیده خدا در نظر می گیرد، در بطن خود، کار کرد عملی و سالم مجموعه به هم پیوسته جامعه شناسی الهی را می پرورد که در متن نیایش کلیسای سریانی-مالاباری شاهد هستیم.

این کلیساها تا پیش از ورود پرتغالیها، به شکل خودمختار اداره می شدند، که وظایف تصمیم گیری در مسائل مهم از جمله انتخاب سرپرستان جماعت، انتخاب کاندیداهای منصب کشیشی و غیره را به صورت تصمیم گیری داخلی به انجام می رساندند. امیدهایی وجود دارد که تصمیم های اتخاذ شده بر اساس الگوهای منطبق بر مجموعه اصول کلیسای شرق (۱۹۹۰) به حفظ اصول اولیه سنتهای همان جامعه خودمختار و احترام حقوق ایمانداران منجر گردد، همچنانکه در سنتهای کلیساهای پیرو تومای رسول مرسوم بوده است.

واژه‌آمین که پاسخ مؤمنین به کلمات کشیش در روایت بنیانگذاری است در زمینه کهنانت تمامی جماعت درک می‌شده. این واژه همچنین به صورتی کنایی به نقش فعال جماعت در تمام پرستش اشاره می‌نماید، این مطلب بدان معناست که کشیش تنها سرپرست و یا عضو منحصر به فرد مؤثر در نیایش قربانی مقدس نیست، بلکه تنها نماینده‌ای رسمی و به این ترتیب رهبر جماعت است. او به نمایندگی جماعت عمل می‌نماید، همچنانکه در دعای جماعت و نیز خادم اشاره می‌شود: «باشد که مسیح از این قربانی که به واسطه تو گذرانده می‌شود و تو از سوی خود و ما و از سوی تمام جهان آن را می‌گذرانی، خوشنود گردد». وضع و موقعیت او لزوماً با دیگران تفاوتی ندارد، اگرچه او به طور خاص برای خدمت برگزیده شده و تقدیس این اقتدار را به او بخشیده است. یگانگی کشیش و جماعت نیز در ایستادن کشیش در همان جهت ایستادن جماعت یعنی رو به سمت شرق، مورد تأکید نمادین قرار می‌گیرد. این نکته که همه ما - کشیش و تمامی جماعت - رو به اورشلیم آسمانی ایستاده‌ایم، نشانی از حقیقتی دارد و آن اینکه ما در انتظار بازگشت پر جلال ثانوی (*parousia*) مسیح، که خورشید تمامی عالم است، هستیم. این استقبال همراه با انتظار در دعای مهیا کردن قربانی مقدس مورد اشاره قرار می‌گیرد («تا زمان بازگشت ثانوی از آسمان»). به طور سنتی کلیساهای پیرو تومای قدیس به این دلیل رو به شرق ساخته شده‌اند.

در این ارتباط باید خاطر نشان نمود که سرایش مانتراهای گیابتری در هند سابقه‌ای طولانی و ریشه‌های عمیقی دارد، که رو به سمت شرق در حالی که به خورشید در حال طلوع می‌نگرند انجام می‌شود. بسیار جالب و در عین حال متناقض به نظر می‌رسد که بعضی از مدافعین تداخل فرهنگها در برابر باقی ماندن این سنت هندی و شرقی ایستادن رو به شرق بسیار بیشتر از دیگران واکنش و مقاومت نشان می‌دهند و در برابر حضور این سنت در آیین نیایشی سریانی حساسیت دارند. برخی افراد ممکن است ایستادن رو به شرق را تنها مختص جماعت دانسته و از رو کردن کشیش به جماعت دفاع کنند.

آیا این نشانه نوعی بوروکراسی روحانیتی نیست؟ و آیا منجر به ایجاد احساس خود کم بینی و یا خود بزرگ بینی در میان ایمانداران نخواهد شد؟ ویژگی زائرگونه کلیسا و هم ارزی اساسی منصب روحانی و مردم عادی به بهترین شکلی در این شرایط سنتی و همچنین در رفتار کشیش و طرز استقرار او نشان داده می‌شود و این روش از همه روشهای دیگر و نسبت به آنها بهتر این ویژگی را نشان می‌دهد.

کشیش به هیچ رو مقدس تر از بقیه جماعت نیست (و خود نیز این احساس را دارد) و بنابراین او از جماعت درخواست می‌نماید تا برای خود او دعا کنند تا او قدرت یافته

قربانی را کامل نماید. نقش کشیش چنانکه در دعای مهیا ساختن نیایش دیده می‌شود نقشی واسطه‌گونه است. همین نکته در دعای دستگذاری، جایی که کشیش برای کامل شدن فیض عطا شده به او و دیگر کشیشان و سرپرستهای نیایش و برای جاری شدن برکات خداوند از دستهای آنان دعا می‌کند، نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

اعتقاد به واسطه و وساطت یک موضوع فراگیر در سنت کتاب مقدس است. نجات در تاریخ از طریق واسطه‌ها، تجربه اساسی ایمان در میان قوم برگزیده بوده است، که یهوه از طریق پدران، انبیاء و پادشاهان و واسطه‌هایی که توسط خود او برگزیده می‌شدند، آنها را هدایت می‌نمود. هر چند قدرت چنین واسطه‌های نجاتی از روح القدس است، لیکن خدا انسان را به عنوان وسیله و ابزاری در جهت انتقال پیام و انجام اراده خویش به کار می‌برد. در واقع، هرگونه کارکرد و فعالیت خدا، از طریق عوامل درجه دوم به انجام می‌رسد، تا به شیوه کلامی قابل بیان گردد. توقع دخالت مستقیم و بلاواسطه خدا در هر امری، ناشی از نادیده گرفتن جنبه‌های الهیاتی، انسان‌شناسی و یا انسان‌شناسی الهیاتی قضیه تلقی می‌شود.

اشاره تلویحی دیگری که در سرشت جمع گرایانه آیین نیایش وجود دارد، توسط نقشها و کارکردهای متفاوت و در واقع تقسیم وظایفی که توسط سرپرست، خادم، جماعت و دسته سرایندگان جداگانه انجام می‌شود و هر یک عهده دار قسمت مشخصی از دعاها و اعمال نیایشی خاص هستند، آشکار می‌گردد.

۴. دیدگاه تثلیثی

انسان‌شناسی الهیاتی قربانی مقدس سریانی-مالاباری، به طور خاص در دیدگاه آن در مورد نوع رابطه انسان و خدا به ظهور می‌رسد. ما این نکته را در دو سطح متفاوت، یکی از دید تثلیث به عنوان یک کل واحد، و دیگری از دیدگاه هر یک از اقنوم‌های سه گانه مقدس دریافت و درک می‌کنیم.

الف) تثلیث و انسان - بنیادی ترین رابطه بین خدای سه شخصیتی و انسانها، رابطه بین خالق و مخلوقات او می‌باشد. این موضوع علاوه بر اعتقادنامه، در دعای سرپرست در گهانتای دوم نیز به صورت کلمات ذیل مورد تأکید قرار گرفته است: «تمجید نام پر جلال تو که یک خدا و سه خدا هستی، از هر مخلوقی شایسته است... زیرا که تو جهان را به فیض خویش با همه ساکنان آن آفریدی و مبارک فرمودی». شگفتی محبت خدا آنجاست که او، که قادر مطلق و خالق جهان است، مخلوقات خود را به مثابه شرکای خود می‌پذیرد. دعای انتهایی پس از *Trisagion* (تسییح سه قدوس)، این تجربه

نجات بخش خدای سه شخصیتی را در تمثیل کسی که در میان مقدسین می خرامد و در میان آنان خشنودی خود را باز می یابد، تصویر نموده است.

این شناخت اسرارآمیز حضور قابل لمس خدا در انسانها، عنصر اساسی عهدجدید و انسان شناسی آن را تشکیل می دهد، که مفهوم آن را در کلمات خداوند ما می توان آشکارا دید: «و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده دیگری به شما عطا خواهد کرد که همیشه با شماست یعنی روح راستی ... شما او را می شناسید زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود ... هر که مرا محبت می نماید ... پدر من نیز او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده نزد او مسکن خواهیم گرفت (یو ۱۴: ۱۵-۱۷ و ۲۳). شیوه تفکر پولس درباره انسان به عنوان معبد خدا نیز همین نکته را آشکار می سازد (۱-قرن ۳: ۱۶؛ ۲-قرن ۶: ۱۶؛ روم ۸: ۱۰-۱۱). همین نگرش کتاب مقدسی است که در دعای سرپرست در طول قسمت *karozutha* که توسط خادم پیش از قربانی مقدس برگزار می شود، بازتاب می یابد. ترکیب و ترتیب دعا به این شکل است که ما باید «مذبح های پاک» جلال خدا و «معدهای مقدس» شایسته مسکن گرفتن او باشیم.

احساسات خاصی که از اعمال عجیب خدا در ما از طریق رحمت و محبت او به وجود می آیند، سپاس غیرقابل وصف و پرستش هستند. دعای بعدی این احساسها را نشان می دهد. پس از قرائت مزمور سرپرست در روزهای یادبود چنین دعا می نماید: «ما پیوسته و در تمام زمانها تو را سپاس گفته و نام مقدس و مبارک و غیر قابل وصف سه گانه پر جلال تو را تمجید نموده و نیکویی تو با انسانها را می ستاییم». پس از سوزاندن بخور او چنین دعا می کند: «برای مدد و رحمتهایی که تو به ما عطا می کنی، و ما هرگز قادر نخواهیم بود به جای آن به تو چیزی تقدیم نمائیم، باشد که پیوسته تو را سپاس گفته و در کلیسایت تو را جلال دهیم». بلافاصله پس از روایت بنیانگذاری، دعایی وجود دارد، که همین دیدگاه را باز می تاباند و همه آنچه را که «رحمتها و نیکوییهای عظیم خداست که ما نخواهیم توانست به آنها پاسخ دهیم» به یاد ما می آورد.

رابطه صمیمانه خدا با ما در شکل حضور او در ما با حضور او با ما کامل می شود. ما این حقیقت را در سرایش رازها در طول زمان انتقال، و مهیا نمودن هدایای قربانی مقدس درک می نمائیم. در پاسخ به دعای سرپرست جماعت چنین پاسخ می دهد: «خدای قادر مطلق با ماست، پادشاه ما با ماست، خدای ما با ماست». در این قسمت ما ژرف ترین رازهای تجسم را به یاد می آوریم که در آن و از طریق آن، پسر خدا در میان ما خیمه زد و خیمه خود را با آدمیان بر پا نمود (یو ۱: ۱۴) و «خدا با ما» یا «عمانوئیل» گردید (مت ۱: ۲۳).

قسمت دوم دعای پس از *Trisagion* (تسبیح سه قدوس) و دعای قبل از قرائت رساله در روزهای عادی و یکشنبه‌ها در ایام انابت خدای سه گانه را به عنوان شخصی می‌شناساند که آماده است تا در هر زمان ما را عفو فرماید. تصویری که در اینجا از خدا به دست داده می‌شود از نظر طبیعت خویش پر از رحمت است. برطبق همین تصویر، ما در آیین نیایش دعاهاهایی داریم که پیوسته تکرار شده و درباره رحمت و آمرزش سخن می‌گویند. برای مثال دعای کشیش در طول دعای بزرگ شفاعتی (*kussapa*) پس از روایت بنیانگذاری چنین است: «ای خداوند و ای خدای ما، برطبق رحمت خود و به حسب دولت نیکویی خویش با من و با قوم خویش عمل نما و با ما به حسب گناهان ما و خطاهایمان رفتار مکن». این ایمان محکم به رحمت خدا، اعتماد به نفس لازم برای جستجوی خدا و پدر نامیدن او را چنانکه در آغاز دعای «ای پدر ما...» می‌بینم به ما می‌بخشد.

به این ترتیب خدا رهبری فرزانه و عاقل دیده می‌شود که از خانواده خویش مراقبت می‌نماید، و این موضوع شیوه ادراک پولس را به یاد می‌آورد که ما را «شهروندان آسمانی» می‌نامد که «همراه با مقدسین و اهل بیت ایمان» (افس ۲: ۱۹) فرزندان و وارثان خدا و هم ارث با مسیح هستیم (روم ۸: ۱۶-۱۷). به دلیل همین رابطه خانواده وار است که ایمانداران به صورت ایستاده قربانی مقدس دریافت می‌نمایند و مانند بعضی از آیین‌های دیگر زانو نمی‌زنند. همچنین ایمانداران به عنوان اعضای خانواده خدا (جدا از برگزیدگی به عنوان قوم او و کاهنان ملوکانه) مقدسین خوانده می‌شوند. بنابراین کلمات دعوت کشیش در اجرای قربانی مقدس چنین است «ای خداوند، چیزهای مقدس از آن مقدسین است».

ب) رابطه هر شخص تثلیث با ما : ۱- خدای پدر و ما - قربانی مقدس محبت و رحمت خدای پدر را با شکرگزاری به یاد می‌آورد. او «با ما موافق گناهان ما عمل نمی‌کند» بلکه به رحمت خویش «ما را از قدرت ظلمت‌رهای بخشیده و ما را به ملکوت... خداوند ما عیسی مسیح دعوت نموده است» که پسر محبوب اوست. پیش از برداشتن انجیل از روی محراب، سرپرست با این کلمات رحمت‌های خدا را می‌طلبد: «ای مسیح، که نور جهان و حیات همه هستی، جلال بر رحمت بیکرانه که جاودانه است و تو را تا به ابد برای ما فرستاد. آمین». این موضوع در گهانتای چهارم نیز یادآوری می‌شود. این دعا همچنین شهادتی از انتظار صمیمانه و کوشش برای گسترش راستی در تمام زمین و اعلام این حقیقت است که او که خدای حقیقی است، یعنی خدای پدر، خداوند ما عیسی مسیح، پسر محبوب خود را فرستاده و از طریق او، خدای پدر «قدرت موت را نابود نموده... حیات جاوید و فساد ناپذیر را به ما بخشیده است».

همچنانکه هم اکنون اشاره شد، دعای برکت پایانی در نیایش یکشنبه و در روزهای جشن با اعتراف این حقیقت که او «ما را به همه عطایای روحانی از طریق خداوند ما عیسی مسیح مبارک فرموده است» آغاز می شود. این نکات با الهیات کتاب مقدس مطابقت دارند که نقش خدای پدر را به عنوان آفریننده و سر منشأ نجات ما معرفی می نماید چنانکه در یوحنا ۳: ۱۶ می خوانیم «خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد ... حیات جاوید داشته باشد» و در دوم قرنتیان ۵: ۱۸ نیز می خوانیم «خدا که از طریق عیسی مسیح ما را با خود مصالحه داده است».

۲- خدای پسر و ما - قربانی مقدس حاوی دعاهای بی شماری است که به رابطه ما با پسر اشاره می کنند. در حقیقت این موضوعات پس از حقایق مربوط به تثلیث اقدس در درجه دوم قرار می گیرند.

آغاز آیین نیایش اشاره ای به «حکم مسیح» می نماید که منطق نیایش و علت پاک شدن جماعت را توضیح می دهد. این تأکید بر حکم مسیح «برای برگزاری آیین نیایشی به یاد رنج، مرگ، تدفین و رستاخیز او» بار دیگر در آغاز تقسیم هدایای قربانی تکرار می شود. بلافاصله پس از دعای اصلی «ای پدر ما» دعای برگزار کننده آیین قربانی مقدس در روزهای یکشنبه و اعیاد به دو نکته مهم اعتراف می نماید، اول آنکه رازهای مقدس «از طریق رحمت پسر محبوب تو (خدا) عطا می شوند و دیگر اینکه هدف آن «تجدید حیات و نجات بشر» است. آیین نیایش، بنابراین، تنها یک برگزاری ساده که ما «به حکم مسیح» انجام می دهیم نبوده بلکه برگزاری رازهای مقدس اوست که توسط خود او عطا می شود. اوست که به رحمت خویش کشیشان را به عنوان واسطه ها و برگزارکنندگان رازهای مقدس و الهی خود برمیگزیند و این مراسم برگزار می شود. با توجه به اهداف رازها، در اینجا باید به خاطر داشته باشیم که پیام این برگزاری، ترمیم تصویری است که در اثر گناه انسان از بین رفته است. نجات که توسط مسیح به انجام رسید، این تصویر خدایی را در انسان تجدید نموده و این عمل با دو حقیقت در رابطه نزدیک قرار دارد، اول آنکه مسیح خود تصویر کامل خداست و دوم اینکه انسان با این ویژگی درونی که بتواند تا کاملترین تصویر خدا که در او نهاده شده است و دستمایه آن در وجود او هست، رشد نموده تقویت یابد آفریده شده است. این حرکت به سوی خدا (رو به بالا) در انسان به واسطه گناه از دست رفته است، نجات به تجدید حیات و تازه شدن وجود او منجر می شود که او را تا کاملترین حد نجات بالا می برد و رشد می دهد. ما در این دیدگاه، همچنین اشاره ای به رابطه درونی بین انسان و مسیح (مسیح و سرشت

انسان) می‌یابیم. در اینجا ما ارتباط و وحدت بین مسیح‌شناسی، انسان‌شناسی و الهیات را نیز درمی‌یابیم. به این معنا، باید به یاد داشته باشیم که بر طبق گفته ک. رایتر «مسیح‌شناسی شروع و پایان انسان‌شناسی است» و این انسان‌شناسی در بنیادی نوین واقعیت خود الهیات خوانده می‌شود».

واقعیت مسیح بنا بر این، اساساً در ارتباط با انسان و نجات او مطرح می‌شود، که به کاملترین شکل رابطهٔ پسر و ما را تشریح می‌نماید. این به عنوان مثال در دعای دستگذاری (یکشنبه و روزهای جشن) در این کلمات آشکار می‌شود که می‌گوید ما گوسفندان گلهٔ خدا به واسطهٔ «رنج گرانبها»ی مسیح او نجات یافته‌ایم. ما همچنین گوسفندان گلهٔ مسیح نامیده می‌شویم و بنابراین دعای حمایت و طلب حفاظت دست راست او برای ما ارزش و معنا می‌یابد. همچنین دعای مخصوص آماده‌سازی هدایای قربانی نیز به قربانی نجات بخش مسیح اشاره می‌نماید: «باشد که مسیح که برای نجات ما قربانی شد ... این قربانی را بپذیرد». در این دعا همچنین به تصویر جامعه‌ای که منتظر بازگشت ثانوی خداوند است، برمی‌خوریم. از نگاه این «روز داوری» است که سرپرست امیدوار است و با «اعتماد به نفس» پیش روی مسیح آمده است، زیرا می‌داند که این اوست که سرپرست راشایستهٔ برگزاری جسم و خون مسیح می‌گرداند.

بنابراین مسیح به عنوان «سلامتی همهٔ آنان که در آسمان مسکن دارند و امید بزرگ کسانی که بر زمین هستند» تصویر شده است. و به همین ترتیب دعا برای صلح و آرامش در جهان و در کلیسا ادامه می‌یابد. این عقیده که منبع صلح و امید ماست به این حقیقت اشاره دارد که این اوست که می‌تواند واسطهٔ سلامتی (استراحت) برای ما باشد و ما را در اطمینان قلبی به سوی خدای پدر هدایت نماید (یو ۱۴:۶). قلبهای ما تا آن زمان در بی‌قراری و ناآرامی به سر می‌برند و بنابراین ما آرامش و سلامت را در خداوند می‌یابیم. آنهایی که در آسمان هستند این آرامش را در مسیح یافته‌اند و ما نیز که در زمین هستیم این آرامش را از او داریم. دعاهای سرپرست پس از مشارکت قربانی مقدس (در طول پاک کردن جام) با این کلمات او را معرفی می‌نمایند «ای مسیح، امید تمامی بشر».

اعتقاد به مخلوق بودن ما نیز همواره در ارتباط با مسیح مطرح می‌شود که پسر است. این موضوع توسط خادمان در انتهای نیایش روی زانوها و پیش از سرایش رازها مورد تأکید واقع می‌شود. این مخلوق بودن ما به یاد ما می‌آورد که ما کارهای دست خداوند عیسی هستیم. به همین شکل دعای سرپرست در طول سرود سه قدوس (*Sanctus*) تأکید و اعتراف می‌نماید که همه چیز از طریق او آفریده شد.

این یک اعتراف ساده به آسمانی بودن مسیح است که به طور مفصل در متون مختلف مورد تأکید قرار می‌گیرد. چنانکه قبلاً اشاره شد، سرایش رازها، به عنوان نمونه او را

خداوند خدا نامیده و او را با فرشتگان می‌ستایید: قدوس، قدوس، قدوس. در گهانتای سوم پیش از روایت بنیانگذاری و در دعای جماعت پس از قربانی مقدس در اعیاد خداوند ما درباره «خدا کلمه» صحبت می‌شود و «آسمانی» بودن او یادآوری می‌گردد. دعای کشیش پس از قربانی مقدس یکشنبه‌ها و روزهای عید از مسیح به عنوان «خداوند ما، خدای ما» یاد نموده، و تجربه حضرت تو ما را درباره رستاخیز به ما یادآور می‌شود (یو ۲۰:۲۸). در حالی که خالق نامیدن مسیح ما را به اصل خود برمی‌گرداند (نسب‌شناسی) در سرود خداوند برخاسته بیانی داریم که به کار نجات بخش مسیح که باید در ما به انتها رسیده (آخرت‌شناسی) و در رستاخیز بدنهای ما و نجات روحهای ما کامل شود، اشاره دارد. خوابیدگان در مسیح امیدوارند که او از طریق رستاخیز پرجلال خود آنها را خواهد برخیزانید و به جلال خویش خواهد خواند. دعای پایانی سرود، بنابراین، اعتراف می‌نماید که خداوند «حامی و نگهبان دائمی حیات ما» نیز هست. به زبان ساده‌تر مسیح نه فقط خالق (گذشته) و نجات‌دهنده (آینده) بلکه نگهبان (حال) زندگی ما نیز هست. به مفهوم دیگر او به عنوان «دهنده زندگی» شناخته می‌شود.

با اشاره به تجسم مسیح و مأموریت عمومی اعلام‌مژده انجیل، سرپرست به هنگام برداشتن انجیل از روی محراب چنین دعا می‌کند: «ای مسیح... تو خود را در جسم انسانی شبیه ما ظاهر نمودی و ذهنهای ما را در نور انجیل خویش از تاریکی‌های بخشیده‌ای». کلماتی که به ظهور مسیح اشاره می‌کنند که در «بدنی شبیه بدن ما» آشکار شد، به محبت عمیق و پیوند او با ما و یگانگی ما با او توجه دارند. از این شراکت در سرشت انسانی ما، صمیمیت با او به وجود می‌آید که به ما آزادی می‌دهد تا او را به زبان بومی (مالالایام)، نی (nee) بنامیم، که در بین دوستان صمیمی و یا در مورد شباهتهای کامل بین دو نفر و یا در مورد کودکان و افراد جوان‌تر از خود شخص به کار می‌رود. از این رو برخی آن را توهین‌آمیز تلقی نموده و آن را به شکل احترام‌آمیزتری یعنی آنگو (angu) استفاده می‌کنند.

با توجه به رابطه عیسی مسیح با جهان، ما عبارت «نور جهان و حیات همگان» را می‌یابیم که بر پایه انجیل یوحنا (یو ۱:۴، ۸:۱۲، ۱۴:۶) به کار گرفته شده است. تصویر دیگری که رابطه مسیح با ما را بیان می‌کند، تصویر گله شبان است که در دعای خادم‌ان در نیایش سجود (زانوزدن) در Raza و بلافاصله پس از عمل نیایشی تأیید تعمیدخواستگان دیده می‌شود.

در گهانتا بلافاصله پس از روایت بنیانگذاری دعایی هست که «رحمت‌های عظیم» مسیح را برای ما برمی‌شمارد که ما قادر نیستیم بابت آنها از او به حد کافی تشکر نماییم.

این دعا قسمت مهمی از انسان شناسی الهیاتی قربانی مقدس را تشکیل داده، و اعمال نجات بخش مسیح را روایت می‌کند. در ابتدای آن اشاره می‌شود که او «انسانیت ما را بر خود گرفت» تا ما را با سرشت آسمانی خود حیات بخشد». این پوشیدن یا در برگرفتن انسانیت ما به همان معنای ظهور او «در جسمی انسانی شبیه به جسم ما» بوده و «همشکل یک خادم» شدن و انسان شدن او نیز چنانکه در دعاهای قبل از قرائت انجیل و پس از روایت بنیانگذاری می‌بینیم نیز به همان معنا می‌باشد. رابطه درونی بین *Logos* (کلمه) و انسان شدن، یکبار دیگر در اینجا جلوه گر می‌شود. علاوه بر ایمان به تجسم، این دعا به ایمان، از دیدگاه هدف آن می‌نگرد و به زبان ساده تر خدایی شدن یا آسمانی شدن (*Theosis*) انسان را نیز در نظر می‌گیرد. که موضوع اصلی و تکرار شونده ویژه شناخت پدران کلیسای شرق و انسان شناسی الهیاتی آن را تشکیل می‌دهد که اساس کتاب مقدسی آن از آفرینش انسان به شباهت تصویر خدا گرفته شده (پید ۱: ۲۶-۲۷) و امید او را برای شراکت در سرشت آسمانی نوید می‌دهد (۲. پط ۱: ۴).

در اینجا باید توجه داشت که از طریق خدایی شدن انسان است که تمامی جهان تقدیس شده و در نجات الهی شراکت می‌یابد. زیرا انسان نماینده خلقت است و تمامی جهان را در آیین نیایش شرکت می‌دهد. بنابراین آیین نیایش سریانی مالاباری همانند دیگر نیایشهای مشرق زمین، قسمتی برای «نیایشهای تقدیم هدایا» برای گلها، میوه‌ها، بوته‌ها و غیره پیش بینی نکرده است و نیازی به نیایش بقیه جهان مادی احساس نمی‌کند. برعکس این انسان تقدیس شده و خدایی شده است که جهان را تبدیل می‌نماید. بنابراین این، از آنجایی که آیین نیایش در سنت و تفکر شرقی به عنوان فعالیت رازآمیز و یادآوری خود تقدیمی خدا (قربانی خود و هدیه کردن خویشتن) نسبت به جهان درک می‌شود، هیچ مفهومی معادل تقدیم هدایای دیگر در این آیین‌ها وجود ندارد. به همین دلیل، جماعت در هنگام آماده ساختن هدایای قربانی مقدس چنین می‌سراید: «بدن مسیح و خون گرانبهای او بر مذبح قرار دارد».

شخص ممکن است از اینکه هدایای قربانی مقدس، پیش از تقدیس (نامگذاری!) نیز، بدن و خون خداوند خوانده می‌شوند تعجب نماید. این دیدگاه پیش بینی کننده یا آینده نگر، در دعاهای مهیا سازی هدایا و نیز در دعاهای قسمت نیایشی سجود، نیز دیده می‌شود. در اینجا در نیایش با مفهوم زمان از دیدگاه خدا روبه رو هستیم که همه چیز را در زمان حال جاودانی، یعنی ترکیب گذشته و آینده در کنار هم، درک می‌نماید. زمان نیایشی بدین شرق سان با زمان دنیوی و گاهشماری دنیا از اساس متفاوت است زیرا که زمان دنیوی گذشته، حال و آینده را از یکدیگر تفکیک نموده و مجزا درک می‌نماید.

ترجیح و برتری شمایل‌ها (برخلاف مجسمه‌ها) چنانکه در کلیساهای می‌بینیم، تعبیر دیگری از نگرش متعال به دست می‌دهد، نگرشی که هرگونه دیدگاه صرفاً واقع‌گرا را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در ارتباط نزدیک با درک تصویر انسان خدایی شده، در گهانتای فوق، ما با تصویر مسیح که «وضعیت ناتوان و ضعیف ما را بر خود گرفت» و حیات جاوید را به ما هدیه کرد، روبه‌رو می‌شویم. تمامیت نگرش فوق در ارتباط، و با در نظر گرفتن حقیقت کامل شدن ابعاد نجات مطرح می‌شود. از بعد شفا بخشی و یا بعد اصلاح‌کنندگی نجات که توسط مسیح به انجام رسیده است، دعای فوق به این نکته اشاره می‌کند که او «ما را که سقوط کرده بودیم برخیزانیده ... خطایای ما را عفو فرمود» و ما را که گناهکاریم عادل نمود و ذهنهای ما را روشنایی بخشید و بردشمنان پیروز نمود.

دو نکته در مورد انسان توجه خاص ما را برمی‌انگیزد. پیش فرض اصلی دیدگاه خدایی شدن آن است که حرکت سرشت انسانی به سوی شراکت با خدا ذاتی است و به این نکته در دوم پطرس ۴:۱ اشاره شده است. اینکه ما به صورت خدا خلق شده‌ایم (پید ۱:۲۶ - ۲۷) تا آنکه در شباهت او رشد کنیم، پایه و اساس انسان‌شناختی این دیدگاه را تشکیل می‌دهد. به عنوان نتیجه گناه این حرکت پیش‌رونده، در انسان و در سرشت درونی او متوقف گردید. این نقص و ضعف در مسیح و با او امکان می‌یابد تا اصلاح شده و بشر بر آن غالب آید و بدین سان شکل مثبت این حرکت تکمیل می‌گردد. اشاره به آمرزش به عنوان یک حقیقت روحانی، گناه را به عنوان یک ویژگی منفی غیرشخصی در سرشت انسان (گناه اولیه) و همچنین نمونه‌ای از عمل شخصی انسان (گناه واقعی) تعریف می‌نماید. مسیح با آمرزش خویش ما را از اسارت این گناهان رهایی بخشیده است. علاوه بر اینها او بر مرگ یعنی مزد گناه (روم ۶:۲۳) پیروز شده و ما را از دشمنانمان (شیطان و نیروهای اهریمنی) که ما را چون «بردگان» خود به عنوان نتیجه گناه ما اسیر کرده بودند رهایی بخشید. به این مفهوم باید باز هم خاطر نشان کنیم که برطبق دعای خداوند در نیایش سریانی-مالاباری او ما را از شیطان به مفهوم صحیح و کامل کلمه (*min bisa*) که در *Pshita* (ترجمه سریانی) رها نموده و از واژه «از شیطان» به مفهوم انتزاعی آن استفاده‌ای در این دعا نمی‌شود. از این جهت دعای خداوند که برای بار دوم (پیش از قربانی مقدس) قرائت می‌شود با درخواست «ما را از شیطان و لشکر او رهایی ده» به پایان می‌رسد.

در پایان دعای سجود و پیش از سرود رازها، خادمان نیز باید چنین دعا کنند: «ما را در چنگال ... شرارت می‌فکن». این دعا بر پایه کتاب مقدس است و مطابق هشدار آن

مبتنی بر آنکه ما همواره در خطر حمله شیطان و نیروهای پلید هستیم، ترتیب داده شده است (۱- پطرس ۵: ۸؛ ر. ک. افس ۶: ۱۱-۱۲؛ لو ۲۲: ۳۱).

دعای به عنوان گفتگو یا سخن گفتن با خدا در ما اعتماد به نفس لازم را برای جستجوی خدا ایجاد می نماید، زیرا ما نه فقط مخلوقات او، بلکه گناهکارانی هستیم که در برابر او می ایستیم (= ایستاده ایم). لیکن عیسی به ما این اعتماد را بخشیده است که خدا را «ای پدر» صدا کنیم. کلمات آغاز دعای خداوند «ای پدر ما» به اعتمادی که توسط مسیح به ما داده شده است، اشاره می کنند. کلمات پایان این دعا نیز قابل توجه و با ارزش هستند. در این کلمات به این نکته نیز اشاره شده است که عیسی هنگامی که دعا کردن را به شاگردان خود تعلیم می داد، آنان را ترغیب نمود که با روح سپاسگزاری کلمات «ای پدر ما» را به کار برند. اما در اناجیل هیچ اشاره ای به تعلیم شکرگزاری در ارتباط با دعای «ای پدر ما» نمی یابیم (مت ۹: ۶ و متون نظیر) با این همه یقیناً این تجربه و تلاش خود عیسی بوده است که نخست از پدر سپاسگزاری نموده و سپس چنانکه در یوحنا ۱۱: ۱۱ می خوانیم، از او (بر سر قبر ایلعازر) در خواست خود را بیان نماید. به این ترتیب، این حکم تقدم شکرگزاری نشان دهنده شیوه خاص دعای عیسی می باشد. نتایج و ثمرات بعدی این نگرش در دعای ای پدر ما، هرچند که به طور واضح و روشن در اناجیل ذکر نشده است، اهمیت موضوع ذهن مسیح و تعالیم او را در آیین نیایش سریانی - مالاباری و ارتباط آن با شکرگزاری را آشکار می سازد.

به هر حال، حداقل هفده بار در طول آیین نیایش با واژه شکرگزاری روبه رو هستیم که این روزها مورد تأکید ویژه ای از سوی جنبش های کاریزماتیک (پنطیکاستی) قرار می گیرد. قربانی مقدس بر این نکته پافشاری می نماید که ما در یک رابطه خاص و غیرقابل وصف با خدا قرار داریم که از طریق عطایای فراوان خدا که به ما عطا می فرماید، تداوم می یابد. این حقیقت بطور خلاصه ولی خیلی عمیق در دعای قبل از سرود خداوند برخاسته و در گهائتای سوم پس از روایت بنیانگذاری و بخش پایانی آن مورد تأکید قرار می گیرد.

در ارتباط با این موضوع باز هم با اهمیت ستایش و جلال دادن خدا و این نکته که عنصر اساسی و پایدار آیین نیایشی سریانی - مالاباری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع ستایش و سپاسگزاری مربوط نباشد. بیش از پنجاه مورد، به موضوع پرستش و جلال دادن خدا برمی خوریم. این نکته، توخالی و پوچ بودن دیدگاهی را نشان می دهد که معتقد است بشر به شکل های غیرآیینی نیایش نیازمند است، چنانکه گویی در آیین نیایش چندان فرصتی برای اعمال نیایشی وجود ندارد. به هر تقدیر این ادعا حداقل در مورد آیین

نیایش سریانی - مالا باری فاقد ارزش است، زیرا سرود فرشتگان، یعنی «خدا را در اعلیٰ علیین جلال باد» در آغاز نیایش باعث می‌شود که قربانی مقدس به نیایشی سرشار از شکرگزاری‌ها و در واقع به قربانی شام خداوند تبدیل شود. در واقع، ارتباط تنگاتنگ قربانی مقدس و شکرگزاری به این معناست که قربانی نیز به عنوان نوعی شکرگزاری تقدیم می‌شود. عالی‌ترین و کاملترین شکل شکرگزاری در قربانی مقدس تجلی می‌یابد. اعتقاد به اینکه عیسی مسیح «نوبر سرشت ما» می‌باشد دیدگاه متعال و والایی را در مورد انسان و مقام و موقعیت او مطرح می‌سازد. این ایده عیسی را به عنوان الگوی انسان، یعنی انسان راستین معرفی می‌کند، همه ما طبق نمونه او و به خاطر او ساخته شده‌ایم. چنانکه در رساله کولسیان ۱: ۱۵-۱۷ می‌خوانیم، او نخست زاده خلقت است و همه چیز به خاطر او و از طریق او آفریده شد. او نوبر قیامت مردگان است، تا در همه چیز او مقدم باشد. برطبق دیدگاه کارل راینر، امکان واقعی وجود و هستی ما بر پایه امکان مکاشفه خدا در کلمه او پایه گذاری شده است، که در عیسی، آن انسان، مجسم گردیده است. بنابراین، انسانیت به طور مطلق در نگرش عیسی مسیح و با تکیه بر وجود او تجلی می‌یابد که قصد اصلی خدا بوده است.

(۳) روح القدس و ما - درخواست خادم برای شکرگزاری و جلال دادن نام خدا پس از مشارکت، به کار مهم روح القدس در وجود ما در آیین نیایش، اشاره می‌نماید. این درخواست به صراحت اعلام می‌دارد که ما از طریق فیض روح القدس قادر شده‌ایم که با مذبح مقدس ارتباط داشته باشیم. روح القدس نیروی حیاتی (جان) کلیسا بوده و هم اوست که ما را به یک بدن متحد و به یک جماعت تبدیل می‌کند. چنانکه در *Turgama* (تفسیر) انجیل می‌بینیم، این روح القدس است که ما را حکیم می‌گرداند و به واعظان سرسخت انجیل تبدیل می‌نماید. به همین شکل این همان روح است که در ما فضیلت «نیکوکاری» را به عمل می‌آورد، فضیلتی که حلقه پیوند کامل شدگی است. کار خاص روح القدس، در آیین نیایش همانا تقدیس است.

این عمل روح القدس در دعای سرپرست در موقع تسبیح سه قدوس شرح داده می‌شود. همراه با جماعت و گروه همسرایان که این سرود را می‌سرایند، کشیش هر یک از اقا نیم سه گانه را نام برده، حضور آنها را طلب می‌کند. هنگام طلب روح القدس کشیش چنین دعا می‌کند: «مقدس باد نامت، ای روح بی‌زوال، که از راه تو همه چیز تقدیس کرده می‌شود». اصطلاح «روح بی‌زوال» اشاره به عبرانیان ۹: ۱۴ است که کار کهنانته مسیح در قربانی خویش بر صلیب را نشان می‌دهد که «از طریق روح القدس» به کمال رسید. به همان سان که کار کهنانته مسیح توسط روح به انجام می‌رسد، به همین ترتیب «از طریق فیض روح» است که نظامهای کشیشی در کلیسا تعیین می‌شوند و این نکته در دعای برکت هنگام مهیا ساختن هدایای قربانی یادآوری می‌گردد.

عمل تقدیس با روح القدس همچنین در طول مراسم تبدیل فیزیکی با کلمات ذیل از دهان گروه همسرایان مورد تأکید واقع می‌شود: «کشیش... روح القدس رادعوت می‌نماید، و روح از بالا نازل گشته و بدن را تقدیس می‌نماید». همچنین بار دیگر در دعای طلب روح القدس که در آن کشیش حضور روح القدس را می‌طلبد این موضوع تأکید می‌شود و حضور او در قربانی مقدس آن‌چنان مؤثر است که تقدیس همه چیز ممکن می‌گردد. ایده تقدیس به وسیله روح القدس همچنین در دعای *karozutha* که خادم پس از اعتقاد نامه آن را می‌خواند نیز دیده می‌شود: «باشد که این قربانی به کامل‌ترین شکل توسط کلمه خدا و توسط روح القدس پذیرفته شود». این نکته که دعای طلب روح القدس تشکیل دهنده بخش پایانی و نتیجه نیایش قربانی مقدس است و با روایت بنیانگذاری هم‌ارزش می‌باشد، از این کلمات و زمینه آن قابل درک است.

نکته دیگر رابطه روح با رستاخیز است. پیش از قرائت رساله، سرپرست دعای *suraya* راقرائت نموده و در آن ایمانداران را به برگزاری رازهای خداوند ما یا قدیسی که روز به او تقدیم شده، دعوت می‌نماید تا «با سرودهای روح» آن را برگزار نمایند. این سرود به شکل هلولیاهای سه‌گانه ارائه می‌شود. این موضوع ما را با سنت شرقی سرودن هلولیاه که به رستاخیز خداوند اشاره می‌نماید، آشنا می‌سازد. نامیدن این سرود به عنوان «سرود روح» با نقش روح در رستاخیز خداوند ما و همچنین در رستاخیز خود ما ارتباط دارد و این موضوع در رومیان ۹:۱۱ و ۱:۴ بیان می‌شود. این نقش روح القدس در رستاخیز، در «صلیب تومای قدیس» با نقش کبوتری بر صلیب (بدون پیکره مسیح) جوانه زده نمادینه می‌شود، که خود نمادی از قبر خالی از یک سو و حیات تازه‌ای که از جوانه می‌روید از سوی دیگر بوده و نماد رستاخیز خداوند به حساب می‌آید.

ارتباط عمیق پرستش و شکرگزاری ما از هر یک از اقانیم سه‌گانه مقدس، توسط سرپرست با بوسیدن مذبح در سه نقطه وسط، راست و چپ در هنگام نیایش نشان داده می‌شود. در اینجا مذبح نشانه‌ای از تخت خدا می‌باشد: پدر در وسط، پسر خدا در سمت راست او، و روح القدس در سمت چپ قرار می‌گیرند.

۵) انسان گناهکار در حضور راز خدا

قربانی مقدس شامل اشاراتی متعدد به سرشت انسانی است که در نور مکاشفه به آن نگریسته می‌شود. در مورد بحث فوق به بعضی موضوعات اساسی در این زمینه پرداختیم از جمله اینکه انسان مخلوق خداست که به صورت او و به شباهت او ساخته شده، بازیافت او از گناه تقدیس و خدایی شدن آن، و همچنین جامعه زائر (جامعه در حال حرکت به

سوی خدا) و غیره. با این همه در اینجا باید دو نکته مهم را درباره انسان و سرشت او مورد تأکید قرار دهیم. یک نکته که در قربانی مقدس و دعاهای آن تأکید می شود، آگاهی فروتنانه از سرشت گناه آلود و ضعیف و ناتوان انسان است. بسیار حائز اهمیت است که این نکته در جهانی که به طور فزاینده ای احساس گناه را کنار می گذارد تأکید شود. احساس گناه آلوده بودن و عدم شایستگی، از آگاهی بشر از ایستادن در حضور خدا، که رازی مطلق و مقدس است ناشی می شود. ما این حقیقت را در عکس العمل پطرس رسول در هنگامی که خداوند را دید درمی یابیم (لو ۵: ۸). آگاهی از گناهکار بودن شخص و همچنین حضور خدا بدین سان به هم مربوط می شوند. ذیلاً به این دو موضوع می پردازیم:

الف) انسان به عنوان گناهکار - چنانکه قبلاً اشاره کردیم دیدگاه قداست و شکوه و جلال خدا، موجب بیدار شدن این آگاهی به ناتوانی و کوچکی بشر و گناهکار بودن او می گردد. این نکته در دعای کشیش به هنگام سرایش تسبیح سه قدوس بازتاب می یابد که در طی آن کشیش خود را در قربانگاه، که نمادی از آسمان است، می یابد. احساس او در این جایگاه همانند اشعیای نبی در رؤیای آسمانی اوست و بنابراین کلمات این نبی را تکرار می کند: «وای بر من، زیرا که مرد ناپاک لب هستم...» (اش ۶: ۵). دعای کشیش پس از دعای «ای پدر» در روزهای جشن تقاضای تقویت اوست تا آنکه وظیفه کهناتی خود را «آزاد از هرگونه تسلط و افکار شریر» به انجام رساند.

مراسم سوزاندن بخور علاوه بر همه جوانب مختلف نشانگر پاک شدن ما از گناهان و آمرزش ماست، و این عمل به شکلی نمادین هنگام سوزاندن بخور جلوه گر می شود. اشاره هایی که در این دعا به «مریم، گناهکار» شده نیز می تواند در این ارتباط معنا شود. مناسب شستن دستها اشاره ای دیگر به گناهکار بودن انسان و رحمت خدا می باشد. این دعا دعای ارزشمندی است: «باشد که خدا، سرور همه، خطایا و ناپاکی ها را از ما بزدايد و رحمت خود را جاری سازد، و باشد که او تمامی تقصیرهای ما را در اقیانوس رحمت خویش شستشو دهد». دعای *kussapa* که توسط سرپرست، قبل از برگزاری نیایش اجرا می شود حاوی این تقاضا می باشد: «ای خداوند، خدای ما به کثرت گناهان ما منگر، و به حسب اعمال و خطایای ما با ما رفتار مکن. ای خداوند عیسی مسیح... این قربانی را تقدیس فرما... تا آنکه گناهان ما با آن پاک شود. دعای بلافاصله پس از روایت بنیانگذاری و دعای بزرگ شفاعتی پس از آن نیز به این نکته اشاره دارند. در دعای طلب روح القدس، از روح القدس درخواست می شود که به خاطر «بخشایش گناهان» و «پاک شدن ما از خطاها» حاضر گردد.

قسمت تقسیم و تقدیم قربانی در قالب آیین توبه و اعتراف گناهان انجام می‌شود، یعنی به مناسک اعتراف شباهت کامل دارد. این موضوع با قرائت مزبور توبه (مز ۵۱)، و دعای سوزاندن بخور به اوج خود می‌رسد و در ضمن، شکستن و تقسیم بدن مسیح «برای بخشایش گناهان» توسط جماعت سروده می‌شود. *karozutha* توسط خادم اجرا شده و جماعت به آن چنین پاسخ می‌گویند: «ای خداوند، گناهان و خطایای بندگان خود را عفو فرما»، و نهایتاً با دعای کشیش خاتمه می‌یابد.

با در نظر گرفتن انسان به عنوان گناهکار و با درک قربانی مقدس به عنوان بخشایش و آمرزش، شکرگزاری از خدا و رحمت بی‌پایان او همچون برکت‌پایانی و در دعای سعادت‌مندی برای مذبج که «مذبج بخشایش» نام دارد، جلوه‌گر می‌شود. بنابراین موضوع انسان گناهکار و خدای رحیم را در تمام آیین نیایش به تکرار مشاهده می‌نمائیم.

ب) انسان به عنوان يك راز - آیین نیایشی سریانی - مالاباری به وضوح روشن می‌سازد که انسان موجودیتی است که عمیقاً با راز خدا در ارتباط می‌باشد. در الهیات معاصر، کارل راینر در انسان‌شناسی متعال خویش انسان را به عنوان دروازه‌ای به سوی رحمت بی‌پایان و رازآمیز خدا تصویر می‌کند. با توجه به اینکه نجات ما توسط خدا در مسیح به انجام رسیده است، پولس رسول آن را «راز کامل اراده‌ او» می‌نامد (افس ۱: ۹) که برای ما در مسیح آشکار گردید. اما این مکاشفه خصیصه رازآمیز خدای پدر یا مسیح - رویداد را از میان نمی‌برد، زیرا آنها بر طبق قانون و نظامی که *De Jure* و *De facto* نامیده می‌شوند، مرتب شده‌اند. رازهایی که تا ابد راز باقی خواهند ماند. این ویژگی رازآمیز پرستش، عنصر پایدار و اساسی آیین نیایش شرق و همچنین تمام مذاهب شرقی، حتی آنهایی که از دائرة کتاب مقدس خارج هستند، می‌باشد.

در هندوستان مقدس‌ترین قسمت معابد در تاریکی و در هاله‌ای از راز و در قلب محراب قرار می‌گیرد، که نشانگر هاله‌ای از راز است که با آن همراه بوده است. در نیایش سریانی - مالاباری نیز، این راز توسط کلمات و در سکوت و نشانه‌ها بیان می‌شود. بنابراین، به عنوان مثال نان و شراب به مثابه بدن و خون مسیح رازها نامیده می‌شوند. به روشی مشابه پس از قسمت آشتی خادم اعلام می‌نماید: «بیائید با احترام و توجه کامل به رازها ایستاده نیایش کنیم... باشد که هیچکس سخن نمی‌گوید... و در سکوت و احترام بایستید». فرمانی مشابه، پیش از دعای طلب روح القدس وجود دارد. این احترام مقدس است که قربانگاه (نماد آسمان) را از قسمت جماعت (نماد زمین) جدا می‌کند و توسط پرده‌ای در زمانهای خاص پوشانده می‌شود. استفاده از این پرده بدین سان به

نشانه‌ای غیر کلامی از حضور در برابر رازی مقدس بدل می‌شود، یا به زبان دیگر حضور رازها در برابر ما را نشان می‌دهد. راز خدا نه فقط خوفناک بلکه مجذوب‌کننده نیز هست. حضرت پطرس که از گناهکار بودن خود آگاه می‌شود (لو ۵: ۸)، همچنین طالب بودن با خداوند است، زیرا او کلمات حیات جاودان را دارد (یو ۶: ۶۸). این ویژگی رازهای مقدس خدا می‌باشد که، از یک سو او خود را به ما آشکار ساخته ما را دعوت می‌نماید، اما از سوی دیگر به عنوان راز مطلق مقدس باقی می‌ماند. این تجربه بونه مشتعل (خروج ۳: ۴-۵) در تجربه قربانی مقدس به خوبی جلوه‌گر می‌شود.

نتیجه‌گیری

اگرچه این مقاله مطالعه‌ای کامل و فراگیر نیست، نگارنده امیدوار است اندکی از مفاهیم مستتر در آن را روشن و انسان‌شناسی الهیاتی نیایش سریانی را تشریح نموده باشد. مطالب فوق روشن می‌سازند که قربانی مقدس سرشار از مفاهیم کتاب مقدس و الهیات درباره انسان است. مجموعه عناصر آسمانی-زمینی، الهی-انسانی، روحانی-مادی، جاودانی و فانی، گذشته، حال و آینده شاهدهی بردیدگاه مقدس آن دورنمای نگرش سه وجهی، مسیح‌شناسی و انسان‌شناسی آن، است.

پس از مطالعه مسیح‌شناسی قربانی مقدس سریانی-مالاباری در مقاله قبلی، و اکنون در بحث انسان‌شناسی الهیاتی آن، بیش از پیش به ارزش و اهمیت گنجینه معارف نیایش قربانی مقدس (*locus theologicus*) در کلیسای سریانی-مالاباری واقف هستم. هنوز بسیاری مطالب در این آیین نیایشی وجود دارند که باید همچون مرواریدهای گرانبها روزی از دل صدف‌های این دریای بی‌ساحل بیرون کشیده و صید شوند. این مهم نیاز به ایمان به دریا و چشمهایی برای دیدن دارد.

Sebastian Athappilly,

Christian Orient, September 1995, P.99-116